



گفت و گوی منتشر
نشده با دکتر غلامعلی
حداد عادل

می گفتند تو بر خلاف اسمت
عادل نیستی

صفحه ۱۲

روایت امروز

مجله تحلیلی روایت امروز - ضمیمه هفتگی روزنامه **شرق** - شنبه ۹ دی ۱۳۹۶ - ۱۶ صفحه



تکرار می کنیم

ویژه نامه حماسه ۹ دی «روایت امروز»

گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص حرکت عظیم مردمی

۹ دی، حجت را بر همه تمام کرد



در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقایق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس می‌کنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دل‌ها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع می‌کند.

اثبات دل‌بستگی مردم به نظام

حادثه‌ی نهم دی یک حادثه‌ی عجیبی است؛ به خاطر دل‌بستگی مردم به نظام بود. این‌ها نشان دهنده‌ی اعتماد مردم است. متأسفانه می‌شنویم همین طور در اظهارات مصلحت‌جویانه، مکرر می‌گویند: آقا اعتماد از دست رفته‌ی مردم را برگردانید! کدام اعتماد از دست رفته؟! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام را دوست دارند، از نظام دفاع می‌کنند.

عظمت ملت

شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرت‌های غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه‌ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکرده‌ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی می‌کنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه‌ی این راه تا رسیدن به اهداف عالی امیدوار می‌کند، تقواست.

وظیفه دینی

۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند.

قوی‌ترین ضربه ملت

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم وارد کرد. کار ملت ایران، کار عظیمی بود؛ یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف یلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آن‌ها خوشبین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است.

حجت تمامی ملت

حرکت عظیم نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه‌ی مجریه، مسئولین قوه‌ی مقننه، مسئولین قوه‌ی قضاییه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند.

ماندگاری در تاریخ

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد.

بیداری ملت

نهم دی در سرتاسر کشور مشورت محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت همان طوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته‌اند - یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند. دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال می‌کنند می‌توانند میان نظام و میان مردم جدایی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه‌ی وجود نظام جمهوری اسلامی را و اسلام را و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته‌اند، در درجه‌ی اول خود مردمند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولت‌های مستکبر - و در رأس آن‌ها آمریکا - علیه ملت ما حرف می‌زنند، توطئه می‌کنند، گاهی شعار می‌دهند، گاهی اظهارات مزورانه می‌کنند، گاهی صریحاً دشمنی می‌کنند، گاهی در لفافه می‌برند؛ این‌ها همه برای این است که تحلیل درستی از مسایل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیداری است، ملت هشیاری است.

حرکت عظیم مردمی

واقعاً یک پدیده‌ی عظیمی بود در تاریخ انقلاب در این شرایط و با این اوضاع و احوال؛ و قبل از آن، حضور مردم در خیابان‌ها در سراسر کشور در نهم دی بدون اینکه علما و راهنمایان معنوی مردم که مورد اعتماد آن‌ها هستند، دل‌های مردم را به حقایق این انقلاب متوجه کنند، میسر نمی‌شد.

اعتراف دشمنان

روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی می‌کنند راهپیمایی‌های میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند - تحقیر کنند، کوچک کنند- اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت



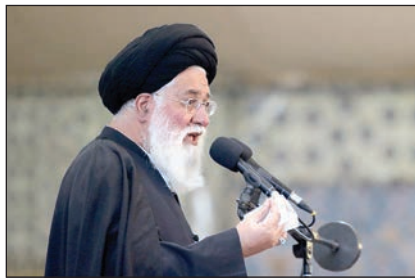
روایت امروز

شماره ۱۰
۹ دی ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: آستان قدس رضوی (مؤسسه فرهنگی قدس)
مدیر مسئول: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمدحسن روزی طلب
مدیر فنی و هنری ویژه نامه: محمد ملاعلی اکبری
www.qudsonline.ir

آیت الله علم الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد:

نیرومندترین شکل ولایت مداری مردم در ۹ دی بروز پیدا کرد



حال عده‌ای را در اصل مسئله دچار تردید کرده بود، این حماسه باعث شد همه آن‌ها تردیدها بی‌اثر شود و مسئله ولایت‌مداری این ملت در یک شکل قوی و نیرومند بروز و ظهور داشته باشد.

حماسه ۹ دی برای ملت ما به اندازه هشت سال دفاع مقدس ارزشمند است. آمریکا به عنوان قدرت اصلی جهان در اقیانوس‌ها را محاصره کردند، ولی قدرت و توانایی نزدیک شدن به ایران اسلامی را ندارد.

دشمن طی چند سال اخیر، گزینه‌های نظامی را مطرح کرده‌اند، ولی نمی‌تواند گامی بردارد، دشمن در هشت سال دفاع مقدس ما را به اینجا رسانده است که با مشکلات باید مبارزه و حماسه ۹ دی دشمن را برای همیشه پشیمان کرد.

در حرکت حماسی ۹ دی، اراده خداوند بر این قرار گرفت که به دنیای کفر و الحاد اعلام کند که این مردم هیچ گاه وجه‌المصلحه توطئه استکبار قرار نمی‌گیرند. در حماسه ۹ دی خداوند می‌خواست نسبت به این کشور و زمینه‌های موجود در مردم به دنیای کفر و استکبار هشدار دهد.

نیرومندترین شکل ولایت مداری مردم در ۹ دی بروز پیدا کرد؛ وجود اقدس امام زمان (عج) نیز عنایت فرمودند بر اینکه جریان ولایت‌مداری مردم در یک شکل قوی و نیرومندی بروز پیدا کند و این حضور باشکوه مردم یک رمز غیبی داشت بنابراین این حضور در صحنه در همه جای کشور امری جز عنایت خدا نبود چراکه مسئله فتنه طوری بود که با همه روشنفکری‌ها و شفاف‌سازی‌هایی که مقام معظم رهبری داشتند ولی در عین

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی:

۹ دی، مبنای بصیرت و میثاق مردم با امام امت است



دیگر معرفی می‌شود در آن کشورها داشتن ذخایر، وابستگی به قدرتهای بزرگ و کلاهک‌های هسته‌ای به عنوان مولفه‌های قدرت در دنیا و خیلی از نظامات معرفی می‌شود.

کشور و نظام ما قدرتمند است اما نه با آن مولفه‌های قدرت بلکه نخستین مولفه قدرت در نظام ما ایمان به خداست.

ایمان به خدا به عنوان مولفه قابل توجهی که اساس تشکیل جبهه انقلاب و حزب الله شناخته می‌شود و در آیات نورانی قرآن نیز حزب الله با داشتن ایمان به خدا معرفی می‌شود و ایمان در قلب و جان و دل نخستین شاخصه‌ای است که ملت ما را ممتاز می‌کند.

شاخصه دوم برای قدرت در نظام ما دین، فقه و آموخته‌هایی است که ما از ارزش‌های الهی داریم.

مولفه قدرت سوم امام، مقتدا و رهبری بصیرت آفرین در این نظام است که هم دوست و هم دشمن به آن معترف هستند که رمز اقتدار در این کشور و نظام، رهبری است به عنوان جایگاهی که می‌تواند همه نیروهای انسانی پای کار را در مقابل دشمن و سازندگی کشور بسیج کند و از همه توانایی‌های انسانی، مادی و معنوی کشور برای تعالی بهره گیرد.

مولفه قدرت در نظام ما مردم با بصیرت و اهل خطر کردن در عرصه‌های مختلف اجتماعی است، مردم آماده و روح مقاومت و ایستادگی و خطر کردن از مهمترین مولفه‌های قدرت در نظام ماست.

حضور پرشکوه و دشمن شکن مردم انقلابی ایران در ۹ دی برای دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی بود و این روز باید به عنوان یک حماسه بزرگ در تاریخ انقلاب اسلامی گرامی داشته شود.

در این روز حقیقتا دل‌های عاشق حضرت حق و دلدادگان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای دفاع از دین و ارزش‌های الهی و پیوند و میثاق با ولایت، دشمن شناسی و دشمن ستیزی خود را به نمایش گذاشتند. این روز اگرچه یک حادثه بعد از انتخابات سال ۸۸ بود در عین حال یک مرام، اساس و مبنایی بود که بناهای بسیاری را می‌توان بر آن استوار کرد. آن مبنای بصیرت بود و میثاق و پیوند بین امت با امام و مقتدای بصیرت آفرین‌شان.

مردم ما در صحنه‌ای که لازم است از انقلاب، نظام و ولایت دفاع و دشمنان را در مقابل این حضور شگفت زده می‌کنند. احساس مسئولیت و دشمن شناسی مردم نوعی احساس قلبی و عقلی به نظام، انقلاب و دستاوردهای اسلامی است.

روحیه مقاومت و ایستادگی و خطرکردن از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت در کشور ماست. دشمن تا آنجا که توانسته به گستردگی همه داشته‌های ما تهدید و تلاش کرده است اما نه اینکه نخواستنه باشد، نتوانسته است کاری از پیش ببرد.

چون ملت مسلمان ایران ملت قدرتمندی است، نه قدرت با مولفه‌هایی که در نظامات و کشورهای



گفتاری از دکتر سعید جلیلی
دبیر شورای عالی امنیت ملی در دوران فتنه ۸۸

مدیریت در بحران یا هدایت در فتنه

در مباحثی که در دنیا راجع به سیاست و اجتماع مطرح می‌شوند، تعابیری هستند که ما هم از آنها استفاده می‌کنیم، اما با تعابیر ما تفاوت‌های جدی دارند. مثلاً اگر در جامعه، حکومت و نظامی شرایطی پیش بیاید، احتمالاً این تعبیر را زیاد شنیده‌اید که «بحران» پیش آمده است و حالا چگونه باید این بحران را مدیریت کرد؟ کنترل بحران و شاید بسیاری از نکات و تعابیری که در عرصه‌های مختلف به کار می‌برند ناظر به چنین مفاهیم و تعابیری است. مثلاً می‌گویند بحران در منطقه غرب آسیا، بحران در نظام بین‌الملل یا بحران در فلان کشور. در ادبیات سیاسی از این نوع مفاهیم و تعابیر استفاده می‌شود.

گفتار

طرف دیگر نیزه‌هایی را که قرآن بر سر آنهاست. نمی‌داند با چه کسی بجنگد! تردید در جبهه دشمن که ایجاد نمی‌شود. طرف در سپاه امیرالمؤمنین (ع) است و می‌گوید من برای دفاع از قرآن آمده‌ام و دارم می‌جنگم، ولی الان او قرآن را بر سر نیزه و بلند کرده است. به این ترتیب تردید ایجاد می‌شود.

این است که از درون خود جبهه دچار تردید می‌شوند که آیا این راهی که داریم می‌رویم درست است یا غلط؟ جلو برویم یا عقب بیایم؟ چه کسی گفت برو جلو؟ چرا قطعنامه آمد؟ چرا این‌طور یا آن‌طور شد؟ و تردید ایجاد می‌شود.

♦ مصادیق فتنه در تاریخ اسلام

فتنه یعنی چه؟ یعنی کسانی از «درون نظام» مباحثی را مطرح کنند و غباری را بر حقیقت بنشانند که خدای ناکرده موجب تردید و گمراهی عده‌ای شوند. باید روی این هم کار کرد. فرقی چیست؟ موقعی که تردید نباشد، در بسیاری از جبهه‌ها می‌شود خیلی راحت مبارزه کرد و کار سختی نیست، اما در تاریخ اسلام موقعی فتنه شکل می‌گیرد که در جنگ‌های علی (ع) می‌بینید فرد نمی‌داند چه کند. از یک طرف حضرت علی (ع) را می‌بیند و از طرف دیگر عایشه همسر پیامبر (ص) را. از یک طرف علی (ع) را می‌بیند و از

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شبهه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

می‌بینید در کجا سپاه حق شکست می‌خورد؟ مواقع شکست سپاه حق اصلاً وقتی نیست که طرف مقابل قوی است، بلکه اتفاقاً زمانی است که شما به اوج قدرت می‌رسید و از درون دچار تردید می‌شوید. می‌گوید آقا! من پشت خیمه معاویه هستم، می‌گوید برگرد!

♦ اوباما به رهبر انقلاب نامه نوشت چون سال ۸۸ ایران در اوج قدرت بود

اینجاست که دشمن از درون ما را دچار تردید، اختلاف و از هم گسیختگی کرد. این مثال را چند جای دیگر هم زده‌ام. دشمن در روز ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ ارزیابی کرد که این نظام در اوجی قرار دارد. تاریخ نامه اوباما به مقام معظم رهبری ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ بود، چون احساس می‌کرد دارد اوجی گرفته می‌شود. بهترین وضعیت این بود که نظام را از درون به چالش بکشاند، چون می‌دانست از بیرون نمی‌تواند کاری کند.

♦ دیالوگ عبرت آموز شیخ فضل الله و مرحوم بهبهانی

در تاریخ خودمان هم می‌بینیم موفقیت‌های بزرگی به دست می‌آوریم و ناگهان از درون ما را دچار چالش می‌کنند. تاریخ معاصر و تاریخ مشروطه را ببینید. پیروزی کم‌نظیری به دست می‌آید و نهضت مشروطه از درون به چالش می‌افتد، به‌گونه‌ای که در همین تهران رهبری را که مشروطه را راه انداخته بود به دار می‌کشند و زیر چوبه دار او کف می‌زنند. قبل از شهادت شیخ فضل‌الله نوری مرحوم بهبهانی نزد او می‌رود و می‌گوید: «تو را می‌کشند.» شیخ می‌گوید: «اگر مرا کشتند، مطمئن باش پس از آن تو را هم می‌کشند» و هنوز یک سال نمی‌گذرد که بهبهانی هم هدف قرار می‌گیرد.

♦ چرا امام بنی صدر را تحمل می‌کرد؟

هنر امام این بود که انقلاب را به‌گونه‌ای مدیریت کرد که نگذاشت از درون دچار چالش شود، آن هم با اقدام به‌موقع و نه با سیست‌های پلیسی. در سال ۱۳۵۸ بنی‌صدر با آن ویژگی‌هایی که داشت به ریاست جمهوری انتخاب شد. امام با آن شخصیت و ویژگی‌شان می‌توانست بگوید این به درد نمی‌خورد، ولی خواست مردم بصیرت پیدا کنند، به همین دلیل حوصله می‌کرد تا مردم تصور نکنند کسی را که انتخاب کرده‌اند دارد به ناحق کنار زده می‌شود، بنابراین تحمل کرد تا وقتش رسید و رفتار امام یادمان هست. برخی در آن زمان می‌پرسیدند چرا امام این‌قدر حوصله می‌کند؟ چرا فرماندهی کل قوا را به او داد؟ چون امام می‌خواهد مردم را به حقیقت نزدیک کند و غبار را از میان بردارد و چهره‌ای را که به غلط وارد نظام شده است، به خود مردم بشناساند و لذا وقتی حقایق برای مردم روشن می‌شود، نه‌تنها عزل او لطمه‌ای به نظام نمی‌زند، بلکه پس از آن پیروزی‌های مهم خرمشهر و... رقم می‌خورد.

همین تدبیر را هم مقام معظم رهبری در عرصه‌های گوناگون داشتند. ما که می‌گوییم می‌خواهیم کمک کنیم، باید این نگاه را داشته باشیم تا بتوانیم فتنه‌ها را درست تشخیص بدهیم و در عرصه‌های مختلف نقش‌مان را ایفا کنیم. اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنید، هم می‌توانید رفتار دشمن را خوب درک کنید، هم رفتار نظام را در این قضیه بفهمید.

♦ آمریکا به دنبال «تغییر رفتار» جمهوری اسلامی است، چه با استحاله و چه براندازی

یک وقت برادر بزرگواری از من پرسید آیا دشمن طراحی کلان برای فتنه سال ۸۸ داشت و به مردم امید داشت؟ پاسخ این است که قطعاً! چون تمام بحث او همین است. وقتی می‌بیند گزینه نظامی و فشارها جواب نداد، بهترین کار این است که شما را از داخل دچار چالش و تردید کند.

حضرت آقا بارها تأکید کرده‌اند که آنها با ماهیت و حقیقت انقلاب ما مشکل دارند. در کنار شما کشوری هست که اسمش جمهوری اسلامی است و اتفاقاً سلاح هسته‌ای هم دارد، ولی هیچ کاری به او ندارند، چون آنها حتی با اسم جمهوری اسلامی هم مشکل ندارند، بلکه با این مشکل دارند که حقیقت و ماهیت جمهوری اسلامی بروز و ظهور یابد. لذا آقا بارها تأکید می‌کنند که مراقب باشید محتوای نظام خالی نشود و از درون از بین نرود، چون دشمن با شکل نظام مشکل ندارد و چیزی که اخیراً از آنها زیاد می‌شنوید این است که می‌گویند چیزی که برای ما مهم است، تغییر رفتار ایران است.

البته اگر بتوانند دلشان می‌خواهد هیچ چیز از جمهوری اسلامی باقی نماند، ولی آنچه که فعلاً برای آنها مهم است این است که این رفتار و ماهیت جمهوری اسلامی عوض شود، لذا برایش هزینه می‌کند. در این قضیه یک‌سری اسناد محرمانه وجود دارد که خودشان دارند، یک‌سری هم رفتارهای آشکار هست که در فتنه ۸۸ به‌راحتی قابل مشاهده بود. کنگره آمریکا رسماً برای براندازی جمهوری اسلامی بودجه تصویب و اعلام کرد دولت آمریکا موظف است این بودجه را هزینه کند و گزارش بدهد.

دولت آمریکا هم رسماً اعلام کرد ما این کارها را کرده‌ایم و این هم صورت هزینه‌اش. حضرت آقا اخیراً فرمودند اینها قابل اعتماد نیستند و یکی از اشاراتشان همین بود که در نامه ذیل برجام نوشتند در آن زمان رئیس جمهور آمریکا به من نامه نوشت، ولی در همان زمان به محض اینکه شرایط را مناسب دید، دیدید چه رفتاری کرد. این همان کسی بود که نامه نوشت، ولی همین‌که روزه‌ای پیدا شد، آمد و به شکل علنی آن روش را دنبال کرد.

آن‌ها هر کاری که توانستند کردند. در شه‌ریور همان سال ۸۸ در مجلس خبرگان گزارشی را ارائه دادم و نقل کردم به نخست‌وزیر انگلیس هشدار داده بودند که فرصت گرانبهایی است. چرا داری آن را از دست می‌دهی و کاری نمی‌کنی؟ جواب داده بود ما هر آنچه توانستیم انجام دادیم!

اگر می‌گویید یک اندیشه دینی با این مختصات دارم، مؤلفه‌های قدرتی پیدا می‌شود که او می‌گوید نه‌تنها در جنگ تا جایی که می‌توانستیم کمک کردیم و طرفی نیستیم، بلکه در فتنه هم هر آنچه داشتیم به کار بردیم و کمک کردیم، اما چه کنیم که خدا با ایران است. این همان «تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» است و سنن، فرمول‌ها و محاسبات جدیدی است که وارد موضوعات شده‌اند که برای دشمن قابل محاسبه نیست.

اگر گفته می‌شود با این فرمول‌ها و محاسبات کارها را متناسب با اندیشه دینی انجام بدهید، از آن طرف هم دورنما و افقی را ترسیم می‌کند که در آن «لَا غَالِبَ لَكُمْ» و مطمئن باشید «وَوَكْرُوهٌ وَ مَكْرٌ

اللَّهُ» که شما موفقیت‌هایی خواهید داشت که آنها کسب نخواهند کرد. «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى» می‌توانند به شما آزار و اذیت‌هایی برسانند، ولی نمی‌توانند آسیب جدی بزنند. این‌ها قواعد قانونی است، ولی لازمه‌اش این است که به این سنن قرآنی باور داشته باشید و آنها را دنبال کنید.

♦ آقا گفتند اگر نمی‌دانید کدام یک نفر از همه بازداشتی‌ها بی‌گناه است، همه‌شان را آزاد کنید!

خاطره شیرینی از همین نگاه وجود دارد. در حوادث عاشورا که در تهران اتفاق افتاد افرادی دستگیر شدند، اما طبیعی است در این دستگیری‌ها ممکن است آدم‌های بی‌گناه و گناه‌کار مخلوط باشند. بعد از چند روز که گذشت پرسیدیم چه شد؟ گفتند تفکیک اینها سخت است و نمی‌دانیم چه کسانی بی‌گناه و چه کسانی گناه‌کار هستند؟ ۲۲ بهمن را هم در پیش داریم و اگر اینها را آزاد کنیم، ممکن است در ۲۲ بهمن همین آشوب‌ها را به راه بیندازند. با یک نگاه مدیریت بحران با شکل غربی باید اینها را نگه می‌داشتند تا ۲۲ بهمن بگذرد، اما نگاه ولی‌فقیه عادل متفاوت است. ایشان فرمودند اگر احتمال می‌دهید حتی یکی از اینها هم بی‌گناه است، هر ۱۰۰ نفر باید آزاد شوند.

آقا فرمودند شما حق ندارید حتی یک بی‌گناه را نگه دارید. شاید کسی که کارشناس امنیتی باشد بگوید نه! اما نگاه دینی این است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ». این انجام می‌شود و خود آن دستگاه امنیتی می‌گوید تصورش را هم نمی‌کردیم در ۲۲ بهمن هیچ آشوبی نشود و هیچ فتنه‌گری جرئت بروز پیدا نکند. این یعنی باور به نظر ولی‌فقیه عادل که می‌خواهد جامعه را اداره کند و ادعای حکومت دارد. لذا می‌بینید نظام در عبور از فتنه و نشاندن غبار از روی حقیقت و مسیری که نظام دنبال می‌کند، موفق می‌شود و الحمدلله کارها پیش می‌رود.

به عنوان صحبت آخر به این نکته توجه کنید که مسیر حقیقت مرتباً با چالش‌های درونی و بیرونی مواجه است. چالش‌های بیرونی چندان سخت نیستند، چون مرز حق و باطل روشن است، اما چالش‌های درونی دشوارند، چون غبارافشانی‌های دائمی روی حقیقت صورت می‌گیرد. فتنه یک حرکت مستمر است و مادامی که شیطان وجود دارد، این حرکت ادامه دارد.

جبهه حق مرتباً باید در جهت تبیین حق در عرصه‌های مختلف بصیر و به‌روز باشد و بتواند رفتار و انتظاری را که از او هست، به‌موقع انجام بدهد. حضرت آقا این را بیان فرمودند که بسیار صحیح است. تواین کسانی هستند که جان خود را برای امام حسین (ع) فدا کردند و شهید شدند. اشکالشان این بود که این جان‌فشانی در زمان مناسب نبود. اگر اینها همان جان‌فشانی را در زمان ورود مسلم به کوفه انجام می‌دادند چه بسا مسیر عوض می‌شد. حرکت در زمان خودش، البته باید بر اساس همان «أَهْلُ الْبَصْرِ وَ الْأَبْصَرُ» انجام شود، یعنی بدانیم زمان مناسب چه موقع است و اتفاقاً صبر در همین‌جاست. شاخص همه ما هم ولایت فقیه است که نه جلوتر برویم و نه عقب‌تر: «وَ اللَّزَامُ لَكُمْ لَاحِقٌ» ان‌شاءالله همه ما جزو لازمین این مسیر باشیم و وظیفه‌مان را به‌موقع انجام بدهیم.

حوادث عاشورا که در تهران اتفاق افتاد افرادی دستگیر شدند، اما طبیعی است در این دستگیری‌ها ممکن است آدم‌های بی‌گناه و گناه‌کار مخلوط باشند. بعد از چند روز که گذشت پرسیدیم چه شد؟ گفتند تفکیک اینها سخت است و نمی‌دانیم چه کسانی بی‌گناه و چه کسانی گناه‌کار هستند؟ ۲۲ بهمن را هم در پیش داریم و اگر اینها را آزاد کنیم، ممکن است در ۲۲ بهمن همین آشوب‌ها را به راه بیندازند. با یک نگاه مدیریت بحران با شکل غربی باید اینها را نگه می‌داشتند تا ۲۲ بهمن بگذرد، اما نگاه ولی‌فقیه عادل متفاوت است. ایشان فرمودند اگر احتمال می‌دهید حتی یکی از اینها هم بی‌گناه است، هر ۱۰۰ نفر باید آزاد شوند.

روایت امروز

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم



روزشمار فتنه

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نمی‌روم

◆ ۲۲ خرداد:

• رهبر انقلاب پس از انداختن رأی خود در صندوق سیار ۱۱۰، از «تلاش مردم جهت ناکام ماندن تشنجات» سخن گفتند.

• مهدی کروبی پس از رأی دادن گفت: «وقتی نتایج اعلام می‌شود همه ما باید قبول کنیم و از تخریب دیگران بپرهیزیم.» آیت الله منتظری نیز اظهار کرد که پس از اعلام نتایج، رقبا باید به رئیس جمهور منتخب تبریک بگویند.

• سعید محمد خاتمی در حسینیه جماران از پذیرش و تمکین به رأی مردم گفت و با اشاره به شواهد عنوان کرد: «مهندس موسوی انتخابات را برده است اما من پیشگو نیستم.» / سایت‌های خبری حامی موسوی، خبر پیروزی وی را به نقل از خاتمی منتشر کردند.

• عفت مرعشی، همسر آقای هاشمی‌رفسنجانی پس از انداختن رأی در پاسخ به خبرنگاری از وی پرسید توصیه‌تان به هواداران کاندیداها بعد از روز انتخابات چیست؟ گفت: «اگر تقلب کردند، بریزند توی خیابان‌ها.»

• کمیته صیانت از آرای میرحسین موسوی در بیانیه‌ای از مردم خواست به هنگام رأی دادن که خودکار همراه داشته و از خودکارهایی که دیگران در اختیارشان قرار می‌دهند استفاده نکنند. در ساعات پایانی رأی گیری علی اکبر محشتمی‌پور رئیس این کمیته در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که «چه شواهدی برای پیروزی موج سبز و برنده شدن موسوی در کشور دارید؟» گفت: «چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.»

• موسوی در مصاحبه با مجله آمریکایی تایم و در پاسخ به این سؤال که «اگر انتخابات را ببازد، آن وقت چه می‌شود؟» پاسخ داد: «تغییرات مدت‌هاست که آغاز شده است. تنها گوشه‌ای از این تغییرات به پیروزی در انتخابات مربوط می‌شود و بخش‌های دیگر تغییر ادامه خواهند یافت و هیچ عقب‌گردی در کار نخواهد بود.»

• خبرگزاری فرانسه، روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال و روزنامه فرانسوی فیگارو در تحلیل‌هایی جداگانه، محمود احمدی‌نژاد را برنده انتخابات ایران دانستند.

• پیش از اتمام مهلت رأی گیری، موسوی با حضور در

جمع خبرنگاران داخلی و خارجی خود را برنده اصلی انتخابات با اختلاف بالا خواند. / وی طی بیانیه ای عنوان کرد که طبق اخبار واصله برنده انتخابات است و از مسئولین خواست در شمارش آرا حفظ امانت کنند و در غیرصورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق ملت اقدام خواهد کرد.

• یک مرکز حامی موسوی در محله قیطریه تهران شناسایی و پلمب شد. تعدادی از حامیان موسوی در این ساختمان در حال تهیه بروشور، تراکت و شب‌نامه‌هایی به منظور تشویق مردم به آشوب‌های خیابانی بودند.

◆ ۲۳ خرداد:

• بنا بر اعلام رسمی وزارت کشور، محمود احمدی نژاد با کسب بیش از ۶۳ درصد از حدود ۳۹ میلیون برگه رأی، منتخب دوره دهم انتخابات اعلام شد. رهبرانقلاب با صدور پیامی، ضمن تبریک این حماسه خطاب به مردم عنوان کردند: «توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند.» وزیر کشور در نشست خبری خود برای برطرف کردن شبهات اعلام آمادگی کرد.

• زهرا رهنورد همسر موسوی در گفت‌وگو با بی‌بی سی فارسی درخصوص تقلب عنوان کرد که موسوی فرزند آذربایجان و داماد لرستان است بهمین خاطر ترک زبان‌ها و لرها بجای او به احمدی نژاد رأی نمی‌دهند.

• موسوی نخستین بیانیه خود را منتشر کرده و ضمن نپذیرفتن نتیجه انتخابات عنوان کرد که مجریان انتخابات خائن به رأی ملت بوده و موج عقلانیت سبز را پرشور ادامه خواهند داد. وی در نامه‌ای سرگشاده، سکوت مراجع تقلید را خسارت خواند. مهدی کروبی نیز اعلام کرد که در برابر «مهندسی آرا» سکوت نخواهد کرد و این تازه اول داستان است.

• ابوالحسن بنی‌صدر نتیجه انتخابات را تقلب بزرگ توصیف کرد؛ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نتیجه انتخابات را «کودتایلیه جمهوری» خواند و مجمع روحانیون مبارز نیز خواستار ابطال نتایج شد.

• بعدازظهر شنبه اغتشاشات پراکنده در اطرف دانشگاه تهران آغاز شد. تعدادی از عوامل اصلی متهم به هدایت آشوب‌های خیابانی در تهران از جمله تاج‌زاده، بهزاد نبوی، محمدرضا خاتمی و چند تن دیگر بازداشت شدند. شبکه‌های ماهواره‌ای اخبار اعتراضات و اغتشاشات خیابانی را مداوماً گزارش می‌دهند.

◆ ۲۴ خرداد:

• عصر یکشنبه، جشن پیروزی رئیس جمهور با حضور جمعیت بزرگی در میدان ولیعصر تهران برگزار شد. احمدی نژاد همه ۴۰ میلیون شرکت کننده را تعیین کننده و رودخانه زلال ملت خواند و اغتشاشگران خیابانی را خس و خاشاک نامید.

• موسوی در نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان، تقلب را محرز دانست و خواستار ابطال انتخابات شد. وی در بیانیه دوم خود ولایت فقیه را رکن نظام عنوان کرد و ابراز کرد که در برابر دیکتاتوری و تقلب طبق چارچوب‌های قانونی اعتراض خواهد کرد. / سخنگوی شورای نگهبان از ارائه اعتراض ۷ بندی موسوی و عدم ارائه اعتراض کروبی خبر داد.

• جو بایدن معاون اواما در مصاحبه‌ای نتیجه انتخابات ایران را مورد تردید خواند. / هاآرتس اسرائیل نوشت: شاهد آغاز شمارش معکوس سقوط نظام ایران هستیم.

• محسن رضایی در نامه‌ای سرگشاده از وزیر کشور خواست تا اطلاعات در خصوص آرای شمارش شده در اختیار ستادش قرار بگیرد.

• با تارک شدن هوا اغتشاشگران با شکستن شیشه مغازه‌ها، ادارات، ایستگاه‌های اتوبوس، آتش زدن سطل‌های زباله پلاستیکی و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف آرامش شهر را به هم زدند. کوی دانشگاه تهران نیز یکی از محل‌های درگیری بود. علی لاریجانی رئیس مجلس، هیئتی را به سرپرستی حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد مأمور رسیدگی به این امر کرد.

◆ ۲۵ خرداد:

• اخبار دیدار رهبری با میرحسین موسوی در روز گذشته منتشر شد. رهبر انقلاب موسوی را دعوت به پیگیری اعتراض خود در چارچوب قوانین کشور کردند.



• راهپیمایی بدون مجوز هواداران موسوی با حضور وی، خاتمی، فائزه هاشمی، مجید انصاری، غلامحسین کرباسچی و... در محدوده خیابان انقلاب و آزادی تهران برگزار شد. محمدرضا خاتمی در سخنان خود اعلام کرد که برادرش خواهان ابطال انتخابات است. در انتهای این مراسم اغتشاشگران شروع به آتش زدن اموال عمومی کرده و تعدادی از هموطنان بر اثر شلیک گلوله‌های غیرسازمانی به شهادت رسیدند.

• مسعود رجوی در بیانیه‌ای خطاب به دانشجویان معترض درخواست کرد تا مقاومت قهرمانانه خود را ادامه دهند. وزاری خارجه اتحادیه اروپا خواستار انجام تحقیقات بر روند انتخابات ریاست جمهوری در ایران شدند. همچنین وزیرخارجه هلند نتایج انتخابات را تقلب خواند. نخست وزیر و وزیرخارجه انگلیس اظهارات مداخله جویانه تندی در خصوص انتخابات ایران عنوان کردند. سارکوزی رئیس جمهور فرانسه نیز عنوان کرد که وسعت تقلب با واکنش‌های خشونت آمیز تناسب دارد.

♦ ۲۶ خرداد:

• رهبرانقلاب با نمایندگان ستاد کاندیداها دیدار کرده و با اشاره به دیدار خود با میرحسین موسوی، همگان را به حفظ آرامش و پیگیری مطالبات خود از طرق قانونی دعوت کردند. رهبری عنوان کردند که در تائیدی به شورای نگهبان اعلام شده است که در صورت نیاز، صندوق‌های درخواستی بازشماری شود. آخوندی نماینده ستاد میرحسین موسوی در این دیدار گفت: «اگر تمام صندوق‌ها بازشماری شود هیچ تخلفی صورت نگرفته است.»

• اوپاما در گفت و گویی از دیدن برخورد با معترضان آرام اعلام نگرانی کرد. رضا پهلوی، عبدالملک ریگی و سازمان مجاهدین خلق در پیام‌های جداگانه‌ای از معترضان خیابانی حمایت کردند. محمدرضا شجریان در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما خواستار عدم پخش صدای خود از رسانه ملی شد.

♦ ۲۹ خرداد:

• نمازجمعه امروز به امامت رهبرانقلاب و باحضور بینظیر مردم تهران برگزار می‌شود. رهبری با پرداختن صریح و مفصل به مسائل انتخابات تأکید کردند: «جمهوری اسلامی

اهل خیانت در آراء مردم نیست.. بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نمی‌روم.»

♦ ۳۰ خرداد:

• مجمع روحانیون مبارز خبر از عدم موافقت وزارت کشور با درخواست تجمع روز شنبه می‌دهد. برخلاف تجمع ۲۵ خرداد و میدان امام خمینی، این تجمع با کاهش چشمگیر شرکت کنندگان مواجه شده و جنبه اغتشاش به خود گرفت. بیش از ۱۰ تن از هموطنان کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند. مسجد لولاگر و ناحیه بسیج مقداد به آتش کشیده شد. فیلم قتل ندا آقا سلطان به صورت گسترده در شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت منتشر شد.

• اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به موسوی نوشت: «واقعیت این است که حداقل اغتشاشگران و ارادل و اوپاش در سایه فضای غیرقانونی ایجاد شده توسط شما، به اقدامات تخریب گرانه می‌پردازند و در طول سه شب ۲۳، ۲۴، ۲۵ خردادماه در تمام موارد، اغتشاشگران به تخریب و ناامن سازی فضای عمومی پرداختند... بپذیرید که تجمعات و راهپیمایی‌های غیرقانونی، مشکلات جدی را برای مردم فراهم ساخته است.»

• سخنگوی شورای نگهبان قانون اساسی در جمع خبرنگاران اعلام آمادگی کرد تا ۱۰ درصد از صندوق‌های اخذ رأی را به صورت تصادفی و با حضور نمایندگان کاندیداها بازشماری کند.

♦ ۳۱ خرداد:

• موسوی در بیانیه شماره شش خود خطاب به هوادارانش گفت: «اعتراض به دروغ و تقلب حق شماس است. به احقاق حقوق خود امیدوار باشید و اجازه ندهید کسانی که برای ناامیدی و ارباب شما می‌کوشند خشم‌تان را برانگیزند. در اعتراضات خود همچنان به پرهیز از خشونت پایبند بمانید.» برگزارای راهپیمایی‌ها و تجمعات غیر قانونی و آشوب‌ها و اغتشاشات، بسیاری از کسبه و مغازه‌دارها در نقاط مرکزی شهر را مجبور به تعطیلی مغازه‌هایشان طی روزهای اخیر کرده است.

♦ ۲ تیر:

• رهبرانقلاب در پاسخ به درخواست دبیر شورای نگهبان، با تمدید مهلت رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری برای ۵ روز دیگر موافقت کردند. محسن رضایی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان انصراف خود را از پیگیری شکایات‌های مطرح شده اعلام کرد.

♦ ۳ تیر:

• رهبری در دیدار نمایندگان مجلس از خوی دیکتاتوری و عدم التزام به قانون در روند اعتراضات انتقاد کردند. ایشان گفتند: اگر نخبگان جامعه قانون را رعایت نکنند نمی‌توان از مردم انتظار عمل به قانون داشت. میرحسین موسوی دعوت صداوسیما برای شرکت در مناظره تلویزیونی یا پاسخگویی به سؤالات خبرنگاران را رد کرد.

♦ ۸ تیر:

• آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به وزارت کشور اعلام کرد که این شورا پس از بررسی دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، صحت این انتخابات را تأیید کرد.

♦ ۱۰ تیر:

• سامانه پیام کوتاه تلفن همراه وصل شد.

♦ ۱۴ تیر:

• فرمانده سپاه تهران، از جانبازی ۶۰۰ بسیجی و شهادت ۸ تن دیگر در جریان تأمین امنیت و برخورد با اغتشاشگران خبر داد.

• هاشمی‌رفسنجانی در دیدار جمعی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان گفت: «متأسفانه وقایع پس از آن و مشکلاتی که برای برخی به‌وجود آمده، ذائقه‌ها را تلخ کرد و فکر نمی‌کنم هیچ وجدان‌بیداری از وضع به‌وجود آمده راضی باشد.»

♦ ۱۵ تیر:

• رهبرانقلاب در دیداری به مناسبت میلاد حضرت امیرالمومنین (ع) در خصوص اغتشاشگران گفتند: «اغتشاش‌گر یک عده معدودی هستند؛ همان‌هایی که بودجه تصویب‌شده بعضی از دولت‌های غربی را برای ایجاد

اختلاف در داخل ایران مصرف می‌کنند، آن‌ها اغتشاش‌گردند... اسم بعضی‌ها را می‌آورند به‌عنوان این‌که ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ می‌گویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است.

♦ ۱۸ تیر:

• سایت تابناک نوشت: «شاهدان عینی خبر دادند که تجمعاتی در محدوده میدان انقلاب، خیابان جمالزاده تا میدان ولی‌عصر صورت گرفت که با هشدار پلیس و برخورد‌های جزئی میان معترضین و پلیس پایان یافت.»

♦ ۱۹ تیر:

• پس از کشف مکان اصلی ستاد عملیات روانی میرحسین موسوی در برج ۱۰ طبقه‌ای واقع در قیطریه، شواهد و اطلاعات بسیاری در مورد ارتباط تنگاتنگ تشکیلاتی ستاد موسوی با بی بی سی فارسی به دست آمد. در ستاد مستقر در این برج ۱۰ طبقه که در اختیار مهدی هاشمی است، استودیوی ضبط برنامه‌های انتخاباتی کشف شد که متعلق به شبکه بی‌بی‌سی فارسی بوده و از این مکان برنامه‌های مکرر تلویزیونی برای پخش در این شبکه ضبط می‌شده است. مدیریت ستاد عملیات روانی مذکور را «محسن امین‌زاده» از اعضای اصلی حزب مشارکت بر عهده داشته است.

♦ ۲۳ تیر:

• جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران در نامه‌ای سرگشاده خطاب به هاشمی‌رفسنجانی از مواضع او انتقاد کردند و از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستند «با اعلام مواضع صریح، پرده از فتنه پیچیده نفاق بردارد»، «در اقدامی شجاعانه، از دستگاه قضایی بخواهد پرونده‌های اقتصادی فرزندانش مورد رسیدگی قرار گیرد» و «از مواضع اطرفیان نامطمئن خود تبری جوید.»

♦ ۲۶ تیر:

• نماز جمعه به امامت اکبر هاشمی‌رفسنجانی و با حضور موسوی، کربوی و خانواده هاشمی برگزار شد. حامیان موسوی با حضور مختلط در صفوف نماز و تشویق با کف و سوت نمازجمعه متفاوتی بوجود آوردند. هاشمی در خطبه‌های نمازجمعه وضعیت کشور را بحرانی توصیف کرده و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شد. هاشمی برخی مسائل را از قبل از انتخابات دانست و عنوان کرد که بذر تردید را صداوسیما در دل مردم کاشت و ابراز کرد که این تردیدها باید از طرف حاکمیت برطرف شود.

• در اولین جلسه هیئت‌دولت در مشهد مقدس مجتبی ثمره‌هاشمی به‌سمت دستیار ارشد رئیس‌جمهور، اسفندیار رحیم‌مشایی به‌سمت معاون اول رئیس‌جمهور، پرویز داودی به‌سمت مشاور رئیس‌جمهور، علی‌اکبر صالحی به‌سمت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، مسعود زربی‌افان به‌سمت معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و حمید بقایی به‌سمت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری توسط احمدی‌نژاد منصوب شدند.

♦ ۲۹ تیر:

• رهبر انقلاب در سالروز عید مبعث رسول اکرم (ص) مردود شدن نخبگان را در امتحانات اخیر، به‌منزله «سقوط» دانستند و با به‌کارگیری واژه امتحان، مجدداً راه بازگشت برای برخی نخبگان را باز گذاشته و هوشیاری آنها نسبت به اتفاقات به‌وجود آمده را خواستار شدند. ایشان گفتند: هر فردی با هر عنوان و موقعیتی، اگر بخواهد جامعه را به‌سمت ناامنی سوق دهد از نظر عموم ملت ایران، انسان منفوری است.

• سید محمد خاتمی در دیدار با خانواده‌های چند تن از بازداشت‌شدگان بعد از انتخابات با تأکید بر اینکه بایستی توصیه‌های خیرخواهانه آقای هاشمی در نماز جمعه مبنای عمل قرار گیرد، خاطر نشان کرد: راه برون‌رفت از بحران فعلی، اتکا به همه‌پرسی از مردم طبق قانون اساسی است.

♦ ۳۰ تیر:

• حجت‌الاسلام‌المسلمین ابوترابی‌فرد نایب رئیس مجلس به‌ایسنا گفت: «باید بدون کمترین درنگ، حکم عزل و یا پذیرش استعفای مشایی توسط ریاست‌جمهور اعلام شود... نظر مقام معظم رهبری نیز مبنی بر کنار گذاشتن آقای رحیم‌مشایی از سمت‌های معاونت ریاست‌جمهوری، کتباً به



و تشکیل پرونده قضایی برای آنان در خصوص موضوع بازداشتگاه کهریزک خبر داد.

◆ ۲۹ مرداد:

• رئیس جمهور در گفت و گو با شبکه اول سیما از عملکرد وزارت اطلاعات در حوادث پس از انتخابات گلایه کرد و گفت: «آقای محسنی ازهای انسان خوبی بودند ولی نیاز به تحول در وزارت اطلاعات احساس می‌شود. اگر اشراف داشتند، مسائل بعد از انتخابات رخ نمی‌داد.»

◆ ۲ شهریور:

• کاظم جلالی، سخنگوی کمیته ویژه مجلس با اشاره به دیدار اعضای این کمیته با کروبی گفت: «از آقای کروبی پرسیدیم که آیا شما در خصوص ادعای مطرح شده در نامه خود به قطعیت رسیده‌اید، کروبی گفت خیر، من به قطعیت نرسیدم.»

◆ ۳ شهریور:

• چهارمین دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده کودتای مخملی برگزار شد. سعید حجاریان در دفاعیات خود که توسط سعید شریعتی قرائت می‌شد، گفت: «در دیدارهای به عمل آمده، قرار بود سازمان‌های غیردولتی را در ایران فعال کنیم و یکی از اهدافمان قدرتمند نمودن جامعه مدنی بود و قرار بود از تجارب بنیاد سوروس در جهت انقلاب رنگی استفاده کنیم.»

• مسعود باستانی روزنامه نگار بازداشت شده ضمن بیان تخلفات سایت جمهوری و استفاده از بیت‌المال و منابع دانشگاه آزاد در مدیریت این سایت توسط مهدی هاشمی‌رفسنجانی در جمع خبرنگاران گفت: «ایجاد شبهه در انتخابات و القای تقلب در انتخابات جزو محورهایی بود که مهدی هاشمی دستور آن را صادر می‌کرد.»

◆ ۴ شهریور:

• رهبرانقلاب در دیدار رمضان خود با دانشجویان به ایراد مطالب مهمی در خصوص انتخابات و حوادث پس از آن و ارائه تحلیل درباره عملکرد خواص و نقش دشمن در این‌باره پرداختند.

◆ ۷ شهریور:

• حجت الاسلام حسن خمینی، تولیت حرم مطهر امام خمینی (ره)، با احمدی‌نژاد و هیئت دولت که بمناسبت شروع هفته دولت برای ادای احترام و تجدید بیعت با امام راحل به مرقف رفته بودند همراه نشد.

• پارلمان نیوز از حضور میرحسین موسوی در ختم سعیده پورآقایی، از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات در مسجد قلهک تهران خبر داد.

• آیت‌الله آملی‌لاریجانی طی حکمی ابراهیم رئیسی معاون اول قوه‌قضائیه، محسنی‌ازهای دادستان کل کشور و خلفی رئیس حوزه ریاست قوه‌قضائیه را به‌عنوان اعضای هیئت نظارت بر رسیدگی به پرونده‌های مربوط به حوادث و اغتشاشات اخیر منصوب کرد.

◆ ۸ شهریور:

• در دیدار اساتید دانشگاه‌ها با رهبر انقلاب، دکتر روح‌الامینی پدر یکی از جان‌باختگان حوادث پس از انتخابات، نظام را بزرگ‌ترین مظلوم فتنه اخیر معرفی کرد و درخواست قصاص عوامل فوت فرزندش را مطرح نمود. وی در بخش دیگری از سخنانش نیز با یادآوری این‌که رهبر انقلاب از ۴۰ روز پیش و اولین ساعاتی که در جریان این حادثه قرار گرفتند، به‌طور ویژه پیگیر ماجرای قتل مشکوک فرزندش و دیگر آسیب‌دیدگان حوادث اخیر بوده‌اند و دستور تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده‌اند، از رهبر انقلاب تشکر کرد.

• مهدی کروبی در جلسه شورای مرکزی حزب اعتماد ملی گفت: «در روز قدس نیز بار دیگر قدرت مردم را خواهید دید و متوجه می‌شوید که مردم از چه فکر و اندیشه‌ای حمایت می‌کنند، زیرا مردم خودشان می‌فهمند و درباره آنچه روی داده، داوری می‌کنند.»

◆ ۹ شهریور:

• یکی از نزدیکان خانواده هاشمی‌رفسنجانی از سفر مهدی هاشمی به لندن خبر داد.

◆ ۱۰ شهریور:

• سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه در جمع پیشکسوتان دفاع مقدس گفت: «آقای موسوی خوشبینی‌ها

رئیس‌جمهور ابلاغ شده است.»

• احمدی نژاد در گفت‌وگو با واحد مرکزی خبر گفت: «آقای مشایی از مدیران مؤمن، دلسوز، ولایی، پاک و خلاق ایران هستند و به‌جهدلیل باید استعفا بدهند؟»

◆ ۲ مرداد:

• پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری متن نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور مبنی بر حکم عزل اسفندیار رحیم‌مشایی از سمت معاون اولی رئیس‌جمهور به تاریخ ۲۷ تیر را منتشر کرد. اسفندیار رحیم‌مشایی بعد از گذشت ۶ روز از نامه رهبرانقلاب و با انتشار رسمی آن، در نامه‌ای به رئیس‌جمهور کناره‌گیری خود را از این مسئولیت اعلام کرد.

◆ ۳ مرداد:

• مهدی کروبی طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به محسنی‌ازهای وزیر اطلاعات نوشت: «در صورتی که چاره‌ای برای خروج از بحران کنونی نباشد، مدیریت روزهای سخت رمضان، قدس، محرم و عاشورا و ۲۲ بهمن دشوار خواهد بود.»

◆ ۱۰ مرداد:

• محمدعلی ابطحی در نشست خبری گفت: «سید محمد خاتمی اقتدار امنیتی و انتظامی کشور و مهمتر از آن رهبری را در ایران می‌شناخت اما در عین حال در مسئله تخلف در انتخابات از موسوی حمایت کرد و این اقدام نوعی خیانت به جامعه است. هاشمی‌رفسنجانی نیز در این قضیه در موضع انتقام‌گیرانه بود که بخشی از آن متوجه احمدی‌نژاد و بخش دیگر نوعی انتقام‌گیری و مقاومت در برابر رهبری بود که نمونه آن نامه وی به رهبری است.»

◆ ۱۲ مرداد:

• مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور بدون حضور چهره‌هایی نظیر هاشمی‌رفسنجانی، محمد خاتمی، ناطق‌نوری، حسن روحانی و حسن خمینی در حسینیه امام خمینی برگزار شد. رهبرانقلاب در این مراسم گفتند: این انتخابات برخی خواص را مردود کرد و برخی جوانان هم که با صداقت و سلامت وارد میدان شده بودند در مواردی اشتباه کردند.

◆ ۱۴ مرداد:

• مراسم تحلیف رئیس‌جمهور در صحن مجلس شورای اسلامی با حضور مسئولین لشکری و کشوری برگزار شد. در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور نیز همانند مراسم تنفیذ، غیبت هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری، حسن روحانی، سید محمد خاتمی و سید حسن خمینی مشهود بود.

• هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا با حمایت آشکار و علنی از آشوب‌ها در ایران تاکید کرد: «ما تشکر می‌کنیم و این مقاومت و تلاش‌های مداوم اصلاح‌طلبان را تحسین می‌کنیم.»

• دفتر آیت‌الله یوسف صانعی اعلام کرد که وی در بیانیه‌ای، اعتراضات متهمان حوادث پس از انتخابات را بی‌ارزش توصیف نموده است.

◆ ۱۵ مرداد:

• نیروی انتظامی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «تعدادی از دستگیرشدگان هجدهم تیر به دلیل محدودیت پذیرش در اوبن به کهریزک منتقل شده‌اند که با توجه به شرایط آنجا اصولاً اعزام بازداشتی‌ها به آنجا صحیح نبوده است.»

◆ ۱۸ مرداد:

• مهدی کروبی در نامه‌ای سرگشاده به هاشمی‌رفسنجانی از او خواست درباره شایعاتی که درباره تجاوز به زندانیان منتشر شده است، تحقیق کند.

◆ ۱۹ مرداد:

• حمیدرضا کاتوزیان نماینده مردم تهران در مجلس، در جمع خبرنگاران در واکنش به اطلاعیه نیروی انتظامی اعلام کرد: «چون تعدادی از جوانان در کهریزک از بین رفته‌اند، لذا باید ناجا پاسخگوی اقدامات صورت گرفته در این خصوص باشد.»

◆ ۲۴ مرداد:

• رهبرانقلاب در حکمی آیت‌الله آملی‌لاریجانی را به ریاست قوه‌قضائیه منصوب کردند.

• پرویز سروری رئیس کمیته ویژه مجلس برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان اخیر از برخورد قضایی با ۱۲ پرسنل نیروی انتظامی و قاضی متخلف در برخورد با بازداشتی‌ها

بهمن ۸۷ اینگونه می‌گوید: ما باید بباییم و توان بگذاریم تا به هر قیمتی رهبری را از تخت پایین بکشیم. او باید بفهمد که این مملکت آنطور نیست که ایشان هر جور بخواهد به هر سمت بکشد.

◆ ۱۱ شهریور:

• سیدعلیرضا حسینی بهشتی از اعضای ستاد موسوی و سخنگوی کمیته پیگیری امور زندانیان و جانباختگان حوادث پس از انتخابات تعداد کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات را بدون اعلام شماره شناسنامه افراد، ۷۲ نفر اعلام کرد.

◆ ۱۳ شهریور:

• فائزه هاشمی‌رفسنجانی به سایت کانون جوانان حزب کارگزاران سازندگی گفت: «انقلاب مخملی در مفهوم عام آن می‌تواند به‌معنی اصلاح‌طلبی و بیان مسالمت‌آمیز ضرورت اصلاحات و تلاش برای انجام آن باشد که چیز بدی نیست.»

◆ ۱۴ شهریور:

• رهبرانقلاب در دیدار رمضان با شعرا و اهالی فرهنگ و ادب گفتند: «در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظلم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است... جنگ نرم یک واقعیت است، یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده‌شده و دندان‌های با غیظ به‌هم فشرده‌شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آلمان‌ها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل‌بسته‌اند.»

• موسوی در یازدهمین بیانیه خویش از ادامه حرکت به‌وجود آمده پس از انتخابات سخن گفت و بر ضرورت رفع ناامیدی و سردرگمی جریان متبوع خویش تاکید کرد. وی همچنین از راه‌اندازی تشکیلاتی به‌نام «راه سبز امید» برای ادامه مسیر در پیش گرفته خبر داد.

◆ ۱۵ شهریور:

• بخش خبری ۲۰:۳۰ گزارشی از کهریزک پخش کرد. در



این برنامه سردار تشکری رئیس بازرسی کل نیروی انتظامی از مردم عذرخواهی و اعلام کرد: «کسانی که این جنایت را رقم زدند نیروهای رسمی ناجا ام از درجه دار تا سرهنگ بودند... برخی قضات نیز در اعزام متهمان به کهریزک مرتکب تخلف شده اند که پرونده آن در دست بررسی است.»

◆ ۱۶ شهریور:

• رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت حضور ۸۵ درصدی در انتخابات اخیر را پتک جمهوریت بر سر دشمنان انقلاب خواندند.

• مبلغان فرقه ضاله بهائیت با استفاده از فضای پدید آمده از آشوب های پس از انتخابات، تبلیغات ضد دینی خود را افزایش داده اند.

◆ ۲۰ شهریور:

• رهبرانقلاب در خطبه های نماز جمعه با برشمردن اصول انقلاب و امام (ره) نسبت به تفرقه افکنی در روز قدس هشدار دادند. ایشان اختلاف نظر و ابراز انتقاد بدون خشونت و در چارچوب نظام را مفید خوانده و عنوان کردند که اگر کسی مخالف امنیت مردم باشد، نظام در برابر او ایستادگی خواهد کرد.

◆ ۲۱ شهریور:

• هیئت سه نفره قضایی پس از بررسی ادعاهای کروبی در گزارشی تفصیلی و با ذکر جزئیات پیگیری ها و افراد نامبرده و مورد ادعای دبیرکل حزب اعتماد ملی، آن را کاملاً جعلی و سیاسی دانست و خواهان برخورد عادلانه و قاطع با وی شد.

• علی مطهری به مهر گفت: «طرفین ماجرا به اشتباهات خود اعتراف کنند به نحوی که مثلاً میرحسین موسوی که قبل از اتمام شمارش آرا گفت بنده برنده انتخابات هستم و اگر اینگونه نشد تقلب شده است و سپس بیانیه های تحریک کننده صادر نمود، بگوید که اشتباه کرده و یا محمود احمدی نژاد بگوید که نحوه مناظره اش با موسوی و دیگران درست نبوده و اساساً اتهاماتی که به افراد وارد کرده ثابت نشده بوده و آن فضا برای طرح اینگونه اتهامات فضای مناسبی نبوده است. همچنین اعتراف کند که برخی سخنانش پس از انتخابات تحریک کننده بوده است.»

• فاطمه براتی، فرزند جانباз سعید براتی و از افرادی که ادعا می شد جزو ۷۲ شهید سبز است، در گفت و گو با بخش

خبری ۲۰:۳۰ از خبر کشته شدن خود اعلام بی اطلاعی کرد.

◆ ۲۲ شهریور:

• در پی آزاد شدن علیرضا حسینی بهشتی مشاور ارشد میرحسین موسوی، سید حسن خمینی به دیدار وی رفت.

◆ ۲۳ شهریور:

• آیات عظام مکارم شیرازی و نوری همدانی به درخواست آیت الله یوسف صانعی مبنی بر ترتیب دادن دیداری برای گفت و گو پاسخ منفی دادند.

◆ ۲۶ شهریور:

• در راهپیمایی روز قدس حامیان کربوسی با فریاد شعارهایی نظیر «نه غزه نه لبنان» و «مرگ بر روسیه» گرد وی حلقه زدند. تعدادی از این افراد با کشیدن سیگار و در دست داشتن بطری های آب معدنی اقدام به هتک روزه ماه رمضان کردند. موسوی و خاتمی دقایقی در میان حامیان خود در راهپیمایی بوده و پس از مواجهه با شعارهای مردم، مسیر را ترک کردند. جمعی از حامیان موسوی و کربوسی اقدام به تخریب اماکن عمومی و آتش زدن موتور سیکلت نمودند.

• ماموستا محمد شیخ الاسلام نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان، توسط افرادی ناشناس در مقابل مسجدی واقع در سنندج، پس از اقامه نماز مغرب و عشا مورد سوء قصد قرار گرفت و شهید شد.

◆ ۲۹ شهریور:

• پلیس از دستگیری کسانی که در روز قدس اقدام به تخریب اموال عمومی کردند، خبر داد.

◆ ۳۰ شهریور:

• جورج سوروس رئیس هیئت مدیره موسسه جامعه باز، در مراسمی به مناسبت هشتمین سالگرد حوادث یازدهم سپتامبر در نیویورک، ضمن تاکید بر لزوم تقویت رویکردهای روادارانه در جهان اسلام، دیدار خود با محمد خاتمی در سال ۲۰۰۶ را در همین راستا ارزیابی کرد.

◆ ۳۱ شهریور:

• هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان رهبری در آغاز اجلاس ششمین مجلس گفت: «باید برخی بدانند که اگر بی قانونی کنند نباید توقع داشته باشند قانون نسبت به آنها بی تفاوت باشد و بشود از آن گذشت و باید بدانیم اگر به قانون عمل نکنیم چیزی باقی نمی ماند و بی قانونی سبب هرج و مرج می شود.»

• بخش نخست میزگرد آسیب شناسی نظری حوادث پس از انتخابات با حضور سعید حجازیان، سعید شریعتی و محمد عطریانفر از شبکه اول سیما پخش شد.

◆ ۲ مهر:

• رهبرانقلاب در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان بلواهای پس از انتخابات را برنامه ریزی شده خواندند و گفتند: گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.

◆ ۳ مهر:

• احمدی نژاد در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در گفتگو با شبکه پی.بی.اس آمریکا گفت: در سال ۸۴ هم انتخاباتی برگزار شد که مجریان آن با تمام توان حامی رقیب من بودند اما مردم به من رأی دادند و البته دو کاندیدا در آن زمان هم گفتند که در انتخابات تقلب شده؛ در حالی که خودشان انتخابات را برگزار کرده بودند.

◆ ۵ مهر:

• سعید حجازیان در اولین گفتگوی مکتوب خود با ایرنا، به بررسی علل حوادث پس از انتخابات پرداخت. وی فراخوان های غیرقانونی موسوی، دامن زدن به شایعه تقلب بدون ارائه سند و همچنین ضعف صدواسیما و وزارت اطلاعات را از جمله این عوامل دانست.

• محمدجواد لاریجانی با انتقاد شدید از میرحسین موسوی و حسن خمینی گفت: جناب حسن آقای خمینی که خدا حفظشان کند آدم بسیار باهوش و زیرکی هستند. در این انتخابات ایشان رسماً از موسوی حمایت کرد و این امری نیست که مخفی بماند. اینکه سید حسن خمینی به مراجع رجوع کنند یا کسانی که به طور رسمی حکومت را سکولار می خواهند و مخالف ولایت فقیه هستند را حمایت کند، اشتباه است.

◆ ۶ مهر:

• سیزدهمین بیانیه مهندس موسوی منتشر شد.

وی با اشاره به حوادث روز قدس، از این روز به عنوان یک «نقطه عطف» نام برد و انتقاداتی را پیرامون سیاست خارجی دولت مطرح ساخت.

◆ ۱۳ مهر:

• در پی اظهارات اخیر زاکانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی مبنی بر نقش دادستان سابق تهران در تخلفات بازداشتگاه کهریزک، مرتضوی با رد اظهارات زاکانی آن را خبرسازی کذب خواند.

◆ ۱۶ مهر:

• سایت خبرآنلاین در گزارشی به سکوت چهره های سیاسی نظیر محمد باقر قالیباف پرداخت.

◆ ۱۹ مهر:

• محسن مخملباف، جایزه خود در جشنواره فیلم حقوق بشر نونبرگ آلمان را به مهدی کربوی تقدیم کرد.

◆ ۲۷ مهر:

• روح الله حسینیان نماینده مردم تهران در مجلس طرح وحدت ملی را طرحی انحرافی خواند و درباره طرح هاشمی رفسنجانی برای برون رفت از وضعیت کشور گفت: «اگر هاشمی رفسنجانی صادق است دست از حمایت از متخلفین بردارد تا جامعه به وحدت برسد.»

◆ ۲۸ مهر:

• عبدالملک ریگی در مصاحبه با بی بی سی فارسی گفت: رژیم دست به سرکوب جوانان و مردم بلوچستان زده است و ما را راهی جز توسل به عملیات (ترور و انفجار) نداریم.

◆ ۱ آبان:

• مهدی کربوی درحالی که با شعار «درد بر کربوی» همراهانش وارد نمایشگاه مطبوعات شده بود، با شعار مرگ بر منافق عده ای از بازدیدکنندگان به خارج از نمایشگاه هدایت شد. در بیرون از محوطه نمایشگاه محافظان کربوی اقدام به تیراندازی هوایی کردند و از شوکر برای پراکنده کردن مخالفان وی استفاده کردند.

◆ ۶ آبان:

• رهبری در دیدار جمعی از نخبگان علمی فرهنگی کشور «جابه جایی حوادث فرعی و اصلی بعد انتخابات در افکار عمومی» را مورد اشاره قرار دادند و زیر سوال بردن انتخابات را بدون مستندات کافی «بزرگترین جرم» عنوان کردند. رهبرانقلاب در این دیدار گفتند: من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی می زنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام می گیرد، وقتی انسان ناچار می شود، یک حرفی را می آورد علناً بیان می کند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع می کنید، اما نمی توانید تا آخر کنترل کنید؛ می آیند دیگران سوء استفاده می کنند. حالا دیدید آمدند سوء استفاده کردند. ایشان پس از طرح انتقاد یکی از دانشجویان به عملکرد صدواسیما عنوان کردند: بنده راضی نبودم که از اسفند ماه و بلکه زودتر، مجادلات انتخاباتی در تلویزیون منعکس شود.

◆ ۱۳ آبان:

• فتنه گران در مراسم ۱۳ آبان شعارهایی چون مرگ بر روسیه، مرگ بر چین، جمهوری ایرانی سر دادند و با آتش زدن سطل های زباله یا شکستن شیشه برخی اتوبوس ها به راه خود ادامه دادند. مهدی کربوی نیز که در بین اقلیت اغتشاش گران حاضر شده بود پس از حضور مردم خشمگین به سرعت گریخت. یاسر هاشمی رفسنجانی نیز با لباس میدل در خیابان شهید بهشتی حضور پیدا کرد و به ساماندهی اغتشاشگران پرداخت.

◆ ۱۶ آبان:

• حجت الاسلام سید حمید روحانی با بررسی ریشه های حوادث انتخابات و پس از آن، گفت: «تمام مصیبت هایی که در جریان انتخابات بر سر این کشور آمد از آن نامه سرگشاده ای بود که آقای هاشمی نوشت؛ جرقه را از آنجا زد، آتش نفاق و اختلاف را از آنجا روشن کرد و نسل جوان و مردم را به جان هم انداخت بعد حالا می آید دلسوزی می کند؟»

◆ ۱۸ آبان:

• حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس اعلام کرد:



گسترده‌تر در روز دانشجو، پاسخ دندان‌شکنی به رژیم... خواهند داد.»

◆ ۱۶ آذر:

• دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، شریف و علم و صنعت، در روز دانشجو صحنه تقابل دانشجویان انقلاب و هواداران جریان فتنه شد. در این روز مجید توکلی یکی از اعضای دفتر تحکیم وحدت که قصد داشت پس از پایان التهابات در دانشگاه امیرکبیر با پوشش زنانه، از دانشگاه بگریزد، شناسایی و دستگیر شد.

• بخش خبری ۲۰:۳۰ گزارش از وقایع ۱۶ آذر در دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، علم و صنعت و شریف را پخش کرد. در بخشی از این گزارش، پاره کردن و آتش زدن تصویر امام خمینی (ره) توسط حامیان موسوی در دانشکده فنی دانشگاه تهران پخش شد.

◆ ۱۹ آذر:

• باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا در مراسم دریافت جایزه صلح نوبل تظاهرکنندگان ایرانی را ستود و گفت: «آمریکا همیشه در کنار کسانی که به دنبال آزادی هستند خواهد ایستاد.»

◆ ۲۰ آذر:

• در پی پخش صحنه‌های کوتاهی از حرمت‌شکنی‌های هواداران موسوی به تمثال مبارک امام خمینی و رهبر معظم انقلاب در دانشگاه تهران، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم با انتشار بیانیه‌ای از تعطیلی دروس حوزه علمیه در روز شنبه ۲۱ آذرماه و تجمع اعتراض آمیز طلاب به همین مناسبت خبر داد.

◆ ۲۲ آذر:

• رهبر معظم انقلاب در جمع مبلغان و روحانیون ماه محرم فرمودند: آن‌کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند به مجردی که ببیند حرف او، حرکت او، موجب شده است که یک جهت‌گیری علیه این اصول به وجود بیاید فوراً متنبه می‌شود، چرا متنبه نمی‌شوند؟

◆ ۲۳ آذر:

• دانشجویان دانشگاه تهران وارد دومین روز از تحصن اعتراض آمیز خود در مسجد این دانشگاه شدند و همزمان دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها از جمله امیرکبیر، الزهرا، شیراز، شهید چمران اهواز، امام خمینی قزوین، بوشهر، اراک، قم، بوعلی همدان و... با تجمعات اعتراض آمیز در سطح دانشگاه خواستار محاکمه هرچه سریع‌تر عوامل اصلی اتفاقات به‌وجود آمده شدند. تجمعات مختلف در سراسر کشور نسبت به هتک حرمت تمثال امام خمینی و رهبر معظم انقلاب ادامه دارد. بازاربان و اصناف در اعتراض به هتک حرمت امام و رهبری، در مساجد جامع تجمع کردند.

◆ ۲۹ آذر:

• دفتر آیت‌الله حسینی منتظری خبر فوت وی را اعلام کرد. رهبر انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت آیت‌الله شیخ حسینی منتظری را تسلیت گفته و پس از برشمردن سوابق وی، برای ایشان از خداوند طلب مغفرت کردند.

◆ ۳۰ آذر:

• پیکر آیت‌الله... منتظری در قم تشییع و پس از اقامه نماز میت توسط آیت‌الله... شبیری زنجانی، در حرم حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. عده ای از طرفداران جنبش سبز ضمن اعلام شعارهایی علیه نظام، اقدام به سنگ‌پراکنی و درگیری با مردم و همچنین ایجاد خسارت به اموال عمومی در خیابان‌های اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س) کردند.

◆ ۱ دی:

• مردم قم با تجمع در برابر بیت امام‌راحل خواستار برخورد قانونی با مسببین حوادث اخیر در این شهر شدند. معترضین سپس در برابر بیت آیت‌الله... صانعی تجمع کرده و با شعارهایی همچون «شهر مقدس قم، جای منافقین نیست» خواستار برخورد با وی به علت حاشیه‌سازی‌ها و حمایت وی از اراذل و اوباش شدند.

◆ ۴ دی:

• پنجمین روز متوالی این تجمعات مردم قم درحالی شکل گرفت که آنان بعد از اقامه نماز جمعه با برپایی تظاهراتی از حرم مطهر حضرت معصومه (س) تا میدان شهدا به سردادن شعارهای مختلف پرداخته و به سران فتنه هشدار دادند.

با امضای برخی حامیان دیروز موسوی در مجلس و برخی از اعضای هیئت رئیسه، نمایندگان شکایت‌کننده از موسوی به ۱۴۴ نفر رسیدند.

◆ ۲۲ آبان:

• جورج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا که برای افتتاح «بنیاد بوش» به دانشگاه دالاس در ایالت تگزاس رفته بود، اصلاح‌طلبان ایران را خطمقدم آمریکا خواند.

◆ ۱ آذر:

• سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، در بیانیه‌ای به مناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر (روز دانشجو) دانش‌آموزان و همه جوانان مجاهد و مبارز میهن را به یک هفته اعتراض و تظاهرات ضدحکومتی-از دهم تا شانزدهم آذر دعوت کرد.

◆ ۲ آذر:

• رئیس مجلس در اختتامیه دومین دوره جوایز ادبی جلال آل احمد از تهمت و تحقیر نسبت به آیت‌الله هاشمی به شدت انتقاد کرد. آیت‌الله... ری شهری سرپرست حجاج ایرانی در همایش روحانیون کاروان‌های حج گفت: «اشتباه و تخلف وجود دارد ولی بینی و بین‌الله، راه تصحیح اشتباهات هم‌صدا شدن با کسانی است که خون به دل امام کردند و امام از دست آنها از خداوند طلب مرگ کرد؟»

◆ ۳ آذر:

• هفته‌نامه آمریکایی تایم نوشت: «پس از گذشت چند ماه از انتخابات ریاست‌جمهوری، اکنون جنبش سبز اپوزیسیون ایران، خواستار کمک از سوی دولت آمریکا شد. دولت اوباما چند درخواست از کانال‌های مختلف دریافت کرده... اپوزیسیون از آمریکا خواسته تا از عملیات نظامی اجتناب ورزیده و تحریمات شدیدتر و سریع‌تری علیه سپاه ایران و منافع آن اعمال کند.»

◆ ۴ آذر:

• رهبری در دیدار با بسیجیان سراسر کشور عنوان کردند که عده‌ای به بهانه انتخابات ایجاد تردید و اختلاف کردند و با عناصر مغرض دست به کارهای اخلاص گرانه زدند که بدلیل بصیرت مردم موفق نشدند. همچنین رهبری در این دیدار گفتند: نمی‌شود هر فردی را به دلیل یک خطا، منافع نامید و همچنین نمی‌توان، هر فردی را به دلیل اختلاف نظر و دیدگاه، ضدولایت فقیه خواند.

◆ ۸ آذر:

• محمدباقر قالیباف در جلسه جامعه اسلامی مهندسين درمورد این‌که چرا برخی رسانه‌های وابسته به وی حتی یک‌خط هم پس از انتخابات شفاف‌سازی نکردند گفت: «این‌که روزنامه‌های زیرمجموعه‌ام شفاف‌سازی نکرده‌اند و حتی آن‌طرفی هم عمل کرده‌اند، این موضوع را قبول ندارم ولی اگر بخواهند مانند کیهان عمل کنند نه قبول دارم و نه اجازه می‌دهم.»

• غلامعلی حدادعادل در نطق پیش از دستور با بیان این‌که در حوادث پیش آمده ۳۷ نفر کشته شدند اعلام کرد که از این تعداد ۲۰ نفر بسیجی بودند.

◆ ۱۵ آذر:

• رهبرانقلاب در دیدار قشرهای مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر فرمودند: «عده‌ای باید پیش خدا جواب بدهند از اینکه کاری کنند که دشمن از آن، وجود اختلاف در کشور را برداشت کند و گستاخ شود.»

• آیت‌الله... هاشمی در دیدار جمعی از دانشجویان مشهدی بر راهکارهای ارائه‌شده خویش در نماز جمعه چندماه قبل تهران تاکید کرده و در خصوص عدم بازگشت مهدی‌هاشمی عنوان داشت: «مهدی خیال‌ش از پرونده‌ها و تهمت‌ها راحت است... او به سفر کاری رفته است و دائماً می‌خواهد بیاید ولی من به او می‌گویم نیاید و کارهایش را انجام بدهد، جالب اینکه هیچ دادگاهی تا امروز به وی احضاریه نداده است.»

• شانزدهمین بیانیه میرحسین موسوی در آستانه ۱۶ آذرماه منتشر شد. وی مجدداً بر مساله تقلب در انتخابات تاکید کرد و نوشت: «یک ملت بزرگ نمی‌نشیند تا در روز روشن رایش را ببرند و هیچ نگویید. یک ملت بزرگ انتخابات درجه دو انتصابی را تحمل نمی‌کند... ۱۶ آذر دانشگاه را تحمل نمی‌کنید. ۱۷ آذر چه می‌کنید؟ ۱۸ آذر چه می‌کنید؟»

• سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «دانشجویان و جوانان آگاه و آزاده میهن با تدارک و آماده‌سازی برای برگزاری تظاهرات ضدحکومتی هرچه

◆ ۵ دی:

• فتنه‌گران در شب عاشورای حسینی با حضور در حسینیه مقدس جماران به سردادن شعارهای انحرافی پرداخته و همزمان با حضور خاتمی در حسینیه سوت و کف زدند. در این مراسم که اجرای آن به‌عهده سهیل محمودی بود، خاتمی در حسینیه جماران وارد شد و همزمان با حضور وی حضار با سوت و کف به استقبال وی رفتند.

◆ ۶ دی:

• عاشورای سال ۸۸: وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای اعلام کرد در جریان اغتشاشات امروز تهران که طی آن فتنه‌گران به دسته‌های عزاداری سوگواران سیدالشهدا (ع) حمله کرده و همچنین تعدادی از خودروهای عمومی و شخصی و برخی اماکن عمومی را به آتش کشیدند، تعدادی از عناصر گروهک تروریستی منافقین نیز در میان اغتشاشگران دستگیر شدند.

◆ ۷ دی:

• در پی هتک عاشورای حسینی، تظاهرات گسترده مردم در قم و مشهد اتفاق افتاد. تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور، طی بیانیه‌ای در اعتراض به حرمت‌شکنی اغتشاشگران در روز عاشورای حسینی ۳ روز عزای عمومی اعلام کردند.

◆ ۸ دی:

• مراجع عظام به صورت جداگانه با انتشار پیام از هتک عاشورای حسینی اعلام انزجار کردند. همزمان در رشت، تبریز، اصفهان، قم، کرمانشاه و شیراز مردم به خیابانها آمده و با برگزاری تظاهرات، هتاک‌های روزعاشورا را محکوم کردند.

◆ ۹ دی:

• جمعیت میلیونی عزاداران همزمان با بسیاری نقاط کشور در خیابان‌های تهران حضور پیدا کردند تا انزجار و خشم خود از حرمت‌شکنی نسل جدید منافقین به ساحت حضرت سیدالشهدا (ع) را اعلام کنند، در ادامه نیز با شعارهایی نظیر «لعن علی عدوک یا حسین، خاتمی و کروبی و میرحسین»، «هرجا اغتشاشه، فائزه رد پاشه»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر موسوی»، «مرگ بر کروبی»، «مرگ بر خاتمی»، «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر منافق»، «کروبی بی‌سواد، آلت دست موساد» و... نسبت به سران فتنه خشم خود را ابراز کردند.

◆ برگرفته از کتاب ۸ ماه نبرد مقدس نوشته امیرحسن ثابتی

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

گفت‌وگوی ویژه



روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

۱۲



گفت‌وگوی منتشر نشده با دکتر غلامعلی حداد عادل

می‌گفتند تو بر خلاف اسمت عادل نیستی

فتنه‌گران سبز تبدیل شد. بخشی از خاطرات آقای حدادعادل را که در گفتگو با معاونت تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی بیان شده است، در ادامه می‌خوانید. این گفتگو در تاریخ دوم آبان ۱۳۸۸ و در زمانی که هنوز آتش فتنه زبانه می‌کشید، انجام شده است.

دکتر غلامعلی حدادعادل را به میانه روی و انصاف می‌شناختند. در روزهای بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری اما او فعال‌تر و جسورتر در میدان حاضر بود. سه شنبه بعد از انتخابات، سخنران تجمع چند ده هزار نفری در میدان ولی عصر شد و پس از آن بود که این مرد آرام عرصه سیاست به سیل

تقریه

آقای دکتر! انتخابات دهم انتخاباتی بود که بسیارمورد مطلوب نظام بود. ۸۵ درصد از مردم مشارکت کردند که در تاریخ انقلاب بی‌نظیر است. خیلی‌ها می‌گویند هرچه انقلاب جلوتر می‌آید میزان مشارکت مردم کم می‌شود و قس‌علی‌هذا... اما انتخابات بعد از ۳۰ سال نشان داد که مردم هنوز نشاط دارند و امیدوارند به انقلاب و نتیجه‌اش هم ۸۵ درصد است. اما حوادثی اتفاق افتاد که در واقع کام مردم را به جای اینکه شیرین کند تلخ کرد. متأسفانه حالا جناب‌عالی که در این جریان از طرف شورای محترم نگهبان به‌عنوان ناظر بر جهت ده‌درصد آرا تعیین شدید. جناب‌عالی و شش نفر دیگر از آقایان، خواهش می‌کنم نظر خودتان را درباره انتخابات، برگزری آن و بعد از انتخابات بیان بفرمایید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری نقطه عطفی محسوب می‌شود، هم در تاریخ انتخابات‌های بعد از پیروزی انقلاب، هم به عقیده بنده در تاریخ سیاسی بعد از انقلاب. بنده از فردای بعد از ۲۲ خرداد ۸۸ گفتم که نقشه سیاسی ایران عوض می‌شود و حوادث بعدی هم این نظر را تأیید کرد؛ یعنی خیلی افراد و جریان‌ات جایگاه و پایگاه خودشان را از دست خواهند داد یا جایگاه و پایگاهشان تضعیف خواهد شد و احتمالاً افراد و جریان‌اتی هم ظهور بکنند و جدید باشند و یک جایگاه تازه‌ای پیدا بکنند

قطب‌بندی جدید در تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب...
بله‌حالا.

چون همیشه ما چپ و راست داشتیم. چپ راست اما این ترکیب جدیدی است.

بله، یک آرایش جدید از نیروها را بنده پیش‌بینی کردم که با این انتخابات در عرصه سیاسی ایران به ظهور خواهد رسید و به این جهت است که این انتخابات را نقطه عطفی در تاریخ سیاسی انقلاب می‌دانم. انتخابات از چند جهت قابل بررسی است: یکی حوادثی که قبل از رأی‌گیری رخ داد و دیگر حوادثی که بعد از رأی‌گیری اتفاق افتاد. از نظر خود بنده هم حوادثی است که ناظر آنها بودم؛ اموری است که من دخالت داشته‌ام در آنها... این هم یک نوع تقسیم‌بندی است. من سعی می‌کنم لاقلاً راجع به این چهار جنبه‌ای که تفکیک کرده‌ام توضیحاتی برای شما عرض کنم. حوادث قبل از انتخابات قبل از روز ۲۲ خرداد ۸۸ حوادث منحصر به فردی بود یعنی ما هیچ‌وقت در انتخابات‌های گذشته این شور و هیجان و صف‌بندی و حرارت و حرکت را نداشتیم و التهاب عجیب بر جامعه حکمفرما بود. دو طرف خصوصاً طرفداران آقای موسوی با تمام قوا به میدان آمده بودند؛ چه از نظر ستادها، چه از نظر شعارهای تبلیغاتی، ابزارهای تبلیغاتی، گستردگی در سطح ایران. یک پدیده نوینی هم که امسال اضافه شد که در انتخابات‌های گذشته سابقه نداشت، مناظره‌های تلویزیونی بود. نتیجه این شده بود که قبل از روز رأی‌گیری فضای انتخاباتی به اسبی شبیه بود که تا آنجایی که جا داشت به آن تازیانه زده بودند و این اسب با نهایت سرعت در حال حرکت بود.

به هر حال این مناظره‌ها تنور انتخابات را به شدّت داغ کرد و انفجاری در تبلیغات ایجاد کرد. ذهن خیلی از مردم را به هم ریخت و در این مناظره‌ها حرف‌هایی زده شد که از نظر سیاسی و از نظر حقوقی خلاف انتظار بود و بر التهاب‌ها افزود. بنده قبل از روز رأی‌گیری احتمال دادم که بعد از رأی‌گیری ما فضای آرامی‌نداشته باشیم و این پیش‌بینی خودم را به بعضی از افراد نزدیک به خودم گفتم. گفتم تجربه سیاسی من به من می‌گوید که این جمعیتی که این اندازه داغ و ملتهب هستند به نتیجه انتخابات به آسانی تمکین نمی‌کنند؛ این استنباط من بود، چون واقعاً وضع قبل از انتخابات عادی نبود؛ در آن یک هفته منتهی به ۲۲ خرداد، بعدازظهرها اصلاً ادارات و جلسات تعطیل بود؛ سمینارها، سخنرانی‌ها، دعوت‌ها همه ملغی شده بود و اشخاص ترجیح می‌دادند که از منزل بیرون نیایند؛ حتی کسی اگر می‌خواست برای عیادت کسی به بیمارستان برود ترجیح می‌داد یا صبح برود اگر ممکن بود یا اصلاً نرود؛ برای اینکه راه‌ها در بخش‌هایی از شمال شهر و شمال‌غربی شهر بسته بود و این غوغای خیابانی تا نزدیک صبح ادامه داشت. این حالت هیچ وقت دیده نشده بود. درست است که به خونریزی و درگیری مهمی‌نینجامید اما دو طرف پر

بودند، لبریز و سرشار بودند از خشم و هیجان و بیم و امید؛ و معلوم بود که مهار این هیجانات کار آسانی نیست و دیدیم که بعد از روز رأی‌گیری همین هیجانات را جهت دادند و مبدّل کردند به حوادثی که به آنها حالا خواهیم پرداخت. این یک واقعیت است. درباره حوادث قبل از رأی‌گیری، من چند نکته را توضیح بدهم. یکی این است که از فضای مجازی به شدت استفاده می‌شد و بیش از آنچه افکار توسط روزنامه‌ها یا مجامع رسمی‌سیاسی هدایت بشود، از طریق سایت‌ها هدایت می‌شد و معلوم بود که یک مراکزی اصولاً ایجاد شده برای تولید پیامک‌های انتخاباتی. این را می‌شد حدس زد، یعنی حجم انبوهی از پیامک‌های انتخاباتی علیه آقای احمدی‌نژاد عمدتاً روی تلفن‌های همراه سرازیر بود؛ به طوری که اگر کسی بخواهد همه واقعیت‌های مربوط به این انتخابات را گردآوری و مستند بکند، یک بخشش همین پیامک‌ها است، جوک‌هایی که می‌ساختند، شعارهایی که القا می‌کردند و داستان‌هایی که سر هم می‌کردند؛ حتی شعر می‌ساختند. این طریق پیامک پدیده تازه‌ای بود.

مطلب دیگر محتوای مناظره‌ها بود که به نظر من مهم‌ترین عنصر در این بررسی قبل از انتخابات است. محتوای مناظره‌ها مخصوصاً مناظره‌های آقای احمدی‌نژاد و مهندس موسوی خوب نبود و یک اشکالات عمده داشت و آن اینکه یکی از دو طرف مثلاً آقای موسوی و آقای کروبی سعی‌شان این بود که هرچه در این دوران ۴ ساله آقای احمدی‌نژاد شده آن را زیر سؤال ببرند و منفی جلوه بدهند و هیچ نقطه روشن و مثبتی را اعتراف نمی‌کردند. از آن طرف هم آقای احمدی‌نژاد سعی داشت – چون قبل از ایشان یا دوران آقای خاتمی بود یا دوران آقای هاشمی بود یا دوران آقای احمدی‌نژاد سعی می‌کرد که هم در مقام دفاع از خود و هم حمله به رقبای خود عملکرد دوران آقای خاتمی و هاشمی و موسوی را زیر سؤال ببرد. این یعنی از اول انقلاب تا زمان آقای احمدی‌نژاد و مال آنها هم از زمان آقای احمدی‌نژاد تا دور دوم.

هیچ نقطه‌مثبتی نبود؟

بله، در نتیجه دو طرف شروع کردند به بیان عیب‌ها و ایرادها در این ۳۰ سال گذشته و هر کسی به هر کسی انتقاد می‌کرد، او از دوره دیگر یک نظیر می‌آورد که تو هم این کار را کردی و برای غلبه به یکدیگر ملاحظه آبروی نظام را نکردند، ملاحظه افکار عمومی‌جوان‌ها را نکردند، حتی ملاحظه‌های اطلاعاتی و امنیتی را نکردند. چیزهایی را که کسی به آن تصریح نکرده بود، در هیچ جایگاه رسمی‌اعلام نشده بود، آن‌ها بی‌محابا به زبان آوردند و همه این‌ها هنجارشکنی بود. بنده وقتی این مطلب را دارم خدمتتان عرض می‌کنم موارد و مصادیق را یادم است از این مناظره‌ها، منتها فرصت نیست که بگویم.

آقای دکتر بگویید؟

بله، دیگر فرض بفرمایید به عنوان نمونه یکی می‌گفت که شما مثلاً متخجر هستید، با خانم‌ها بدرفتاری کردید در مسئله حجاب؛ یکی دیگر هم می‌گفت که من بدرفتاری کردم یا شما که بخشنامه کردید مانتو باید این ابعادش باشد، روسری باید این رنگ باشد، چه چیزی باید آن رنگ باشد و چیزهایی که هرکدام در زمان خودش حُسن شمرده می‌شد و انتظارات مردم تلقی می‌شد، حالا شده بود اسناد پرونده یا مثلاً یکی به یکی می‌گفت که شما در سیاست خارجی ایجاد تنش کردید.

حاجی‌ها را مثلاً بردید کشتید؟

بله، مثلاً با کشورهای اطراف و همسایه‌ها و... یکی دیگر می‌گفت که در زمان من بود یا در زمان شما بود که بمب و مواد منفجره بردند به فلان کشور تا مثلاً آنها در آنجا انفجار ایجاد بکنند. یک حرف‌هایی که خیلی عجیب و غریب بود و این حرف‌ها فقط برای غلبه بر رقیب ممکن است خوب باشد اما برای یک نظام به هیچ وجه درست نبود؛ یعنی از عقل و حکمت به دور بود. از این قبیل حرف‌ها زیاد زده شد اما این نسبت‌هایی هم که به هم دادند، به نظر من با موازین حقوقی و منطقی جور در نمی‌آمد. مقام معظم رهبری هم در نماز جمعه ۲۹ خرداد نقد کردند مناظره‌ها را و گفتند دو طرف به هم نسبت‌هایی دادند که جایش در دادگاه بود نه در مناظره تلویزیونی. اینکه آقای

احمدی‌نژاد بیاید راجع به فرزندان آقای هاشمی و فرزندان آقای ناطق‌نوری صحبت بکند، بدون اینکه سندی عرضه بکند و بدون اینکه طرف مقابل فرصت دفاع داشته باشد، خلاف موازین بود و به فرض که این اتفاق هم افتاده باشد این‌ها باید در محکمه مطرح بشود و طرف‌حق دفاع داشته باشد، وکیل داشته باشد، رسیدگی کارشناسی بشود؛ بعد محکمه نظر بدهد... اما اینکه مقامات بالای کشور بیایند راجع به دیگر مقامات بالای کشور این حرف‌ها را همین‌طور گذرا در افکار عمومی – سه چهار روز مانده به انتخابات، یک هفته مانده به انتخابات – مطرح بکنند و بر شعله‌های مخالف و موافق نفت بریزند، کار صحیحی نبود و همین‌طور نسبت‌هایی که از طرف مقابل داده شد به آقای احمدی‌نژاد، آن‌ها هم در واقع جایش در تلویزیون نبود. و خوب یکی از سؤالاتی که به ذهن بعضی‌ها خطور کرد این بود که آقای احمدی‌نژاد چهار سال رئیس‌جمهور بود. مردم سؤال می‌کردند که اگر شما واقعاً در این چهار سال اسناد و مدارکی داشتید که دال بر فساد این اشخاص بود چرا این‌ها را به قوه قضائیه ندادید؟ چرا از طریق مقامات عالیه کشور اقدام نکردید؟ چرا این‌ها را گذاشتید در دقیقه ۹۰ – حتی در وقت اضافی – آمدید در تلویزیون قبل از انتخابات مطرح کردید؟! این‌ها همه سؤالات مهمی‌بود.

یک پدیده دیگر هم که خیلی عجیب بود، زیر سؤال بردن سیاست خارجی نظام بود در مسئله فلسطین و اسرائیل و لبنان و غزه که از طرف مخالفین آقای احمدی‌نژاد مطرح می‌شد. به اموری ایراد می‌گرفتند که اتفاقاً محاسن آقای احمدی‌نژاد بود، شجاعت ایشان را نشان می‌داد، صراحت ایشان را نشان می‌داد. حالا ممکن است بنده یا کس دیگری طرز بیان آقای احمدی‌نژاد را یک جایی نپسندیم ولی نه اینکه ما بیاییم به عنوان یک کسی که متعلق به انقلاب است، به عنوان یک کسی که مرتباً از امام دم می‌زند، بیاییم و بگویم که ما نباید قبل از اینکه مشکلات داخلی خودمان را حل کنیم و مسائل داخل ایران را حل کنیم به غزه و فلسطین و لبنان کمک بکنیم.

این برخلاف باور دینی ماست که فرموده‌اند: «الْجَارُ نُمْ الدَّرُ»

بله، اصلاً از هر جهتی این حرف غلط است و این حرفی است که از اول انقلاب تا حالا غیر از این حرف زدیم و اگر یک کسی در مقام کاندیدای ریاست جمهوری بیاید و به سیاست‌های نظام نسبت به لبنان و فلسطین انتقاد بکند، این در واقع دانسته و ندانسته یک نوع چراغ سبزی است به آمریکا و اسرائیل و به طرفداران آمریکا و اسرائیل در داخل کشور... که بالاخره یک عده‌ای هستند ولو اینکه قلیل‌اند ولی هستند؛ چراغ سبز می‌دهد که من اگر رئیس‌جمهور بشوم دیگر به لبنان کمک نمی‌کنم، دیگر به فلسطین کمک نمی‌کنم! این حرف خیلی عجیب بود به نظر بنده، اصلاً حیرت‌آور بود ؛ بدی ایـن حرف به مراتب بدتر از بدی آن صحبت‌های توی مناظره و صحبت راجع به اینکه بچه فلانی یا بچه فلانی بد کرده بود هست؛ برای اینکه آنها یک بد اخلاقی بود، یک به فرض حدّا کثر ظلم به یک فرد بود ولی اینکه یک کسی بیاید و بگوید که آقای احمدی‌نژاد که به ژنو رفته سخنرانی کرده و از حقوق فلسطینی‌ها دفاع کرده، بعد نمایندگان کشورهای اروپایی بلند شدند و جلسه را ترک کردند، این باعث خجالت است، باعث خفت است! من می‌خواهم ببایم که دیگر از این خفت‌ها و خجالت‌ها تکرار نشود. این حرف‌ها مال این انقلاب نیست؛ این حرف‌ها حرف‌های امام نیست و ما اصلاً از کشورهای غربی که خودشان اسرائیل را ایجاد کردند و پشتیبانی کردند و نوعاً هم سیاست‌هایشان تحت تأثیر صهیونیست‌هاست، غیر از این انتظار نداریم و ما این را پیروزی باید بدانیم برای نظام خودمان که داریم مسئله فلسطین را این‌طور صریح در بالاترین منبرهای جهانی، در تریبون‌های مهم داریم عنوان می‌کنیم. این چه حرفی است که شما می‌آیید می‌زنید؟ این نشان می‌داد که ما با آقای موسوی جدیدی روبه‌رو هستیم؛ یعنی آقای موسوی که آمد در مناظره‌ها شرکت کرد، آن آقای موسوی که ما در دوران هشت ساله زمان امام دیده بودیم به عنوان نخست‌وزیر، دیگر نبود... برای اینکه ما انتظار نداشتیم آقای موسوی بیاید بگوید که ما چرا به لبنان کمک کردیم! همه دنیا افتخار می‌کنند به آن پیروزیی که در

موضوع: [روایت امروز](#)

موضوع: [روایت امروز](#)

دو طرف شروع کردند به بیان عیب‌ها و ایرادها در این ۳۰ سال گذشته و هر کسی به هر کسی انتقاد می‌کرد، او از دوره دیگر یک نظیر می‌آورد که تو هم این کار را کردی و برای غلبه به یکدیگر ملاحظه آبروی نظام را نکردند، ملاحظه افکار عمومی‌جوان‌ها را نکردند، حتی ملاحظه‌های اطلاعاتی و امنیتی را نکردند. چیزهایی را که کسی به آن تصریح نکرده بود، در هیچ جایگاه رسمی‌اعلام نشده بود، آن‌ها بی‌محابا به زبان آوردند و همه این‌ها هنجارشکنی بود

موضوع: [روایت امروز](#)

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

شنبه ۹ دی ۱۳۹۶

شماره دهم

لبنان حاصل شد و ما هم به وظیفه خودمان عمل کردیم. اگر کاری کردیم، تازه کار اصلی را هم خود آن بیچاره‌ها کردند که کشته دادند و سینه‌شان را سپر کردند؛ کاری که دیگران نکردند و ما کردیم و باید تحسین بشویم این را که نباید خودمان بباییم سند محکومیت خودمان قرار دهیم! آقای موسوی هم متوجه شد که یک گاف بزرگی کرده و من دقت داشتم در جلسه دوم سعی کرد یک قدری رفع و رجوع بکنم ولی دیگر دیر بود. به نظر من هر کس به آقای موسوی این مشورت را داده بود، از این انقلاب نبود ولو اینکه هر کس



قبل از شروع رأی‌گیری هر کاندیدایی می‌گوید من پیروز هستم؛ منتها همه می‌فهمند که این مثل بازی فوتبال می‌ماند که دو تیم هر کدام صحبت می‌کنند می‌گویند ما برنده می‌شویم، ما محاسباتی داریم که فکر می‌کنیم ما برنده‌ایم... ولی هر کس که گوش می‌کند می‌فهمد که این یک نوع آرزو است که به صورت جمله خبری بیان می‌شود ولی بعد که انتخابات انجام شده دیگر همه باید منتظر باشند تا مراجع رسمی اعلام کنند نه اینکه خود طرف بیاید و خودش را پیروز معرفی بکند

روایت امروز

بوده باشد. حالا ممکن است که یک دست‌های پنهانی – مثلاً با چند واسطه – چنین توصیه‌هایی کرده باشند. به هر حال از یک مرد پخته‌ای مثل آقای موسوی انتظار نبود که بیاید در مناظره‌های انتخاباتی به جای اینکه راجع به مسائل کارشناسی و داخلی کشور و مشکلات صحبت بکند که خیلی هم می‌شد صحبت کرد، برود مطالبی را مطرح بکند که اصلاً فراتر از آقای احمدی‌نژاد و فراتر از این دولت و آن دولت است و مواضع رهبری و امام بوده است و انقلاب بود. به هر حال هر کدام از این نکته‌هایی که من عرض می‌کنم، یک سرفصل تجزیه و تحلیل است که مربوط به قبل از انتخابات است.

به هر حال از حوادث قبل از انتخابات یک نکته قابل توجه هم آرامشی است که روز پنجشنبه ۲۱ خرداد حاکم بود که روز پنجشنبه مردم تمکین خوبی نسبت به قانون انتخابات نشان دادند. من آن روز در شهر رفت و آمد داشتم و دیدم که برخلاف روزهای پیش که همه پر بودند از شور و هیجان، یک آرامشی بر سطح شهر حاکم است و قانون رعایت می‌شود. در روز جمعه روز بسیار آرام و شیرینی بود؛ یعنی همه‌جا حضور مردم بود و نظم بود. ما در این انتخابات شاهد خرابکاری نبودیم، شاهد به هم خوردن حوزه‌های انتخاباتی نبودیم. خوب، البته وزارت اطلاعات هم زحمت کشیده بود و دیدیم که گروه‌هایی آمده بودند که در حسینیه ارشاد، در مسجد النبی نارمک، در مسجد لزلاده، در جاهایی که از تلویزیون اخبارش مستقیم پخش می‌شد و نقاط پر جمعیت رأی‌گیری بود، قصد بمب‌گذاری داشتند؛ همان گروه‌هایی که در شیراز بمب‌گذاری کرده بودند و جاهای دیگر. خوب، وزارت اطلاعات موفق شده بود این‌ها را شناسایی و دستگیر کند.

به هر حال انتخابات بسیار خوبی برگزار شد و همه جا حضور جمعیت چشمگیر بود و شکایت‌هایی هم که در این دوره از حوزه‌های انتخاباتی به شورای نگهبان رسیده بود، خیلی کم بود؛ به طوری که من از آقای کدخدایی سؤال کردم که میزان شکایت‌ها در روز انتخابات چه قدر بوده؟

ایشان گفتند در انتخابات مجلس ما حدود ۲۸۰۰ شکایت داشتیم. اگر حالا من دقیق به یادم مانده باشد در حالی که در انتخابات ریاست‌جمهوری از سراسر کشور حدود ۷۱۰ تا ۷۶۰ تا یعنی زیر ۸۰۰ بوده تا آن وقت این هفتصد و خرده‌ای شکایت هم مربوط به هر چهار نامزد بود، یعنی به هر نامزدی شاید حدود ۱۷۰-۱۸۰ تا شکایت بیشتر نرسد. حالا شما ملاحظه بکنید ۴۵ و اندی هزار صندوق انتخابات، از هر نامزدی حدود مثلاً ۲۰۰ تا حداکثر. این یعنی از نیم درصد هم کمتر می‌شود؛ چون یک درصد چهل‌هزارتا می‌شود چهارصدتا نیم درصدش می‌شود ۲۰۰ تا یعنی شاید چهاردهم درصد شکایت از موارد بوده و احساس ملت این نبود که انتخابات خراب برگزار شده است.

این را تو روز انتخابات... اما یک ماجراهایی هم بعد از انتخابات اتفاق افتاد. از همان روز جمعه یک اتفاق عجیبی که افتاد این بود که آقای مهندس موسوی دعوت کردند از خبرنگارها و مخصوصاً خارجی‌ها و قبل از اینکه شمارش آرا شروع شود، این دعوت شروع شده بود و هیچ نتیجه‌ای هنوز اعلام نشده بود که آقای موسوی رفتند و خودشان را با اطمینان خاطر به صورت صریح پیروز انتخابات معرفی کردند و خودشان را رئیس‌جمهور خطاب کردند و این حیرت‌آور بود. این که گفته بشود که فلان خبرگزاری هم قبل از شمارش آرا از پیروزی آقای احمدی‌نژاد خبر داده... درست است.

خبرگزاری پارس، ساعت ۱ شب؟

بله، این ملاک نمی‌شود که یک کاندیدا خودش برود و خودش را رسماً پیروز اعلام بکند، برای اینکه خبرگزاری ممکن است حدس زده باشد، ممکن است بخواهد فضا سازی بکند و حتی ممکن است تخلف بکند! بالاخره فرستاده خبرگزاری هم آدمی است ولی یک کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور یک کشور شود و باید صد در صد قانون را رعایت کند. آن هم آقای مهندس موسوی که ترجیح بند صحبت‌هایش در مناظره‌ها این بود که آقای احمدی‌نژاد را قانون شکن معرفی می‌کرد و می‌گفت شما به قانون تمکین نمی‌کنید، خودش مطابق چه ضابطه قانونی آمده و خودش را رئیس‌جمهور اعلام کرده و این خبر را به مردم دنیا اعلام کرده، به جهان اعلام کرده که من رئیس‌جمهور هستم. واقعاً این چه توجیهی دارد. قبل از شروع رأی‌گیری هر کاندیدایی می‌گوید من پیروز هستم؛ منتها همه می‌فهمند که این مثل بازی فوتبال می‌ماند که دو تیم هر کدام صحبت می‌کنند می‌گویند ما برنده می‌شویم، ما محاسباتی داریم که فکر می‌کنیم ما برنده‌ایم... ولی هر کس که گوش می‌کند می‌فهمد که این یک نوع آرزو است که به صورت جمله خبری بیان می‌شود ولی بعد که انتخابات انجام شده دیگر همه باید منتظر باشند تا مراجع رسمی اعلام کنند نه اینکه خود طرف بیاید و خودش را پیروز معرفی بکند. این پدیده عجیبی بود... بعد که نتایج اعلام شد، فردا صبح ما می‌بینیم که ورق برمی‌گردد یعنی آقای مهندس موسوی‌ای که ساعت یازده شب خودش را پیروز انتخابات می‌داند، صبح روز شنبه مدعی می‌شود که حقوق مردم ضایع شده، یک تقلب عظیم صورت گرفته و بعد هم از رهبری مطالبه می‌کند که انتخابات را باطل اعلام بکنند؛ چون تقلب صورت گرفته است. این حرف خیلی عجیبی است؛ این را باید کاملاً تجزیه و تحلیل کرد. باید سؤال کرد که آقای مهندس موسوی چه اطلاعاتی به شما رسیده بود که قبل از ساعت ۱۱ شب خودت را پیروز اعلام کردی؟ چه اطلاعاتی از ساعت ۱۱ شب تا صبح به شما رسید که نظام را و وزارت کشور را و مجریان انتخابات و شورای نگهبان را متهم به تقلب کردی؟ مسئله این است که در این فاصله از این ۴۵ هزار صندوق به شما چه اطلاعاتی رسید که مطمئن شدی تقلب شده، در حالی که پای صورتجلسات امضای نمایندگان شما و ناظران شما هست، شما از این ۴۵ هزار صندوق، ۴۲ هزار صندوق را ناظر داشتید. حالا بگیرم که دو هزارتا از این ۴۲ هزارتا را هم به هر علتی یا از اول راه نداده باشند یا در ضمن رأی‌گیری از حوزه بیرون کرده باشند... دیگر بیشتر از این که نیست؟ چون واقعاً این عدد هم من همین‌طوری از خودم می‌گویم والا این تعداد هم نیست. حالا به هر علت بالاخره ۴۰ هزارتا ناظر داشتی و وقتی که آرا را خواندند، هر کاری کردند، آن‌ها علی‌القاعده بودند و

تمام آن هیئت‌های نظارت و هیئت‌های اجرایی که در طول سال‌های گذشته سر صندوق بودند، این دفعه هم بودند و این‌ها همان هیئت هستند، همان آدم‌هایی هستند که نوعاً زمان آقای احمدی‌نژاد هم بودند.

و این انتخابات را این‌ها برگزار می‌کردند؟

بله. زمان آقای خاتمی هم بودند، زمان آقای هاشمی هم بودند؛ معمولاً این‌ها در این ده بیست سی سال اخیر حفظ شدند؛ یعنی آدم‌هایی هستند که از همه‌پرسی جمهوری اسلامی در فروردین سال ۵۸ پای صندوق بودند، هنوز هم هستند و همین‌طور نسل به نسل این‌ها کارشان را ادامه می‌دهند و هیچ وقت کسی نگفته که توی انتخابات‌ها تقلب سازمان‌یافته گسترده‌ای انجام شده؛ یعنی خود آقای خاتمی قبل از رأی‌گیری اعلام کردند که در ایران در انتخابات تقلب صورت نمی‌گیرد و این حرفی بود که همه قبول داشتند؛ یعنی کسی نظام را به تقلب متهم نکرده بود. بله، ممکن بود یک کسی در یک جایی صدا را بالا و پایین بکند ولی این را که تقلب نظام نباید نامید، آن مورد را باید رفت رسیدگی کرد و اگر یک صندوق، دهتا صندوق، صدتا صندوق هم که باشد فووش آنها را ابطال کرد و معمولاً هم این تعداد صندوق در نتیجه انتخابات تأثیری ندارد؛ برای اینکه یک وقت هست که دوتا نامزد آرایش‌شان به هم نزدیک است و سر پنج هزارتا اختلاف است! این ابطال صندوق‌ها در نتیجه اثر دارد... ولی وقتی که از یک حدی فاصله بیشتر باشد، همه می‌دانند که این‌ها بود و نبودش اثر نمی‌کند و انتخابات ریاست‌جمهوری هم با انتخابات مجلس فرق می‌کند. در انتخابات مجلس کاندیداها دوش به دوش هم می‌روند؛ گاهی وقت‌ها با صدا را رأی یکی از یکی دیگر جلو می‌افتد ولی در انتخابات ریاست‌جمهوری ابعاد فرق می‌کند. چه خبری به آقای مهندس موسوی رسیده بود که از فردا صبح بگوید که تقلب شده؟! این مسئله‌ای است که باید این آقایان جواب بدهند؛ یعنی افکار عمومی مردم خواهان جواب است. گرچه آن عده‌ای که در آن یک ماه، ۲۰ روز قبل از انتخابات در خیابان‌ها بودند به طرفداری از آقای موسوی تمام نمادهای خودشان را به رنگ سبز درآورده بودند، در آنتن ماشین‌هایشان، مچ‌شان، به سرشان، به پیشان، همه جا رنگ سبز بسته بودند. آن‌ها این قدر دچار هیجان هستند که هر چه از آنها سؤال بکنی، یک حرفی می‌زنند فکر نکرده ولی واقعاً باید در محافل دانشگاهی و در محافل علمی ما اهل فکر بنشینند این‌ها را بررسی کنند و ببینند این حرف‌ها آیا از روی خصومت و دشمنی و جناح‌بازی دارد گفته می‌شود یا این که این‌ها حرف‌های درستی است. به نظر من، این‌ها سوالات مهمی است، سوالات درستی است که باید به این سوالات درست جواب درست داد. باید کاملاً روشن بشود که آقای موسوی به استناد چه مدارکی گفته که انتخابات باید ابطال بشود؛ ما آن اعلامیه‌های آقای موسوی را بررسی کردیم؛ ایشان مثلاً می‌گویند که چون در مناظره‌ها بد اخلاقی شده باید انتخابات ابطال شود.

تخلف شده؟

بله، این یک مطلبی نیست که به استناد، آن کسی ابطال انتخابات را بخواهد تقاضا بکند. به هر حال این به فرض هم اگر ادعای یک طرف باشد باید برود در مرجع خودش رسیدگی بشود؛ چون اگر شما بگویید طرف مقابل بد اخلاقی کرده طرف مقابل هم برای شما همین حرف را می‌زند؛ می‌گوید شما هم نسبت به من همین مطالب را گفتید و این باید برود دادگاه تا معلوم شود که من درست گفتم، شما درست گفتید، و بالاخره شما خودت با همین مناظره‌ها بوده که در انتخابات شرکت کردید و این مناظره‌ها که انجام شد با اینکه از نظر شما بد بود، شما را به این نتیجه نرساند که از نامزدی انصراف بدهی. شما با قصد پیروزی آمدی؛ بعد که دیدی پیروز نشدی، آمدی این حرف را زدی والا اگر با همین مناظره‌ها مردم به شما رأی می‌دادند شما انتخابات را باطل نمی‌خواستی اما چون مردم به شما رأی ندادند رفتید سراغ مناظره‌ها والا واقعاً شما می‌دیدید که انتخابات از مسیر خودش خارج شده باید اعلام می‌کردی که چون شرایط طوری است که خلاف قانون شده و توازن برقرار نیست یا مثلاً این انتخابات باطل است، من شرکت نمی‌کنم؛ نه اینکه شرکت بکنی، بعد از اینکه رأی نیاوردی، بروی و استناد به این مطلب بکنی. کما اینکه با

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

همین مناظره‌ها بود که شما خودت را پیروز اعلام کردی. حرف‌هایی از سوی آقای موسوی اعلام شد که حقیقتاً نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل حقوقی و منطقی دارد. این کاری است که باید حتماً صورت بگیرد و من خودم شنیدم که خانم رهنورد صحبت می‌کرد که چه‌طور ممکن است مردم لرستان به داماد خودشان آقای مهندس موسوی رأی ندهند و حال آن‌که من اهل بروجرد هستم و آقای مهندس موسوی داماد لرستانی‌ها محسوب می‌شود! یا چطور ممکن است که مردم آذربایجان به مهندس موسوی رأی ندهند و حال آن‌که مهندس موسوی اهل خامنه است و مثلاً فرزند آذربایجان است.

بنده این‌ها را در مصاحبه تلویزیونی خودم توضیح دادم که با این حرف‌ها تکلیف یک انتخابات را که نمی‌شود روشن کرد؛ شما نمی‌توانی بروی در بی‌بی‌سی با این استدلال‌ها یک نظامی‌را متهم به تقلب بکنی. این حرف‌ها جواب دارد. حرف‌های محکمه‌پسند و عقل‌پسندی نیست که شما بزنید؛ بعد هم مردم را بیابارید توی خیابان‌ها، و در حالی که مجوز قانونی به شما داده نشده.

آقای دکتر! ببخشید در این بخش می‌شود وزارت کشور را هم در واقع آن مجموعه براین وزارت کشور، اطلاع‌رسانی صحیح شروع نکرد؛ یعنی دیر وارد مرحله شد. این جور نیست آقای دکتر؟

حالا بعضی‌ها می‌گویند خیلی زود وارد شد.

نه، یعنی ساعت ۱۲ شب اعلام کرده بود که مثلاً آقای احمدی‌نژاد ممکن است...

نه، از حدود ساعت یک نیمه شب، این‌ها چون آن لاین وصل بودند به حوزه‌های انتخاباتی، هرچه می‌آمد این‌ها اطلاع می‌دادند و به صدا و سیما هم می‌دادند. این نوبت چون از فضای مجازی و از اینترنت و امثال آن استفاده می‌کردند، سریع‌تر انجام می‌شد. شمارش آرای انتخابات ریاست‌جمهوری کار دشواری نیست؛ چون فرض کنید که هزارتا رأی توی یک صندوقی باشد؛ به نام چهارتا کاندیدا ۷-۸ نفر هم پای صندوق هستند. این‌ها ظرف یک ساعت، یک ساعت و نیم تا دو ساعت می‌توانند بشمارند و نتیجه را اعلام بکنند. این حرف‌هایی که مثلاً به یک جاهایی تعرفه نرسیده، به یک جایی رسیده و زودتر تعطیل کردند یا دیرتر تعطیل کردند، این‌ها هیچ‌کدام سند نیست. و بعد هم شما چرا از رهبری خواستید این کار را بکند مگر جزء وظایف رهبری است که صحت انتخابات را تأیید بکنند؟! حالا اگر رهبری می‌آمد و تقاضای شما را اجابت می‌کرد، چون شما روز شنبه نوشتید که انتخابات باید ابطال شود رهبری هم روز یکشنبه انتخابات را باطل می‌کرد؛ آن جمعیتی که به آقای احمدی‌نژاد رأی داده بودند، آن‌ها هم می‌ریختند توی خیابان‌ها، آن‌ها هم سؤال می‌کردند که چرا انتخابات ابطال شده؟ رهبری چه جوابی داشت به آنها بدهد؟ آیا رهبری می‌توانست به آن جماعت بگوید که چون طرف مقابل شما خواسته که من ابطال کنم من ابطال کرده‌ام؟ آن‌ها هم می‌گفتند که ما هم می‌خواهیم ابطال شود، این‌جوری که نمی‌شود کشورداری کرد، این‌جوری که نمی‌شود حکومت کرد. رهبری خیلی حکیمانانه تصمیم گرفتند و این حرف اصلاً جواب نداشت؛ یعنی به جای اینکه شما کار را از مسیر خودش هدایت کنید شما بدون ذکر سند و دلیل و بدون بررسی کارشناسانه رفتید و از رهبری خواستید که انتخابات را ابطال بکند. این به هم ریختن موازین قانونی کشور است. بعد هم می‌گوییم شما چرا به شورای نگهبان مراجعه نمی‌کنید؟ می‌گویند شورای نگهبان جانبداری کرده، منصفانه عمل نمی‌کند، عدالت ندارد... چرا عدالت ندارد؟ برای اینکه اعضای شورای نگهبان مثلاً دو نفرشان...

آقای یزدی و آقای جنتی رسماً از آقای احمدی‌نژاد حمایت کردند

نه، آقای جنتی که نه؛ آقای الهام و آقای یزدی این‌ها گفتند که ما طرفدار احمدی‌نژاد هستیم؛ البته آقای یزدی به این صراحت نگفته است آقای یزدی - تا آنجا که من می‌دانم - رأی جامعه مدرستین را اعلام کرد.

مگر در تمام انتخابات‌ها براساس امضای هیئت نظارت و هیئت اجرایی ما اعتماد نمی‌کنیم به شمارش آرا؟ آیا این به معنای این است که اعضای هیئت نظارت و هیئت اجرایی خودشان موضع ندارند، خودشان به کسی رأی ندادند...

بالاخره تمام آن آدم‌های هیئت نظارت و هیئت اجرایی هم خودشان یک رأی توی صندوق انداخته‌اند؛ به یکی از کاندیداها همیشه رأی می‌دهند - در تمام انتخابات‌ها... ولی شما می‌گوئید که این‌ها آدم‌هایی هستند که ممکن است خودشان به کسی دیگر رأی داده باشند ولی عادل هستند، دروغو نیستند. مگر هرکسی به فرد دیگری رأی داد حاضر است دروغ بگوید و نتیجه آرا را در جهت رأی خودش تفسیر بکند؟

آقای دکتر! اینجا یک سؤالی خدمتتان بکنم.

توجه دارید به این نکته اخیر من.

بله، آقای دکتر! همین شورای نگهبان که اشاره فرمودید در ذهن مردم این‌جوری هست مثلاً در انتخابات مجلس ششم، اواخرش که داشت مجلس هفتم شکل می‌گرفت، چند نفرشان از همین کانال دوستی و رفاقت‌ها تأیید گرفتند. شورای نگهبان آنها را چه کار کرد؟ شما توصیه کردید آنها پذیرفتند. بسیاری از آنها آمدند مجلس دیگر. یا مثلاً شورای نگهبان در ذهن خود من این بوده که آیا بهزاد نبوی صلاحیت دارد یا ندارد؛ اگر دارد باید تأیید بشود و اگر ندارد یک دوره تأییدش می‌کنند، یک دوره ردش می‌کنند. این نوع چیزها هم گاهی باعث می‌شود که آن اعتمادی که به شورای نگهبان باید می‌کردند خدشه بردارد.

نقد روش‌های شورای نگهبان یک بحث است ولی اینکه ما بگوییم که اعضای شورای نگهبان نشستند آنجا و اگر یک کاندیدایی غیر از آن کسی که اکثرشان به او تمایل دارند رأی آورد، این‌ها چشم‌هایشان را هم می‌گذارند و روی تقلب سازمان‌یافته دولت سکوت می‌کنند برای اینکه کاندیدای موردنظر خودشان وارد بشود، این به نظر من تهمت بزرگی است که ما به ۶ تا فقیه و ۶ تا حقوقدان می‌زنیم و می‌گوییم این شورای نگهبان فاسد است! بنده یک مثالی زدم برای بعضی‌ها، گفتم که در مجلس نتیجه رأی‌گیری توسط رئیس مجلس اعلام می‌شود؛ یعنی طبق آیین‌نامه مجلس باید رئیس مجلس اعلام بکند که یک رأی‌گیری به تصویب یک قانون منجر شد یا نشد. خوب در عین‌حال رئیس مجلس خودش هم رأی دارد؛ بعضی وقت‌ها هم رئیس مجلس اصلاً به عنوان موافق یا مخالف صحبت می‌کند و بعد رأی‌گیری هم می‌شود و نظر خلاف رئیس مجلس رأی می‌آورد. رئیس مجلس اعلام می‌کند که تصویب نشد و حال اینکه دوست داشته تصویب بشود یا تصویب شد، در حالی که دوست داشته تصویب نشود. خوب، حالا ما بیاییم بگوییم که نه اصلاً آن قول رئیس مجلس معتبر نیست، چرا؟ برای اینکه رئیس مجلس موضع داشته، رئیس مجلس گفته که من نظرم موافق یا مخالف است. مردم عاقل‌اند و این را از همدیگر تفکیک می‌کنند. می‌گویند رئیس مجلس به عنوان یک فرد نظر خودش را گفته ولی به عنوان یک مقام طبق قانون عمل کرده و واقعیت را گفته. ما نمی‌شود بگوییم که هر کسی در صورتی نظرش منصفانه است و صحیح است و بی‌غرض است که نظر نداشته باشد؛ یعنی اصلاً در رأی‌گیری شرکت نکند و تمایلی نداشته باشد؛ یعنی حق رأی نداشته باشد، تازه حق رأی هم نداشته باشد ممکن است نظر داشته باشد - ما که داخل ذهن آنها نیستیم. این چه حرفی است...

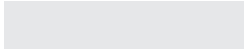
به هر حال ما می‌گوییم شورای نگهبان مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به شکایات نیست و حال اینکه این جزء قانون است. شما با همین قانون آمدی ثبت نام کردی، تا وسط راه را با همین قانون طی کردی و تا آن موقع هیچ این حرف‌ها را نمی‌زدی بعد از اینکه رأی‌نابوردی، این حرف‌ها را زدی. اگر واقعاً این مشکلات وجود داشته شما اصلاً نباید در انتخابات شرکت می‌کردی. وسط بازی که نمی‌شود قاعده بازی را به هم زد؛ شما اگر وارد یک بازی شدی باید طبق قانون آن بازی را تا آخر ادامه بدهی ولی وسط بازی که ببینی باختی یا داری می‌بازی، بیایی قانون بازی را بخواهی عوض کنی این دیگر نشدنی است و عقلای دنیا هم در هیچ‌جا چنین چیزی را نمی‌پذیرند.

به هر حال این داستان تقلب در نظام حرفی بود که اولاً سندیت نداشت و مثلاً آقای کروبی آمد گفت که انتخابات مضحکه بوده. خوب ما از آقای کروبی می‌پرسیم که آقای کروبی چرا مضحکه بوده؟ حالا شما واقعاً توقع داشتی که رأی بیاباری؟ این مناظره‌های شما جلوی چشم ملت واقع

شده بود شما بحث کارشناسی می‌کردید، هر مطلبی که از شما می‌پرسیدند می‌گفتید که کارشناسان مانده‌اند، باید از آنها بپرسید. آقای احمدی‌نژاد می‌گفت آقای کروبی شما می‌خواهید رئیس‌جمهور این مملکت بشوید، شما خودتان باید به عنوان یک کارشناس ارشد نظر داشته باشی. حالا بگو کارشناسان شما چه چیزی را جمع‌بندی کردند آن را بگو که بشود تجزیه و تحلیل کرد. مردم این‌ها را گوش می‌کردند؛ واقعاً اگر آقای کروبی در مناظره‌هایش شرکت نمی‌کرد بیشتر رأی می‌آورد. اگر آقای کروبی می‌گفت نه، من به یک دلیلی در مناظره نمی‌آیم شرکت بکنم؛ بعد هم مردمی که می‌خواستند به آقای احمدی‌نژاد رأی ندهند، فکر می‌کردند که بین آقای کروبی و آقای موسوی احتمال رأی آوردن کدام بیشتر است می‌رفتند سراغ او و رفتند؛ و از اول هم شما به هر کسی می‌گفتی آقای کروبی احتمالاً بیشتر رأی می‌آورد یا موسوی، همه می‌گفتند موسوی. نظر سنجی‌ها هم موسوی را از کروبی جلوتر نشان می‌داد. عقل هم همین را می‌گفت؛ بالاخره موسوی هشت سال نخست‌وزیر بوده، آن هم در زمان سختی‌های جنگ که با مسائل کارشناسی و عدد و رقم سرو کار دارد. یک مهندس است، یک دانشگاهی است و احتمال اینکه مردم به او رأی بدهند بیشتر است. در بین روشنفکرها و هنرمندها آدم شناخته‌شده‌ای بود. خوب توده مردم هم حساب کردند که رأی خودشان را حرام نکنند به یک کسی به آن طرف بدهند که بیشتر رأی می‌آورد این خیلی واضح است.

آقای کروبی! حالا شما می‌گویید که من واقعاً از قبل بیشتر رأی آوردم. دفعه قبل شرایط فرق می‌کرده، این دفعه شرایط یک چیز دیگری است. بعد شما بگویی مضحکه است... بعد هم آقای کروبی و آقای موسوی راه بیفتند توی خیابان‌ها و مردم را بکشاند توی خیابان‌ها و از همان روز شنبه شروع کنند شیشه‌های بانک‌ها را بشکنند سطل‌های زباله را آتش بزنند و اتوبوس‌ها را آتش بزنند و بالاخره روز مثلاً دوشنبه آن راه‌پیمایی عظیم را راه بیندازند و حمله کنند به پایگاه بسیج که یک عده‌ای بالاخره حمله کردند دیگر و بعد هم بسیجی‌ها مقاومت بکنند یک عده‌ای کشته بشوند، یک عده از بسیجی‌ها کشته بشوند، یک عده از مردم کشته بشوند و این ماجرا به خون کشیده شود. این اتفاقات همه نتیجه آن ادعاست که توی انتخابات تقلب شده و به نظر من از دو حال خارج نیست: یا تقلب شده یا نشده؛ اگر تقلب شده تک تک ماها وظیفه داریم در دفاع از این نظام برویم و آن محل تقلب و شیوه تقلب را بشناسیم و اعلام کنیم و از شورای نگهبان بخواهیم که انتخابات را ابطال کند به دلیل تقلب، تا سلامت نظام حفظ شود و حقوق مردم محفوظ بماند. اگر تقلب نشده تمام کسانی که بدون سند و بدون دلیل چنین تهمتی به این نظام زدند، باید پاسخگو باشند که چرا قبل از اینکه این مطالب رسیدگی بشود و سندیت آن ثابت بشود، مردم را کشانند توی خیابان‌ها و باعث آن اتفاق‌ها شدند این مطلب دیگر شق ثالث ندارد. بنده احساس مسئولیت کردم. اینجا می‌رمم به آن بحث آخر که نقش خودم در انتخابات چه بود...، تا اینجا هرچه من گفتم حرف‌هایی است که هر فرد دیگر هم می‌توانسته بگوید؛ هر کس ناظر بوده در ایران می‌توانسته بگوید.

آنچه خودم احساس کردم، همین بود که اولاً سعی کنم که آرامش ایجاد بشود. من سه تا اقدام مشخص کردم در این انتخابات: هم مثل روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد رفته در میدان فلسطین، در جمع طرفداران آقای احمدی‌نژاد سخنرانی کردم و این خلاف انتظار خیلی‌ها بود؛ خیلی‌ها کینه بنده را به دل گرفتند و انتقاد و بدگویی می‌کنند که تو چرا رفتی سخنرانی کردی. این بعد از آن بود که آقای احمدی‌نژاد روز یکشنبه رفته بود سخنرانی کرده بود و خوب بعضی‌ها هم انتقاد داشتند به بعضی بخش‌های صحبت ایشان. بنده دعوت‌کننده نبودم برای روز سه‌شنبه؛ جمعیت هم از دو طرف دعوت شده بودند؛ یعنی جمعیتی که روز دوشنبه از میدان انقلاب به سمت آزادی رفته بودند قرار گذاشته بودند که فردا بیایند میدان ولی‌عصر؛ از این طرف هم طرفداران آقای احمدی‌نژاد که روز یکشنبه آمده بودند پای سخنرانی ایشان دعوت شده بودند که بیایند میدان ولی‌عصر. این‌ها خارج از اختیار ما بود، ما هم فقط اخبارش را شنیدیم؛ منتها تقریباً یک ساعت مانده به سخنرانی من،



این اتفاقات همه نتیجه آن ادعاست که توی انتخابات تقلب شده و به نظر من از دو حال خارج نیست: یا تقلب شده یا نشده؛ اگر تقلب شده تک تک ماها وظیفه داریم در دفاع از این نظام برویم و آن محل تقلب و شیوه تقلب را بشناسیم و اعلام کنیم و از شورای نگهبان بخواهیم که انتخابات را ابطال کند به دلیل تقلب، تا سلامت نظام حفظ شود و حقوق مردم محفوظ بماند. اگر تقلب نشده تمام کسانی که بدون سند و بدون دلیل چنین تهمتی به این نظام زدند، باید پاسخگو باشند که چرا قبل از اینکه این مطالب رسیدگی بشود و سندیت آن ثابت بشود، مردم را کشانند توی خیابان‌ها و باعث آن اتفاق‌ها شدند این مطلب دیگر شق ثالث ندارد

روایت امروز

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

به من اطلاع دادند که آن کسی که قرار بوده بیاید سخنرانی، او نرسیده و هم دسترسی به او ممکن نیست؛ تو بیا صحبت کن.

چه کسی قرار بوده بیاید سخنرانی کند؟

یک کس دیگری را دعوت کرده بودند؛ البته آقای صدیقی هم قبل از من صحبت کرده بود؛ منتها آقای صدیقی بیشتر اخلاقی است و معنوی و عرفانی صحبت می‌کند. بنده احساس تکلیف کردم و دیدم که این جمعیت آمده‌اند توی میدان و جامعه ملت‌هت است، رفتن و یک سخنرانی کردم در جهت فرو نشانیدن التهاب. سخنرانی من هست، در صدا و سیما هست، من تعریف کردم از آقای مهندس موسوی و طرفداران آقای مهندس موسوی را هم محترم شمردم، جزء این ملت شمردم و یک

استدلال‌هایی هم کردم برای اینکه واقعاً این التهاب فرو بنشیند. گفتم در خیلی از حوزه‌های تهران مردم رأی بالایی به آقای مهندس موسوی دادند، منتها نباید ما اگر دیدیم در یک حوزه‌های مثلاً ۹۰ درصد مردم به آقای مهندس موسوی رأی دادند، فکر کنیم که در تمام کشور ۹۰ درصد به آقای مهندس موسوی رأی دادند... برای اینکه ایران فقط تهران نیست ولی در تهران شورای نگهبان اعلام کرده، وزارت کشور اعلام کرده که آقای احمدی‌نژاد یک میلیون و ۸۰۰ هزار رأی آورده مهندس موسوی دو میلیون و صد هزار رأی آورده؛ پس این حکایت از این می‌کند که شورای نگهبان واقعیت را بیان کرده. در شمال تهران یک عده بیشتر به آقای مهندس موسوی رأی دادند، در جنوب تهران به آقای احمدی‌نژاد و در مجموع هم در تهران آقای مهندس موسوی پیش است ولی در کرمان، آذربایجان و جاهای دیگر مردم جور دیگری رأی دادند.

این یک حرف طبیعی بود؛ بعد هم بنده تمام صحبت‌ها در جهت تخفیف تشنج و درگیری و رعایت حقوق و حرمت‌ها بود. بعد از آن سخنرانی، چهارشنبه شب صدا و سیما از من دعوت کرد که بروم در گفت و گوی ویژه آنجا، برای اول بار بود که یک کسی در گفت و گوی ویژه یک مقداری از همین صحبت‌هایی که من همین حالا کردم و ضبط شده، بیان کرد که خود بنده بودم و این صحبت یک مقداری جامعه را عوض کرد؛ یعنی مردمی که تا حدی گیج شده بودند و بیشتر حواسشان متوجه اخبار خرابی‌ها و آتش سوزی‌ها و تظاهرات و هیجانات و التهابات بود، با یک مقداری بحث و سؤال روبرو شدند. یعنی بنده با آن مصاحبه ذهن‌ها را از درگیری‌های خیابانی معطوف کردم به یک جنبه‌های نرم‌افزاری و فکری و حقوقی و سیاسی؛ و در واقع صحنه را عوض کردم و تأثیرش را هم دیدیم. دیگر از فردای آن روز برخوردی‌هایی که با خود من می‌شد موافق، مخالف، توده مردم، من توجه داشتم که حالا نمی‌خواهم راجع به آن صحبت کنم. به هر حال، آن صحبت هم در جای خودش محفوظ است و در آن صحبت هم بنده هیچ‌جور بی‌حرمتی و بی‌احترامی نسبت به هیچ‌یک از این آقایان کاندیداها نکردم؛ خصوصاً نسبت به آقای مهندس موسوی که گفتم ما با هم رفیق هستیم، آشنا هستیم، همکاریم، هر دو نفرمان رئیس فرهنگستان هستیم (ایشان رئیس فرهنگستان هنر است و من رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستم) ما با هم کار مشترک می‌کنیم و به هر حال من هم به آقای موسوی رأی ندادم، به آقای احمدی‌نژاد رأی دادم. به آقای احمدی‌نژاد هم انتقاد دارم منتقد ایشان هستم و عاشق سینه‌چاک متعصبی نیستم نسبت به ایشان؛ اختلاف هم داریم ولی همه این حرف‌ها به کنار، ما مقداری مسائل منطقی حقوقی داریم و باید این‌ها جواب داده بشود. این حرف‌ها را زدم.

چند روز که گذشت، البته به نظر من در این حوادث بعد از انتخابات یک نقطه عطف مهم نماز جمعه ۲۹ خرداد رهبری بود؛ یعنی آن نماز جمعه به نظر من یک فصل الخطاب عملی و اصلاً سرنوشت‌درگیری‌ها چه در خیابان، چه در اذهان و چه در سطح بین‌المللی، بعد از نماز جمعه رهبری عوض شد. چه‌طور عوض شد؟ یکی اینکه آن جمعیتی که آمد روز جمعه ۲۹ خرداد در این ۳۰ سال در نماز جمعه سابقه نداشت. بنده از روز اولی که نماز جمعه برپا شده در



دادند. مردم اگر بدانند کاندیدایشان رأی نمی‌آورد که نمی‌آیند توی خیابان آتش‌سوزی و تخریب ایجاد کنند، اسلحه دست بگیرند به پایگاه بسیج حمله کنند. مردم که اهل این حرف‌ها نیستند. یک جماعتی آمده بودند توی خیابان.

این جماعتی که آمدند نماز جمعه، به دنیا نشان دادند که انقلاب اسلامی همان انقلاب اسلامی‌ای است که همیشه بوده، مدافعینش بیشتر هستند که کمتر نشدند و حاضرند... منتها نظم را رعایت می‌کنند. تا روزی که نظام و رهبری به این‌ها دستور اقدام نداده این‌ها عادی می‌آیند عادی

می‌گردند، خون از دماغ کسی هم نمی‌آید؛ مثلاً چند میلیون آدم آن روز در تهران کسانی که دیده بودند، به من گفتند که جمعیت از زیر پل حافظ هم گذشته بوده است. توی خیابان حافظ این معنی دارد برای کسانی که جمعیت نماز جمعه را رصد می‌کنند. همیشه این جمعیت پیغام داد به دنیا و به ضد انقلاب داخلی هم پیغام داد که شما فکر نکنید با این آمدن توی خیابان و این‌ها داستان زمان شاه تکرار می‌شود؛ آن موقع زمان شاه می‌گفتند که شاه خیلی متوحش بوده از این تظاهرات تاسوعا و عاشورا و راه‌پیمایی‌های توی خیابان. یکی از رجال به او گفته بوده که قربان شما هم بفرمایید موافق‌های شما، طرفداران سلطنت بیایند توی خیابان‌ها و آنها هم تظاهرات بکنند. شاه گفته بوده که بله، تظاهرات‌کنندگان طرفدار من هم توی خیابان هستند منتها توی خیابان شانزله‌بیزه هستند به جای اینکه توی خیابان‌های تهران باشند! راست هم گفته بود، همه فرار کرده بودند، آن‌ها که باید بایستند کسی نمی‌ایستاد. اما اینجا طرفداران انقلاب در خیابان بودند و از فرمایش هم آمدند. رهبری آنجا هم همه این آقایان را معزز و محترم معرفی کرد و احترام آنها را حفظ کرد و بعد هم فرمود که من خواهش می‌کنم اردوکشی خیابانی را متوقف بکنید. رهبری فرمود من اعلام می‌کنم جمهوری اسلامی‌ا اهل خیانت در آرای مردم نیست.

رهبری روز سه‌شنبه همان هفته هم ظاهراً دعوت کرده بودند از نمایندگان هر چهار کاندیدا... گفته بودند دوربین‌های تلویزیونی را هم ببرید و هر کسی هر چه در دلش هست بگوید؛ واقعاً بگوید. اگر تقلب شده دلیلی مدرکی سندی بدهید. گفته بودند من به شورای نگهبان می‌گویم رسیدگی بکند رهبری تمام تلاش‌شان را کردند که این اعتراضات را مستدل کنند و از مجاری قانونی به جریان بیندازند و اعلام کردند که من اهل این نیستم که به تقلب صحنه بگذارم و واقعاً هم هر کسی که آقای خامنه‌ای را بشناسد می‌داند که ایشان یک عمری در راه‌حق طلبی مبارزه کرده و کسی نیست که بداند که مثلاً دولت یا وزارت کشور رفته صندوق‌های دو لایه درست کرده؛ از این حرف‌هایی که می‌زنند که توپش را پر از آرا کرده‌اند. آخر ۱۱ میلیون رأی را تقلب بکنند سازمان یافته که هیچ کس متوجه نشود الا آقای موسوی که توی تهران نشسته و بعد یک چنین اتفاقی بیفتد و رهبری هم خبر داشته باشند و وزارت اطلاعات هم مثلاً گزارش بکند ولی رهبری چون از آقای احمدی‌نژاد خوشش می‌آید - به فرض - و از آقای موسوی خوشش نیاید، بیاید به چنین کار خلافی صحنه بگذارد. واقعاً تصور آقای موسوی یا آقای کربوبی از شخصیت رهبری یک چنین تصویری است. ملت چنین تصویری را ندارد. رهبری اعلام کردند که آقا دیگر نیاید توی خیابان.

خوب انتظار همه مردم در داخل و خارج کشور، آن‌هایی که با جنس ولایت فقیه و نظام اسلامی آشنا بودند، این بود که وقتی رهبری یک چنین پیغامی می‌دهد، کسانی که مردم را در آن یک هفته دعوت کرده بودند به حضور در خیابان‌ها تمکین کنند و بگویند چون که رهبری چنین مطلبی گفته، ما اطاعت می‌کنیم ولی مدارکمان را می‌دهیم. آقایان اصرار کردند که بیایند توی خیابان‌ها. این یعنی چه؟ یعنی شکستن حرمت سخن بالاترین مقام این کشور که در این ۳۰ سال همیشه حرف او چه امام چه رهبری تمام‌کننده

رهبری روز سه‌شنبه همان هفته هم ظاهراً دعوت کرده بودند از نمایندگان هر چهار کاندیدا... گفته بودند دوربین‌های تلویزیونی را هم ببرید و هر کسی هر چه در دلش هست بگوید؛ واقعاً بگوید. اگر تقلب شده دلیلی مدرکی سندی بدهید. گفته بودند من به شورای نگهبان می‌گویم رسیدگی بکند رهبری تمام تلاش‌شان را کردند که این اعتراضات را مستدل کنند و از مجاری قانونی به جریان بیندازند و اعلام کردند که من اهل این نیستم که به تقلب صحنه بگذارم و واقعاً هم هر کسی که آقای خامنه‌ای را بشناسد می‌داند که ایشان یک عمری در راه‌حق طلبی مبارزه کرده و کسی نیست که بداند که مثلاً دولت یا وزارت کشور رفته صندوق‌های دو لایه درست کرده!

روایت امروز

جمهوری اسلامی‌ا در نماز جمعه شرکت داشتیم، نمی‌گویم همیشه بودم ولی شاید در بین مسئولین اگر یک وقت آمار بگیرند من جزء آن رده‌های بالا باشم که اهتمام و مراقبت داشتیم به اینکه نماز جمعه من ترک نشود؛ منتها بیشتر توی مردم هستم. بنده یاد ندارم چنین نماز جمعه‌ای تشکیل شده باشد. در این ۳۰ سال در تهران این مردمی آمدند با این نظم و ترتیب پشت سر رهبری نماز خواندند، با آن احساسات و با آن اخلاص. این مردم یک پیام به دنیا دادند، یک پیام هم به این‌هایی که راه افتاده بودند توی خیابان‌ها و شعارهای هنجار شکنانه می‌دادند و بی‌احترامی می‌کردند و حرف‌های ضد انقلابی می‌زدند؛ بعضاً پیامشان به دنیا این بود که آقا در ایران چیزی فرق نکرده، شما فکر نکنید که مثل زمان شاه که یک عده ریختند توی خیابان حکومت ساقط شد، حالا هم یک عده آمدند توی خیابان تا نظام جمهوری اسلامی ساقط می‌شود. فرقی این است که زمان شاه اگر ماها می‌آمدیم توی خیابان، کسی از آن طرف دیگر توی خیابان نمی‌آمد؛ اما الان مردم گفتند ببینید ما حاضریم اگر یک روزی همین رهبری یا مسئولین به ما بگویند که شما هم بریزید توی خیابان و مقابله بکنید با این تظاهرات کنندگان مخالف؛ آن وقت شما خواهید دید که جمعیت ما چند برابر است! این را مردم خیلی به وضوح نشان دادند؛ چون آن دو میلیون و صد هزار نفری که به آقای موسوی در تهران رأی داده بودند که همه نیامدند در خیابان. آن‌ها خیلی‌هایشان با این کارها مخالف بودند، الان هم مخالف هستند؛ اصلاً رأی نداده بودند که فردای بعد از پیروزی بیایند بانک آتش بزنند، اتوبوس آتش بزنند.

آن‌ها که اهل این حرف‌ها نبودند، یک عده مردم محترمی بودند که احمدی‌نژاد را نپسندیده بودند و به موسوی رأی داده بودند. همیشه در هر انتخاباتی بوده دفعه قبل یک عده آقای معین را نپسندیدند یا آقای کربوبی یا آقای هاشمی‌را. همان‌ها به آقای احمدی‌نژاد رأی

بوده‌اند... اما حالا ما با یک پدیده‌ای روبه‌رو شده بودیم که می‌خواست این در واقع ارزش را این فداست را این فصل الخطاب را هم از نظام ما بگیرد. سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و کاملاً روشن بود که این مخالفت در جهت همان برنامه‌هایی است که در آن یک هفته بوده، منتها در آن یک هفته نظام برخوردی نکرد و این‌ها آمدند در سطح خیابان‌ها و برخوردی صورت نگرفت... ولی روزی که برخلاف حرف منطقی رهبری که دعوت به تمکین به قانون می‌کرد، آقایان اصرار کردند به آمدن توی خیابان، راه دیگری نماند جز اینکه جلویشان گرفته شود. از اینجا به بعد یک شکل دیگری شد منتها اتفاق مهمی که افتاده این است که بعد از اینکه این تخلفات قانونی صورت گرفت؛ یعنی راه‌پیمایی‌های غیرقانونی صورت گرفت، درگیری و زد و خورد، دستگیری، زندان و کشته شدن یک عده‌ای حدود ۴۰ نفر، بعد دیگر اصل تقلب و ادعای تقلب را آقایان گذاشتند کنار و مسئله اصلی این شد که چرا یک عده کشته شدند، چرا یک عده دستگیر شدند، چرا یک عده را بردند در کهریزک که آنجا بدرفتاری شده و... ما می‌گوییم این‌ها بد است؛ ما دل‌مان نمی‌خواست که از بینی یک نفر خون بیاید، ما هم نسبت به آن جوان‌هایی که کشته شدند، چه توی زندان از بین رفتند، چه توی خیابان کشته شدند، احساس همدردی می‌کنیم. چه دلیل دارد که مثل بنده‌ای خوشحال بشود از اینکه یک جوانی مثلاً کشته بشود، مادرش عزادار بشود، خانواده‌اش عزادار بشوند. ما همه یک خانواده هستیم؛ تمام وجود ما خدمت به این مردم است.

ما چیزی نمی‌خواهیم از این انقلاب، چرا باید خوشحال باشیم، چرا ناراحت نباید بشویم، ما ناراحتیم، قطعاً هم ناراحتیم ولی در واقع می‌گوییم آقا مسئله‌ای که شما مردم را توی خیابان کشانید چه بود؟ شما بودید که مردم را توی خیابان‌ها کشانید. آن اگر ثابت نشود و معلوم نشود که شما حق داشتید که مردم را بکشانید توی خیابان، شما مسئول هستید در برابر این اتفاق‌هایی که بعدش افتاده است. حرف ما این است: مسئله اصلی این نبوده، بنده نمی‌گویم کشته شدن سه دانشجو در کهریزک مهم نیست که یک روزنامه‌ای بردارد این را تیتیر بکند و یک تعدادی دانشجو هم تحریک بشوند علیه بنده و بگویند مثلاً فلانی حمایت کرده از بدرفتاری با مردم. من حرفم این نیست. من می‌گویم مسئله اصلی این نبود مسئله اصلی این بود که شما مدعی شده بودید که توی انتخابات تقلب شده، باید بیایید و این را ثابت کنید. حالا ما چه کار کردیم؟ شورای نگهبان می‌خواست طبق وظیفه قانونی خودش طبق نص قانون در پایان ۱۰ روز اعلام کند که نتایج انتخابات مورد تأیید است آقایان هم دائم اعلام می‌کردند، تلویزیون‌های خارجی، ماهواره‌ها، سایت‌ها... که تقلب شده است. بنده به نظر رسید که حالا عجله نشود در اعلام نتایج بهتر است که باز همین را هم نگویند که شورای نگهبان بدون اعتنا به این اعتراضات منتظر بود که ده روز بشود و کار را تمام کند. این بود که اقداماتی کردیم که حالا جزئیاتش را نمی‌خواهم عرض بکنم...

در این روند جزئیات مهم است. به هر حال شما دارید سریع رد می‌شوید منتها من سؤال می‌کنم، چون سؤال زیاد دارم آقای دکتر؟

بله، ببینید ما دنبال کردیم که به یک شکلی این مهلت ایجاد بشود. نقش پشت صحنه بنده در این مقطع این بود که من سرریعاً پی‌گیری کردم تا اینکه این ده روز بشود ۱۵ روز این امر در واقع مشخصاً کار بنده بود و خدا را هم شکر می‌کنم که این کار به نتیجه رسید؛ کما اینکه در انتخابات دور قبل هم آن موافقت با صلاحیت با آقای معین و آقای مهرعلی‌زاده با نامه بنده بود در زمان ریاست مجلس هفتم. این نوبت را هم بنده دنبال کردم و این اتفاق افتاد. شورای نگهبان که پنج روز اضافه شد به مهلتش آمد گفت که یک هیئتی تشکیل بشود که این هیئت مورد قبول مردم باشد؛ حالا هم وقتی می‌گویید مورد قبول مردم، هیچ کس در ایران نیست که مورد قبول همه باشد؛ در هیچ کشوری هیچ کس نیست که مورد قبول همه باشد. تشخیص شورای نگهبان این بود که بعضی‌ها هستند که مردم قبول دارند که این‌ها به مردم دروغ نمی‌گویند یکی‌اش آقای ابوترابی بود، نایب‌رئیس مجلس، یکی آقای ولایتی بود، یکی بنده.

ما را دعوت کردند؛ آقای افتخارچهرمی بود، آقای رحیمیان بود، یکی هم آقای دزّی نجف‌آبادی این ۶ نفر، توی این جمع، آقای دزّی از شخصیت‌های روحانی علاقه‌مند به آقای هاشمی‌رفسنجانی است و این را همه می‌دانند، آقای دزّی هم انکار نمی‌کند. آقای افتخارچهرمی هم یک حقوقدان است که سابقه عضویت طولانی در شورای نگهبان داشته و مورد اعتماد جریان چپ بوده در ایران، آقای رحیمیان هم یک روحانی است که سابقه عضویت و حتی بنیانگذاری مجمع روحانیون مبارز را داشته و از نیروهایی بوده که هیچ وقت در دست و بال جناح راست نبوده و مورد اعتماد بیت امام و در واقع خود امام بوده است. این سه نفر، آقای ابوترابی برادر آقای سیدعلی‌اکبر ترابی آن شخصیت والای مبارز بوده که کارنامه‌اش روشن است، آقای ولایتی هم که شخصیت دانشگاهی است که گرچه موضع سیاسی دارد ولی بالاخره یک شخصیت اخلاقی محترمی است، بنده شرمند هم گیرم از همه بدتر و من هم کسی بودم که آمدم در تلویزیون و چهارتا سؤال از آقای مهندس موسوی کردم. حالا این هیئت که دیگر به این دلیل صلاحیتش نباید مخدوش باشد که یک عده‌ای می‌گفتند این چه هیئتی است که حدّاعادل هم در آن عضویت دارد؟! خوب، من می‌گفتم که آقا مگر من چه گفتم؟ من گفتم به احمدی‌نژاد رأی دادم. هر کس دیگر هم که انتخاب بکنید بالاخره یا به احمدی‌نژاد رأی داده یا به موسوی یا به رضایی یا به کروی... پس نباید عضو باشد دیگر! بالاخره به یکی رأی داده است. مگر من در مصاحبه تلویزیونی چه گفتم؟ اهانتی کردم؟ حکمی کردم؟ من سؤالاتی کردم، شماها باید جواب بدهید؛ منتها من جرئت کردم، زودتر از همه آمدم میدان؛ و این پرده هیاهویی که شما بافته بودید، این را دریدم و فضا را عوض کردم. حالا شما می‌آیید می‌گویید این هیئت صلاحیت ندارد. بنده هم تازه وقتی هیئت تشکیل شد، دیگر پیش‌شاهنگ و پیش قدم نبودم. آقای ابوترابی راه افتاد رفت پیش آقای کروی و از ایشان خواهش کرد که آقا شما افرادی را از مجلس از جای دیگر معرفی بکنید که مورد اعتماد شما باشند، بیایند کنار دست ما بنشینند. دلایلی هم که دارید، اسناد و مدارکی که دارید، بدهید ما با حضور آن نماینده شما راه تحقیق در این‌ها را پیدا کنیم؛ اصلاً با حضور نماینده شما. آقای کروی اولش موافقت کرد. شما این داستان را از آقای ابوترابی هم اگر پرسید جزئیاتی را که خیلی مفید خواهد بود بیان می‌کند. آقای ابوترابی در یک مصاحبه تلویزیونی گفت و گوی ویژه شبکه دو مقداری از ماجراها را توضیح داد. بیانی‌های هم که این هیئت صادر کرد در آن هم مطالبی گفته شده است. بالاخره آقای کروی اوایل موافقت کرد، حتی آقای ابوترابی به من گفتند که من از آقای کروی پرسیدم شما نماینده معرفی می‌کنی، گفتند بله، من گفتم اگر آقای موسوی هم معرفی نکند شما معرفی می‌کنی... گفت بله، او هم نکند من می‌کنم. بعد ایشان رفتند سراغ مهندس موسوی، آقای مهندس موسوی مخالفتی نمی‌کردند اوایل ولی موافقتی هم نمی‌کردند. ایشان همیشه موضوع را موکول می‌کردند به این که مشاوران من باید نظر بدهند. مشاوران ایشان چه کسانی بودند؟ آقای محتشمی و آقای موسوی‌لاری. بعد غیراز آقای ابوترابی که چندین نوبت با آقای موسوی تماس گرفتند تا دیر وقت شب در منزلشان در آن پنج شش روز واقعاً آقای ابوترابی و یک عده‌ای مرتباً با آقای موسوی و آقای کروی تماس می‌گرفتند. تلاششان این بود که آقای موسوی و آقای کروی نماینده معرفی بکنند و دلایلشان را بگویند و بگویند به این دلیل ما معتقدیم تقلب شده. من شهادت می‌دهم و خدا را گواه می‌گیرم که به این تصمیم رسیده بودم که اگر رنتم و نمایندگان آقای موسوی و آقای کروی آمدند ادعاها را مطرح کردند، ما رفتیم رسیدگی منطقی کردیم و دیدیم یک تقلب سازمان یافته در این کشور در انتخابات صورت گرفته، ما به این ظلم صحّه نگذاریم و بیاییم اعلام کنیم که مردم ما رفتیم دیدیم و تقلب شده بود. واقعاً من فکر می‌کردم بین خودم و خدا مسئولم. حالا آقای موسوی رئیس‌جمهور می‌شد، مگر آقای خاتمی رئیس‌جمهور نشد؛ ما با او اختلاف نظر سیاسی داشتیم. خوب هشت سال هم ایستادیم و مملکت را هم به هم نریختیم. حالا آقای موسوی هم رئیس‌جمهور می‌شد یا

مثلاً آقای احمدی‌نژاد که حالا رئیس‌جمهور شده، به ما چه داده که آقای موسوی نمی‌داد؟! واقعاً فرض کنید اصلاً همه این‌ها هم نبود، یک ظلمی شده بود، یک دروغی گفته شده بود، ما وظیفه داشتیم. خلاصه کنم که ما در این پنج شش روز، تمام نیروی خودمان را بسیج کردیم که اولاً بفهمیم این آقایان حرف مستند مستدلی دارند که تقلب سازمان یافته برای ۱۱ میلیون رأی در ایران صورت گرفته یا نه؛ و بعد هم تمام تلاش خودمان را به کار بستیم که این آقایان نمایندگان معرفی بکنند که اگر تحقیقی در مورد ادعاهای آنها قرار است صورت بگیرد، با حضور نماینده‌شان باشد. آقای آقامحمدی رفت با آقای مهندس موسوی صحبت کرد. شما با آقای آقامحمدی صحبت بکنید؛ چون من دیگر نرفتم با آقای مهندس موسوی صحبت بکنم.

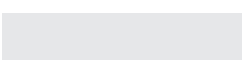
علی‌القاعده شما باید می‌رفتید... چون هم‌دانشگاهی بودید، هم‌رفیق بودید...

نه، منتها چون به شدت از من ناراحت بودند، هنوز هم هستند، بنده گفتم من بروم می‌گویند تو که برخلاف اسمت عادل نیستی رفتی توی تلویزیون با مهندس موسوی مخالفت کردی پس تو اصلاً نباید عضو این هیئت می‌بودی می‌گفتند بعضی از این آقایان هنوز هم می‌گویند بنده برای اینکه به اصطلاح نماینده این گروه نباشم، پیش قدم نشدم. آقای ابوترابی رفتند که به سلامت نفس و بی‌طرفی‌شان همه معترف هستند؛ من هم بی‌طرف بودم ولی اگر کسی حرف حقی زد که دل بر این نیست که بی‌طرف نیست ولی دیگران این‌جوری فکر می‌کردند، ما قصد نداشتیم تحریک بکنیم. آقای ابوترابی رفت و دیگران و دیگران.

من گواهی می‌دهم که آقای جنتی در آن چند روز که ما در شورای نگهبان بودیم، هرچه این آقایان گفتند آقای جنتی گفتند که هیچ اشکال ندارد، بیایند بررسی کنند. مثلاً می‌گفتند آقا در یک حوزه‌ای جمعیت رأی دهنده خیلی بیشتر از آمار وزارت کشور بوده، پس لابد اسامی را جعل کردند؛ یک عده آدمی که وجود خارجی ندارند این‌ها نوشتند به نام آنها رأی صادر شده است. آقایان ادعا کردند ما با آقای مهندس آیت‌اللهی رئیس سازمان ثبت‌احوال کشور صحبت کردیم، ایشان گفت ما حاضریم کامپیوتر بیاوریم پای صندوق رأی هر اسمی که توی ته برگه نوشته شده آنجا موجود است شما بدهید به کامپیوتر، ما از آن حافظه جمعیتی وزارت کشور سؤال می‌کنیم ببینیم این آدم وجود خارجی دارد یا ندارد. ما حاضریم که بگویند مثلاً این‌ها که آمدند اینجا وجود خارجی ندارند! ما حاضریم این کارها را بررسی بکنیم. ما اعلام کردیم که بفرمایید. آن چیزی که مهم است و من باید صریح اعلام کنم، این است که این آقایان تا آن آخرین لحظه حاضر نشدند نماینده معرفی کنند.

هیچ‌کدامشان؟

هیچ‌کدامشان. آقای رضایی البته شکایتش را پس گرفت و به مسیر دیگری رفت ولی آقای موسوی و آقای کروی حاضر نشدند. در حالی که این منصفانه‌ترین تقاضایی بود که می‌شد کرد که آقا تشریف بیاورید و نماینده‌تان باشد، رسیدگی کنید. اگر آنها نماینده‌شان نمی‌آمد که دیگر رسیدگی معنایی نداشت. خوب می‌گفتند خودشان برپندند و خودشان دوختند؛ با وصف این شورای نگهبان آمد ۱۰ درصد صندوق‌ها را هم در سراسر کشور طبق یک قاعده آماری باز کرد و همان هیئت نظارت و هیئت اجرایی را دعوت کرد؛ البته نمایندگان آقایان مهندس موسوی و کروی نوعاً شرکت نکردند؛ یک چند جایی شرکت کردند و دیگر شرکت نکردند. می‌خواستند که این ادعایی که کردند، به محک آزمایش زده نشود تا از این پس چماقی به دست گیرند تحت عنوان تقلب! همیشه توی دستشان بماند و در برابر خارجی و یک عده ضد انقلاب داخلی این ادعا را همیشه داشته باشند که در انتخابات تقلب شده و نخواستند در واقع این ادعا را به محک بزنند. ما بین خودمان و خدا قصدمان این بود که ببینیم تقلب شده یا نشده... اگر نشد، از نظام دفاع کنیم و اگر شده از کاندیدا دفاع بکنیم که آن هم باز دفاع از نظام بود ولی آقایان چنین مجالی را ایجاد نکردند. شورای نگهبان هم کاری غیر از این نمی‌توانست بکند. اعلام کرد و داستان تمام شد و بعد هم دیگر تنفیذ پیش آمد و الی آخر. البته خیلی مطالب توی این بحث‌ها هست که ناگفته مانده اما کلیاتش همین است که ما گفتیم.



آقای رضایی البته شکایتش را پس گرفت و به مسیر دیگری رفت ولی آقای موسوی و آقای کروی حاضر نشدند. در حالی که این منصفانه‌ترین تقاضایی بود که می‌شد کرد که آقا تشریف بیاورید و نماینده‌تان باشد، رسیدگی کنید. اگر آنها نماینده‌شان نمی‌آمد که دیگر رسیدگی معنایی نداشت. خوب می‌گفتند خودشان برپندند و خودشان دوختند؛ با وصف این شورای نگهبان آمد ۱۰ درصد صندوق‌ها را هم در سراسر کشور طبق یک قاعده آماری باز کرد و همان هیئت نظارت و هیئت اجرایی را دعوت کرد؛ البته نمایندگان آقایان مهندس موسوی و کروی نوعاً شرکت نکردند؛ یک چند جایی شرکت کردند و دیگر شرکت نکردند.

روایت امروز

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

بازخوانی تحریم‌های غرب علیه ایران پس از فتنه ۸۸

تغییر الگوی آمریکا در پرونده هسته‌ای علیه ایران که بخش مهمی از آن حاصل میزان مشارکت مردم در انتخابات و میزان مقبولیت مسئول پرونده هسته‌ای بود، پس از وقوع فتنه مخدوش شد. حمایت ایالات متحده و تروئیکای اروپایی از عوامل فتنه که اوج آن با «الهام‌بخش دانستن موسوی» توسط اوباما علنی شد، نشان داد آمریکا و متحدانش در ۵+۱ فتنه راه‌یافتی برای بازگشت به شرایط گذشته یافته‌اند.

شد و سپس به امضای بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا رسید. این قانون برای شرکت‌های غیرآمریکایی که در بخش انرژی ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال سرمایه‌گذاری کنند، مجازات‌هایی را مشخص کرده است. این رویکرد آمریکا درباره محروم کردن شرکت‌های خارجی که در بخش نفت و انرژی ایران فعالیت می‌کردند، بنیان و شالوده تحریم‌هایی را پی‌ریزی کرد که به عنوان تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران معروف شد. تحریم‌هایی که باعث اعتراضات بسیاری از شرکت‌ها و کشورهای دنیا شد. اما واقعیت این بود که تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که به منظور گسترش تحریم‌ها به بخش نفت و انرژی ایران آغاز شده بود به دلیل مقاومت کشورهای اروپایی و بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی در مقابل خواست‌های آمریکا راه به جایی نبرد. لذا شکست تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در اوج قدرت این کشور در حدود سال‌های ۱۹۹۰، این کشور را وادار به قاعده‌سازی و مشروعیت‌تراشی برای تحریم‌های خود کرد.

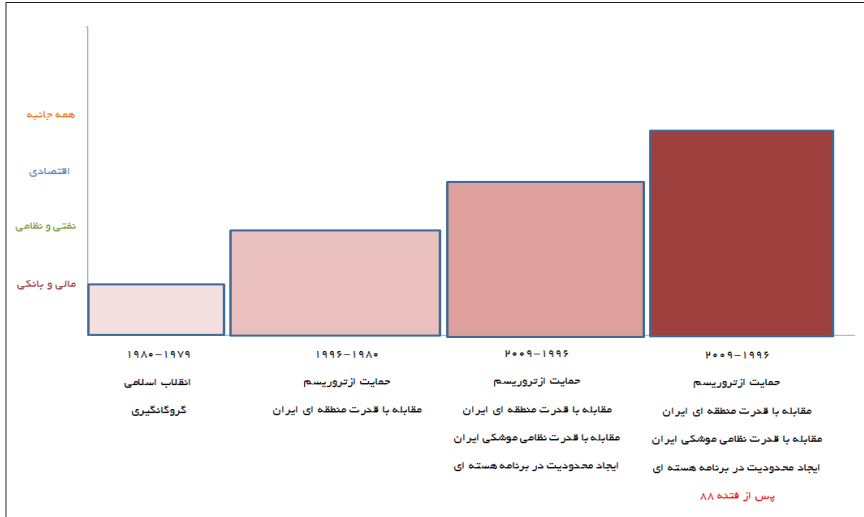
بهبود اهداف ادامه تحریم‌های آمریکا

در حالی که تحریم‌های آمریکا علیه ایران طی سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی با هدف فشار آوردن بر ایران برای رها کردن تروریسم و حمایت از تروریسم و همچنین محدود ساختن قدرت استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه طرح‌ریزی شده بود، از سال ۱۹۹۶ به تدریج به سوی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کشیده شد و از اواسط سال ۲۰۰۰ میلادی، تحریم‌های آمریکا بر روی برنامه هسته‌ای ایران متمرکز شد. هدف از این تمرکز، محدود کردن ظرفیت غنی‌سازی ایران و اجبار ایران به ترک ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای بوده است. این تحریم‌ها پس از حوادث انتخابات سال ۸۸ و بروز فتنه به اوج خود رسید و از تحریم‌های هسته‌ای به تحریم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی تسری پیدا کرد. تحریم‌ها علیه ایران به تدریج و طی سه دهه گذشته ابعادی بسیار گسترده و پیچیده به خود گرفته و در واقع بازتابی از رویکرد ستیزه‌جویانه و تقابلی‌گرایانه آمریکا و غرب با حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است. لذا تحریم‌های آمریکا علیه ایران یکی از محورهای اصلی سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی بوده، طوری که اهداف تحریم‌های آمریکا علیه ایران به مرور زمان تحول یافته است. مسئله‌ای که می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران تعبیر کرد.

قطعنامه‌های شورای امنیت دستاویزی برای مشروعیت

تحریم‌های ایالات متحده

قطعنامه‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران ضمن آنکه مجموعه تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند، چارچوب قانونی جدیدی را در اختیار آمریکا قرار داد تا ضمن مشروعیت بخشی به اقدام آمریکا، این کشور بتواند حلقه تحریم‌های یکجانبه خود علیه ایران را تنگ‌تر نماید. تجربه تلخ ناکامی در تحریم‌های یک‌جانبه، ایالات متحده را واداشت تا جهانی‌سازی و مشروعیت‌دهی به تحریم‌های جمهوری اسلامی را نیز در دستور کار قرار دهد. لذا پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور طی شش قطعنامه شورای امنیت، موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ابعادی بین‌المللی به خود گرفت و این شرایط، بهترین فرصت را برای آمریکا فراهم ساخت تا با توجه به هژمونی سیاسی-اقتصادی خود در جهان، ضمن آنکه متحدان غربی خود را در استراتژی تحریمی خود علیه ایران بسیج و شریک کند، سایر کشورهای و شرکت‌های جهان را ناچار به پیروی از سیاست‌گذاری تحریمی خود علیه ایران



تحریم اقتصادی و تعداد تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است.

تاریخچه تحریم در ایران

پیشینه تحریم ایالات متحده و غرب علیه ایران دارای نکات قابل ملاحظه‌ای است. کشورهای استعماری در هر مقطعی که کار با جنگ و سیاست پیش نمی‌رود از تحریم و اعمال سیاست‌های تحریمی علیه ایران خودداری نمی‌کنند. در مثال تاریخی برای تحریم‌های اعمالی علیه کشورمان بایستی به دوران قاجار اشاره کرد. در دوره قاجار با توجه به وابستگی اقتصادی مناطق شمالی ایران به اقتصاد و شبکه حمل و نقل روسیه، روس‌ها از تحریم اقتصادی علیه ایران به مثابه ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده کردند. در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق و به خصوص در نهضت ملی شدن صنعت نفت، دولت انگلیس از تحریم اقتصادی برای تغییر مواضع دولت ایران استفاده کرد.

شروع تحریم‌های آمریکا علیه ایران

در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در سیزدهم آبان ۱۳۵۸، ایران با تحریم‌های تجاری و اقتصادی آمریکا و متحدان اروپایی آن مواجه شد. با آزاد شدن گروگان‌های آمریکایی در ۳۰ دی ۱۳۵۹، دولت‌های اروپایی از ادامه تحریم ایران دست کشیدند، اما آمریکا برخلاف تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر مبنی بر لغو تحریم و مداخله نکردن در امور داخلی ایران، با مسدود کردن دارایی‌ها و امتناع از تحویل تجهیزات نظامی خریداری شده ایران، همچنان به اعمال تحریم در مقیاسی گسترده‌تر ادامه داد.

هدف آمریکا تصویب قوانین و بخشنامه‌های اجرایی برای تشویق و یا اجبار شرکت‌های خارجی به ترک بازار نفت و انرژی ایران بود. در واقع، آمریکا به موجب این قوانین و تحریم‌ها، شرکت‌های خارجی فعال در زمینه نفت و انرژی در ایران را مجبور می‌کرد تا بین بازار آمریکا و ادامه همکاری و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، یکی را انتخاب کنند. نقطه شروع تحریم‌های یکجانبه علیه ایران قانون موسوم به «داماتو» بود. بر اساس این قانون که در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا اجازه یافت تا شرکت‌های غیرآمریکایی را که فناوری‌های صنعت نفت در اختیار ایران می‌گذارند تحریم کند. قانون داماتو، پس از آمیختگی با طرح بنیامین گیلمن، رئیس کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه با قانون داماتو داشت، در قالب مجازات‌های جدید آمریکا علیه ایران و لیبی در سال ۱۹۹۶ توسط کنگره آمریکا تصویب

اعمال تحریم علیه ایران در تمام دوره حیات جمهوری اسلامی ایران سیاست ثابت ایالات متحده بوده و تنها این کشور بهانه‌های متفاوتی برای اعمال آنها در نظر گرفته است. یکی از بهانه‌های واشنگتن برای تحریم علیه ایران، فعالیت‌های هسته‌ای تهران برای تامین نیاز خود به انرژی و رادیوداروها و... بوده است.

در ۲۳ مرداد ۱۳۸۱ علیرضا جعفرزاده سخنگوی گروهک تروریستی منافقین ۳ نقطه نطنز، اصفهان و اراک ایران را در یک نشست خبری به رسانه‌ها نشان داد و مدعی شد ایران به طور مخفیانه در دو نقطه تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم و در اراک نیز راکتور آب سنگین دارد. این خبر به سرعت فضای رسانه‌ای دنیا را در برمی‌گیرد و بسترهای لازم را فراهم می‌کند تا در آذرماه همین سال دولت آمریکا، تهران را به تلاش برای تولید تسلیحات اتمی متهم کند.

هر چند که دولت اصلاحات با تعطیلی بخش‌های مهمی از برنامه هسته‌ای، مانع از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت شد ولیکن با روی کار آمدن دولت نهم و ایستادگی در برابر خواست غرب، پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شد. اگر ارجاع پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت و قطعنامه‌های این شورا ساختار و چارچوب قانونی خاصی در اختیار آمریکا قرار داد تا تحریم‌های یک‌جانبه خود را با مشارکت اروپایی‌ها چندجانبه و گسترده‌تر نماید، حوادث فتنه ۸۸ و شانتاژ رسانه‌ای این جریان ضمن مشروعیت بخشی جهانی به تحریم‌ها بستری را ایجاد کرد تا همه کشورهای ابرار لازم برای تحریم جمهوری اسلامی ایران را به دست آورند.

تحریم به عنوان ابزار تاریخی سیاست خارجی آمریکا

تحریم‌های اقتصادی آمریکا منحصرأ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده و در کنار سیاست جنگ افزوزانه ایالات متحده و جنگ‌های متعدد این کشور به عنوان ابزار سیاست‌های استعماری این کشور در سایر نقاط جهان نیز مطرح بوده است. بررسی اجمالی از تاریخ تحریم‌های اقتصادی در سطح جهانی نشان دهنده آن است که دولت آمریکا همواره بزرگترین سهم را در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی داشته است. در مجموع، دوسوم تحریم‌های اقتصادی جهان توسط دولت آمریکا اعمال شده است. در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰، یعنی در طول نزدیک به ۷۵ سال، در مجموع ۱۱۵ تحریم اقتصادی علیه کشورهای مختلف تصویب و به اجرا گذاشته شده که به طور متوسط برابر با ۱/۵ تحریم در سال است. دولت آمریکا مسئول ۷۷ مورد از کل ۱۱۵ تحریم‌های اقتصادی جهان، یعنی ۶۷٪ کل تحریم‌ها در طی دوره ۱۹۱۸-۱۹۹۰ بوده است. اما از سال ۱۹۹۰، به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، سهم آمریکا در کاربرد سیاست

نماید.

همین اتفاق نیز افتاد و شورای امنیت در چند مرحله ایران را تحریم کرد. به دنبال هر تحریم ایران از دستاوردی جدید در حوزه هسته‌ای رونمایی می‌کرد و به طرف غربی این سیگنال را ارسال می‌کرد که در برابر تحریم‌ها عقب نشینی نخواهیم کرد و باید روش رفتار علیه تهران تغییر کند.

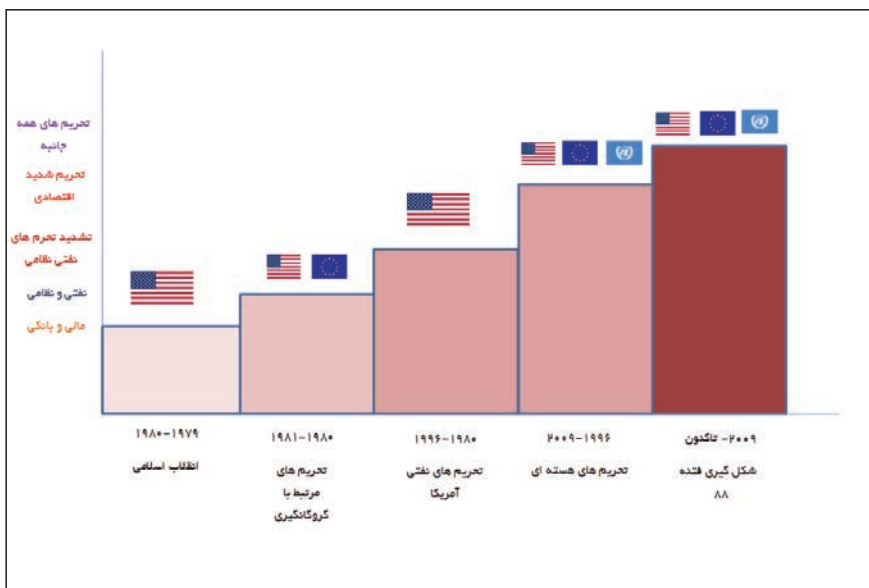
رویه ایران در مقابل تحریم‌ها و توسعه برنامه هسته‌ای باعث شد تا با روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا، شرایط برای «تغییر» سیاست آمریکا در قبال ایران هسته‌ای فراهم شود. اوباما ۳ ماه قبل از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در ایران در پیام نوروزی خود به ایرانیان صراحتاً اعلام کرد «می‌خواهم با رهبران ایران صریح صحبت کنم». روند عقب‌نشینی‌های آمریکا در آستانه انتخابات با سرعت بیشتری دنبال شد. به گونه‌ای که ۲۰ خرداد ۸۸ در حالی که تنها ۲ روز به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران مانده بود، باراک اوباما به رهبر معظم انقلاب نامه نوشت. سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان اسفندماه ۸۹ در اجلاس هیئت مدیره دربارۀ این نامه گفت: «تنها ۲ روز مانده به انتخابات، اوباما نامه‌ای به رهبر انقلاب می‌نویسد و به صراحت اعتراف می‌کند که بدون جمهوری اسلامی مسائل منطقه و بین‌الملل حل نخواهد شد».

دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی فرارسید که ایران دستاوردهای هسته‌ای خود را در چند حوزه تقویت کرده بود. علاوه بر اینکه سانتریفیوژهای فعال ایران به رقم ۷ هزار عدد رسید، ایران ۲ نوع پیشرفته سانتریفیوژ نیز تولید کرد که نسبت به ماشین‌های قبلی سرعت غنی‌سازی بالاتری- تا ۴ برابر- داشتند.

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، ایالات متحده مذاکرات هسته‌ای را از ژوئن ۲۰۰۸ تعلیق کرد تا سرانجام انتخابات مشخص شود. بنابراین این کشور سیاستی ۲ وجهی با افزایش غلظت ابهام اتخاذ کرد. از نظرگاه دیپلماتیک نیز بنیان نگرش تهدیدمحور علیه ایران دچار خدشه شد. ایالات متحده آمریکا که الگوی فشار را بستر رفتار با ایران هسته‌ای قرار داده بود، سرانجام چرخش نشان داد و در نهایت اوباما رسماً اعلام کرد خواستار گفت‌وگوی مستقیم با ایران است. این رویه عقب‌نشینی و تغییر الگوی رفتار تا روز انتخابات دنبال شد. پس از شمارش آرا و آشکار شدن مشارکت ۸۵ درصدی و نیز میزان آرای فرد منتخب، قاعدتاً همه چیز باید به سمت تغییر الگوی غرب پیش می‌رفت. به عبارت روان‌تر، ارتقای جایگاه فنی ایران در تاسیسات هسته‌ای، در کنار دستاوردهای حقوقی ایران در آژانس که موجب تقویت جنبش عدم تعهد شد، وقتی کنار یک انتخابات کم‌نظیر در دنیا و اعتماد ۶۳ درصدی به فرد پیروز قرار گیرد، بدیهی است تثبیت ایران هسته‌ای را موجب می‌شود. تغییر الگو که بخش مهمی از آن حاصل میزان مشارکت مردم در انتخابات و میزان مقبولیت مسئول پرونده هسته‌ای بود، اما پس از وقوع فتنه مخدوش شد. حمایت ایالات متحده و تروئیکای اروپایی از عوامل فتنه که اوج آن با «الهام‌بخش دانستن موسوی» توسط اوباما علنی شد، نشان داد آمریکا و متحدانش در ۵۲۱ فتنه را رهیافتی برای بازگشت به شرایط گذشته یافته‌اند.

با بالا گرفتن جریان فتنه میرحسین موسوی بیانیه‌ای صادر کرد و مقاومت تیم هسته‌ای در مقابل ایالات متحده را «عقب‌نشینی از حقوق ملت» عنوان کرد! این بیانیه را باراک اوباما چندی بعد تکمیل و تصریح کرد: «به نظر نمی‌رسد ایران از نظر سیاسی آنقدر وضع ثابتی داشته باشد که بتواند درباره مسئله هسته‌ای تصمیم‌های سریع اتخاذ کند. از سوی دیگر، اوضاع داخلی ایران موجب پیچیده‌تر شدن تلاش‌ها برای رسیدن به توافق میان ایران و قدرت‌های جهان سر مسئله سوخت اتمی شده است!» این تقسیم‌کار برای تضعیف مواضع ایران بویژه در مذاکرات هسته‌ای در تمام مدت فتنه وجود داشت.

۱۶ روز پس از اهانت بی‌سابقه فتنه‌گران به عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، ژنرال دیوید پترائوس، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در منطقه از احتمال حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران خبر داد. وی به CNN گفت: «حتما می‌توان تاسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار داد. تاسیسات ایران در مقابل حملات بمب‌ها آسیب‌پذیر هستند». سنای آمریکا نیز رسماً از «اعمال



تحریم‌های جدید» برای حمایت از «آزادی شهروندان ایرانی» سخن گفت. موارد متعدد دیگری نیز از هماهنگی عوامل فتنه با دستگاه تصمیم‌گیر ایالات متحده آمریکا در تاثیرگذاری بر موضوع هسته‌ای کشورمان وجود دارد. تلاش آمریکا برای تقویت فتنه ۸۸ در واقع یک پیام راهبردی داشت و آن بازگشت کامل اوباما به الگوی فشاربوش در مناسبات با ایران بود. پاسکاری فتنه با ایالات متحده آمریکا در نهایت منجر به تصویب تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا و افزایش فشارها به ایران شد. ورود ایالات متحده به موضوع تحریم بنزین ایران نیز در همین راستا صورت گرفت.

با اقدام ایالات متحده در مشروعیت‌دهی به تحریم‌های یک‌جانبه خود، اتحادیه اروپا در زمینه اعمال تحریم‌ها علیه ایران، سیاست‌های همسانی را با هماهنگی آمریکا در پیش گرفت و این مسئله حاصل ابتکاری بود که آمریکایی‌ها با توجه به شکست تحریم‌های یک‌جانبه خود در دستور کار قرار داده بودند. با ابتکار آمریکایی‌ها علاوه بر اروپایی‌ها بسیاری از کشورهای دیگر در اهداف تحریم‌های آمریکا علیه ایران شرکت کردند و این موضع با فتنه ۸۸ و تضعیف توان داخلی جمهوری اسلامی ایران بسیار تعمیق یافت. در این راستا بعد از وقوع حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری و فتنه ۸۸ بسیاری از کشورهای از خرید نفت ایران منع کردند. فقط ۵ کشور خریدار، یعنی چین، ژاپن، هند، کره جنوبی و ترکیه مجوز واردات حداکثر ۱٫۱ میلیون بشکه نفت خام ایران را در روز از سوی آمریکا برای دوره‌های زمانی شش ماهه قابل تمدید، دریافت کردند. بدین ترتیب صادرات نفت خام ایران که در سال ۲۰۱۱ میلادی بیش از ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود، به کمتر از ۱/۱ میلیون بشکه سقوط کرد. در فوریه سال ۲۰۱۳ با ممنوعیت پرداخت ارز به ایران در برابر صادرات نفت ایران به ۵ کشور یاد شده، درآمدهای ارزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران دچار مشکل فراوان شد.

تحریم‌ها بعد از فتنه ۸۸

اما فتنه ۸۸ و تاثیر بین‌المللی آن در رابطه با تحریم‌ها بسیار اهمیت دارد. چرا که با این حوادث بود که قطعنامه ۱۹۲۹ با حداکثر شدت صادر شد و به همه کشورها مشروعیت لازم برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و چند جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران را اهدا کرد. لذا آمریکا که سالها برای جهان شمول کردن تحریم جمهوری اسلامی ایران هزینه صرف کرده بود، به موهبت فتنه ۸۸ فرصت یافت به اقدامات یک‌جانبه خود مشروعیت و مقبولیت بخشد و تحریم چند جانبه خود با کشورهای اروپایی و هم‌بیمانانش را به تحریم‌های جهانی تبدیل نماید.

آمریکا و گروه غرب به مدد مفاهیم جدیدی که با قطعنامه جدید به دست آورده بودند تحریم‌های هسته‌ای خود را به تحریم‌های صرفاً اقتصادی و نظامی تبدیل کردند و ابزارهای لازم برای جهان شمول کردن آنها را مهیا ساختند. با قطعنامه ۱۹۲۹ که به عنوان شدیدترین و پیچیده‌ترین قطعنامه شورای امنیت شناخته می‌شود ساختمان تحریم‌ها در سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسید. لذا اگر به روند اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از سوی آمریکا و اروپا علیه ایران- که در ادامه آمده است- نگاه

کنیم، روشن است که این روند بعد از فتنه ۸۸ و با قطعنامه ۱۹۲۹ با تبلیغات وسیع رسانه‌ای غرب به نهایت تاثیر خود می‌رسد. همه اینها در حالی است که قطعنامه ۱۹۲۹ و تحریم‌های یک‌جانبه بعد از آن به هیچ وجه تحریم‌های هسته‌ای صرف نیست.

اتحادیه اروپا (۹/۱۷/۰۳): کشورهای عضو اتحادیه اروپا در راستای اعمال فشار بیشتر بر ایران به منظور وادار کردن کشورمان به صرف نظر از برنامه هسته‌ای خود، با اعمال تحریم تدریجی بر نفت ایران و بانک مرکزی موافقت کردند. طبق توافق اعضای اتحادیه اروپا، از این پس انعقاد هرگونه قرارداد جدید از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با بخش نفتی ایران ممنوع خواهد بود و تمامی قراردادهای جاری میان اروپا و بخش نفت ایران نهایتاً تا اول ژوئیه لغو خواهد شد.

آمریکا (۹/۱۲/۱۰): وزارت خزانه‌داری آمریکا بانک دوی را به خاطر آنچه کمک به ایران در راستای فرار از تحریم‌های بین‌المللی خوانده است، تحریم کرد.

آمریکا (۹/۱۷/۰۴): وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی پس از تصویب تحریم‌هایی علیه بانک مرکزی ایران، تحریم‌هایی را علیه بانک تجارت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

آمریکا (۹/۱۷/۲۸): وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی وزارت اطلاعات ایران را به دلیل آنچه که آن را حمایت از دولت سوریه خواند در لیست تحریم‌های آمریکا قرار داد. طبق این تحریم‌ها، دارایی‌های وزارت اطلاعات ایران توقیف شده و به مقامات این وزارتخانه برای سفر به آمریکا روایت داده نمی‌شود.

آمریکا (۹/۱۰/۱۱): اوباما تحریم بانک مرکزی ایران را امضا کرد. بر این اساس، شرکت‌های خارجی که با بانک مرکزی ایران دست به معامله بزنند، مشمول جریمه خواهند شد.

اتحادیه اروپا (۹/۰۹/۱۰): اتحادیه اروپا در اقدامی خصمانه، بیش از ۱۸۰ شرکت و شخصیت ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. علت این تحریم‌ها مخالفت ایران با خواسته‌های بین‌المللی برای توقف برنامه هسته‌ایش خوانده شده است.

آمریکا (۹/۰۹/۲۲): وزارت خزانه‌داری آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که دو مقام نظامی ایران «حسن فیروزآبادی» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و «عبدالله عراقی» جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه را تحت تحریم قرار داده است.

آمریکا (۹/۰۹/۳۰): وزارت خزانه‌داری آمریکا روز گذشته اعلام کرد که اقدامات تحریمی علیه ایران در زمینه ۱۰ شرکت کشتیرانی اعمال خواهد شد.

انگلیس و کانادا (۹/۰۹/۲۷): کانادا و انگلیس در اقدامی بحث برانگیز ۵ تبعه ایرانی را در ارتباط با سناریوی ترور سفیر عربستان در واشنگتن تحت تحریم قرار دادند. این پنج نفر شامل «منصور ارباب سیار»، ۵۶ ساله، شهروند آمریکا که دارای پاسپورت ایرانی است و «غلام شکوری» عضو نیروی سپاه قدس، دارای‌های «حامد عبداللهی» «افسر ارشد سپاه قدس»، «عبدالرضا شهلاهی» و «قاسم سلیمانی» از فرماندهان سپاه قدس هستند.

سوئیس (۹/۱۰/۰۴): سوئیس اعلام کرد که دارایی‌های ۱۸۰ شخص حقیقی و شرکت را مسدود می‌کند.

اقتصاد کشور هنوز به نقطه قبل از فتنه ۸۸ بازنگشته است

محمد جعفر بگلو

روزنامه نگار

اشاره

رفتیم که مطالعات و پژوهش‌های فراوانی درباره اقتصاد انجام داده و در این رابطه کتاب‌هایی از جمله «بررسی سیستم‌های اقتصادی»، «درآمدی بر اقتصاد اسلامی» و «میانی اقتصاد اسلامی» را به رشته تحریر درآورده است. علاوه بر این به دلیل حضور در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به خوبی می‌توانست وضعیت اقتصادی ایران را قبل و بعد از فتنه ۸۸ را تحلیل و تبیین کند. برای انجام این گفت و گو، در یک صبح پائیزی، وارد دانشگاه امام صادق (ع) شدیم و با گذر از خیابان اصلی این دانشگاه و پرس‌وجو از دانشجویان به دفتر حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم رسیدیم. قرار ما ساعت ۱۱ بود و رأس ساعت گفت و گو را آغاز کردیم.

امنیت و اقتصاد رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند، به‌گونه‌ای که اگر امنیت یک کشور دچار خدشه شود، اقتصاد نیز سیر نزولی خود را آغاز می‌کند. اگر در تاریخ نه چندان دور ایران نظر بیندازیم نمونه این رابطه را می‌بینیم؛ آنجا که فتنه ۸۸ باعث بروز ناامنی در کشور شد و متعاقب آن به اقتصاد ایران لطمه خورد. نبود امنیت باعث فرار سرمایه از کشور شد و تولید پایین آمد. به دنبال کاهش تولید، آمار بیکاری بالا رفت و از حجم صادرات کاسته شد. در مراحل بعدی تحریم‌ها از هرسو بر اقتصاد ایران فشار وارد کرد و تأثیرات سوئی در اقتصاد گذاشت که شاید بسیاری از جهات آن هنوز پوشیده مانده است. برای تبیین رابطه امنیت و اقتصاد و بررسی تأثیر فتنه ۸۸ بر اقتصاد ایران برآن شدیم با یک اقتصاددان به گفت و گو بنشینیم. از همین رو به سراغ کسی

دادید، بحث را در وقایع بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم و فتنه ۸۸ بررسی کنیم. خوب، پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، اتفاقاتی در کشور رخ داد که امنیت را خدشه‌دار کرد. به نظر شما این ناامنی‌ها چه تأثیری در اقتصاد گذاشت؟

در سال ۸۸ انتخابات بسیار بسیار خوبی با مشارکت حدود ۴۰ میلیون نفر برگزار شد که واقعاً مایه افتخار بود. مشارکت چشم‌گیری که هم در داخل و هم در خارج از نظر افکار عمومی حکایت از قوی بودن دموکراسی در ایران می‌کرد. ولی مع‌الأسف کسانی که بازنده میدان این انتخابات بودند مسئله را به گونه‌ای رقم زدند که این شیرینی بزرگ و این شور و نشاطی که پدید آمده بود تبدیل به یک تلخی شد.

فتنه ۸۸ علاوه بر این که از نظر سیاسی جایگاه ایران را در منطقه و جهان با افول مواجه کرد که غیر قابل بخشش است، ظلم بزرگی به نظام جمهوری اسلامی کرد. نظامی که انتخاباتش همواره مثال‌زدنی است و بهترین و امن‌ترین انتخابات را برگزار می‌کند ناگهان به اغتشاش کشیده شد. چون معمولاً انتخابات در دیگر کشورها اغلب با حوادثی همراه است؛ گاهی یک عده زخمی می‌شوند، کشت و کشتار می‌شود، گاهی صندوق‌ها را می‌زدند و... از این اتفاقات زیاد می‌افتد. الحمدلله کشور ما از این جهت بسیار عالی است.

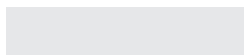
اما اتفاقی که پس از انتخابات رخ داد شرایط بحرانی در کشور پدید آورد. بحرانی که به اقتصاد کشور هم ضربه زد. بلافاصله واکنش بازار این بود که مغازه‌ها را تعطیل کردند. عده‌ای در خیابان‌ها بودند، عده‌ای که آنها را فریب داده بودند و به خیابان‌ها کشیده بودند. وقتی این اتفاق افتاد، مردم احساس ناامنی کردند و به دنبال این احساس ناامنی، مغازه‌ها تعطیل شد. در مدت قابل توجهی ماه‌ها این اتفاق ادامه پیدا کرد. و این مسئله تأثیر روشن ناامنی بر روی سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های متعارف اقتصادی و کسب و کار مردم گذاشت و همه چیز را کد شد.

وقتی می‌آمدند و مساجد را آتش می‌زدند، وقتی هیئت‌ها را به آتش می‌کشیدند، وقتی بانک‌ها و جاهای دیگر را آتش می‌زدند، خوب، در این شرایط هر مغازه‌دار و تولیدکننده‌ای این ترس را دارد که اتفاق مشابهی برای مغازه یا کارگاه او رخ بدهد. لذا طبعاً کرکره‌ها را پایین می‌کشند چنانکه بعد از وقایع سال ۸۸

است. همانطور که گفتید، عدم وجود امنیت، سرمایه‌گذاری خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شرایط بر روی سرمایه‌گذاری و تولید داخلی چه تأثیری می‌گذارد؟

وقتی یک شهر ناامن باشد، مغازه‌ها و کارگاه‌های تولیدی در آن شهر تعطیل می‌شود و بنگاه‌های کوچک هم اقدام به فعالیت اقتصادی نمی‌کنند و خرید و فروش و کسب و کار رکود پیدا می‌کند. برعکس، اگر شرایط امن باشد و این امنیت برای عموم فراهم باشد، بازارها فعال می‌شوند و رونق پیدا می‌کنند و سرمایه‌گذاران هم اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و فرضشان بر این است که بتوانند از حاصل کار و سرمایه‌گذاری خودشان استفاده کنند. لذا کارخانجاتی ایجاد می‌شود که معمولاً یک زمان مشخصی -مثلاً یک یا دو سال- دوره سرمایه‌گذاری آن‌ها است. بعد از اتمام دوره سرمایه‌گذاری، دوره بازدهی شروع می‌شود. پس باید شرایط برایشان کاملاً امن باشد تا آنها اقدام به سرمایه‌گذاری کنند.

با توجه به توضیحاتی که در فضای تئوری و نظری



در سال ۸۸ انتخابات بسیار خوبی با مشارکت حدود ۴۰ میلیون نفر برگزار شد که واقعاً مایه افتخار بود. مشارکت چشم‌گیری که هم در داخل و هم در خارج از نظر افکار عمومی حکایت از قوی بودن دموکراسی در ایران می‌کرد. ولی مع‌الأسف کسانی که بازنده میدان این انتخابات بودند مسئله را به گونه‌ای رقم زدند که این شیرینی بزرگ و این شور و نشاطی که پدید آمده بود تبدیل به یک تلخی شد

به نظر شما چه رابطه‌ای بین امنیت و اقتصاد وجود دارد؟ عدم وجود امنیت در یک کشور چگونه باعث فرار سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود و چگونه از این طریق به اقتصاد لطمه وارد می‌کند؟

امنیت یک کشور، از جهت روانی برای عامه مردم امری است که آنها را در آرامش قرار می‌دهد تا آنها زندگی خودشان را به‌گونه‌ای که مورد توقعشان است بگذرانند. از طرف دیگر، در رابطه با سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی، اگر در یک کشور امنیت برقرار باشد سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد اما اگر امنیت نباشد سرمایه‌گذاری دچار مشکل می‌شود.

شما یک بندر را در نظر بگیرید؛ اگر در آن بندر جنگ رخ دهد، دیگر هیچ کشتی‌ای نمی‌تواند به آنجا رفت و آمد کند، پس حمل و نقل صورت نمی‌گیرد و متعاقب آن صادرات و واردات تحقق پیدا نمی‌کند. نظیر این را می‌توان نسبت به هرگونه سرمایه‌گذاری دیگر هم مشاهده کرد.

سرمایه‌گذاران به دنبال بازدهی در آینده هستند. مثلاً سرمایه‌گذاری در پتروشیمی نیازمند پنج‌سال کار مقدماتی است تا بتواند ماشین‌آلات را سرپا کرده و به نتیجه و محصول برساند. لذا اگر امنیت در کشور برقرار باشد سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد ولی اگر امنیت نباشد تا وقتی که امنیت برقرار نشده این سرمایه‌گذاری صورت نخواهد پذیرفت.

از طرف دیگر امنیت ناپایدار هم به کار نمی‌آید. چون اگر امنیت برقرار باشد اما پیش‌بینی شود که این امنیت بی‌ثبات است و در آینده پایدار نخواهد ماند و احتمالاً شش‌ماه یا یک‌سال دیگر دچار مشکل خواهد شد، باز هم هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نمی‌شود یک کار اقتصادی پنج‌ساله را شروع کند.

یکی از مسائلی که همین امروز در پسابرجام با آن روبرو هستیم این است که آمریکایی‌ها می‌خواهند ایران را یک کشور ناامن معرفی کنند تا سرمایه‌گذاران خارجی در اینجا سرمایه‌گذاری نکنند و تفکرشان این باشد که اگر برویم و در ایران سرمایه‌گذاری کنیم ممکن است چند ماه دیگر جنگی رخ بدهد یا تحریم جدیدی پدید بیاید و با آن جنگ یا تحریم ما نتوانیم آن سرمایه‌گذاری خودمان را ادامه بدهیم یا اگر به نتیجه رسیده باشد به بهره‌برداری برسانیم. بنابراین "امنیت" در تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های اقتصادی خیلی مؤثر



این اتفاق رخ داد و مغازه‌ها را تعطیل کردند. این فضای ناامنی وجود داشت و هر روز اطلاعیه‌ای از سوی شکست‌خوردگان داده می‌شد و مردم را همچنان به خیابان‌ها می‌خواندند. کسانی که به خیابان‌ها می‌آمدند و شورش می‌کردند، شعارهایی می‌دادند که این شعارها اصل نظام و ولایت‌فقیه را به چالش کشیده بود و نگرانی دگرگونی سیاسی پدید آمده بود. گرچه ثبات اساسی نظام را داشتیم اما اذهان و افکار که تحت تأثیر این اوضاع قرار گرفته بود را نمی‌توان نادیده گرفت.

چند ماه این اتفاق استمرار پیدا کرد و طبعاً هر سرمایه‌گذاری که بخواهد سرمایه‌گذاری کند در طی این مدت خودداری می‌کرد و این امر تولیدکنندگانی که می‌خواستند کار جدید انجام دهند را هم متوقف کرده بود. یعنی کسانی که می‌خواستند کار جدید انجام بدهند دست نگه داشته بودند و کسانی هم که مشغول کار بودند تعطیل کرده بودند. به نظر من ۸۸ یک ضربه اقتصادی قابل توجه و مهمی به کشور تحمیل کرد.

ماه‌ها یک چنین شرایط ناامنی در کشور برقرار بود و البته منحصر به این مسئله نشد. خسارت به بانک‌ها، مغازه‌ها، اموال عمومی، سطل‌ها زباله‌ها، ایستگاه‌های خطوط اتوبوس‌رانی و ... هم بخشی از خسارت‌هایی بود که به کشور تحمیل شد. تا اینکه ۹ دی اتفاق افتاد، مردم علیه این شرایط قیام کردند و به خیابان‌ها آمدند و یک راهپیمایی خودجوش شکل گرفت.

تحریم‌هایی که از سوی کشورهای غربی و اروپایی به دلیل وقایع فتنه ۸۸ وضع شده بود، چه تاثیری در اقتصاد کشور گذاشت؟ این تحریم‌ها در تولید و صادرات نفت چه مشکلاتی را به وجود آورد؟

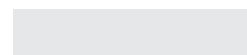
پس از این اغتشاشات و ناامنی‌هایی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری پدید آمده بود، دشمنان قسم خورده ملت ایران به تشدید تحریم‌ها پرداختند و از کسانی هم که به خیابان‌ها آمده بودند حمایت کردند و گفتند ما حامی آن‌ها هستیم. اسرائیل هم اعلام کرد که آن‌ها سخنگوی ما هستند. لذا چنین موضعی از طرف کشورهای غربی که با مردم ما دشمن هستند اتخاذ شد و آن تحریم‌ها تأثیر بدی بر اقتصاد ما گذاشت.

تحریم‌هایی که آمریکا و کشورهای غربی علیه ایران اعمال کردند بر تجارت و صادرات و واردات ما

و بر صادرات نفت و قیمت نفت در بازارهای جهانی هم تأثیر گذاشت. البته سعودی‌ها هم از این فرصت استفاده کردند و برای به شکست کشاندن ایران، عرضه نفت را یکجانبه به شدت افزایش دادند و تولید نفت خودشان را تا ۱۰ و نیم میلیون بشکه بالا بردند تا بتوانند هر چه نفت ایران از بازار کاهش پیدا می‌کند جایگزین کنند.

بعد از این تحریم‌ها، صادرات نفت از ۷/۲ میلیون بشکه به کمتر از یک میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرد. قیمت نفت هم از ۱۱۰ دلار به صورت میانگین در طول یک‌سال به ۴۰ دلار و حتی زیر ۴۰ دلار رسید. معلوم است که چه اتفاقی افتاده است. این آثار بسیار ناگواری در اقتصاد ما برجای گذاشت و اقتصاد ما را به جای این‌که بسط پیدا کرده و بزرگ‌تر بشود، کوچک و کوچک‌تر کرد.

یکی دیگر از خسارت‌هایی که به اقتصاد کشور وارد شد این بود که هزینه «مبادله» را برای کشور ما بالا برد. چرا که تجارت بین ایران و کشورهای دیگر با کشتی‌های ما مشکل داشت و کشتی‌های ما اجازه



صادرات نفت از ۷/۲ میلیون بشکه به کمتر از یک میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرد. قیمت نفت هم از ۱۱۰ دلار به صورت میانگین در طول یک‌سال به ۴۰ دلار و حتی زیر ۴۰ دلار رسید. معلوم است که چه اتفاقی افتاده است. این آثار بسیار ناگواری در اقتصاد ما برجای گذاشت و اقتصاد ما را به جای این‌که بسط پیدا کرده و بزرگ‌تر بشود، کوچک و کوچک‌تر کرد

پهلو گرفتن در بنادر اروپا را نداشتند. تحریم‌ها اجازه نمی‌داد نفت‌کش‌های ما نفت جابه‌جا کند و اگر پرچم ایران بر روی نفت‌کشی بود به آن اجازه عبور نمی‌دادند. لذا ما ناچار بودیم از پرچم کشورهای دیگر برای انتقال نفتمان استفاده کنیم. ما روزانه برای هر کشتی ۶۰۰ دلار هزینه پرچم می‌پرداختیم و بدین‌ترتیب حمل و نقل نفتمان هزینه جدیدی پیدا کرده بود. حمل و نقل بار هم حدود ۳۰ درصد قیمت تجارت را بالا برده بود. این‌ها محاسبه شده و کاملاً کار تحقیقاتی صورت گرفته است. نتیجه این شد که حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه تجارت را برای ما سنگین کرد. معلوم است که از نظر اقتصادی چه آثار زیان‌باری برای اقتصاد کشور ما به همراه داشت.

بعد از فتنه ۸۸ هم بخشی از دارایی‌های ایران توسط کشورهای غربی بلوکه شد...

این هم یکی از آثار تحریم‌ها بود. وقتی که تحریم‌ها اعمال شد، ایران از نظر مبادلات دلار تحریم شد. بخش عظیمی از درآمدهای ارزی ما هم در قالب دلار بود که در بانک‌های خارجی بلوکه شد و هنوز هم قابل تبدیل نیست. اگر هم تبدیل بشود به پول ملی آن کشورهایی که به ما بدهکار هستند تبدیل می‌شود و ما ناچار هستیم کالاهای آن‌ها را خریداری کنیم که احیاناً ممکن است ما آن کالاهای را نیاز نداشته باشیم یا آن کالاهای کیفیت لازم را نداشته باشند.

هنوز هم کشور ما از آثار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فتنه ۸۸ رنج می‌برد. زبان اقتصادی‌اش این بود که جلوی بسیاری از فعالیت‌ها و کسب و کارها را گرفت. بخشی از سرمایه‌گذاری خارجی که می‌توانست طبق روال مطابق با قبل از شرایط فتنه رشد و استمرار پیدا کند با یک وقفه روبرو شد که هنوز هم به نقطه قبلی بازنگشته است.

با توجه به اینکه در آن زمان شما عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی بودید، آیا در آن زمان جلساتی با سران فتنه برگزار شد تا به آنها درباره خسارت‌هایی که به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود صحبت شود و به آنها هشدار داده شود؟ شما در این رابطه اطلاعی دارید؟

خبرهایی داریم که بعضی از افراد رفتند که با آن‌ها از سر دلسوزی صحبت کنند. اما متأسفانه آن‌ها نشنیده گرفتند و اعتنایی به این صحبت‌ها نکردند.

این اتفاقات همه نتیجه آن ادعاست که توی انتخابات تقلب شده و به نظر من از دو حال خارج نیست؛ یا تقلب شده یا نشده؛ اگر تقلب شده تک تک ماها وظیفه داریم در دفاع از این نظام برویم و آن محل تقلب و شیوه تقلب را بشناسیم و اعلام کنیم و از شورای نگهبان بخواهیم که انتخابات را ابطال کند به دلیل تقلب، تا سلامت نظام حفظ شود و حقوق مردم محفوظ بماند. اگر تقلب نشده تمام کسانی که بدون سند و بدون دلیل چنین تهمتی به این نظام زدند، باید پاسخگو باشند که چرا قبل از اینکه این مطالب رسیدگی بشود و سندیت آن ثابت بشود، مردم را کشاندند توی خیابانها و باعث آن اتفاقها شدند این مطلب دیگر شق ثالث ندارد

روایت امروز



گفت و گو با دکتر مسعود میر کاظمی، وزیر سابق نفت:

فتنه ۸۸ تحریم‌های بی سابقه را ایجاد کرد

محمد مهدی توسلی
روزنامه نگار

اشاره

خسارت‌های اقتصادی فتنه ۸۸ کمتر مورد توجه قرار گرفته است، خسارت‌هایی که عامل اصلی بحران ارز در کشور بود و حتی میرحسین موسوی اذعان کرده بود با اقداماتش ضربه بزرگی به اقتصاد کشور می‌زند. خسارت‌های اقتصادی فقط به بحث ارز محدود نمی‌شود و به گفته مسعود میرکاظمی باعث تشدید بیکاری در کشور هم می‌شود.

برای بررسی خسارت‌های اقتصادی ناشی از فتنه ۸۸ در حوزه نفت، سراغ مسعود میرکاظمی، وزیر نفت دوران فتنه ۸۸ رفتیم، زیرا وی در دوران مسئولیتش در وزارت نفت با خسارت‌های اقتصادی و نفتی فتنه ۸۸ مواجه شده بود.

این حضور مردم نشان می‌داد که آنها به حقانیت و کارآمدی نظام اعتقاد دارند ولی در مقابل این‌ها فتنه‌ای رخ داد که همه این موارد را دچار تزلزل کرد و امکان انجام یک سری اقدامات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را در حوزه‌های اقتصادی و ... برای دشمنان فراهم کرد که می‌توان به تشریح آنها پرداخت.

سوال شما در حوزه اقتصادی بود که در ادامه به این سوال می‌پردازم. شما در فتنه ۸۸ شاهد بودید که رسانه‌های بیگانه دائماً در یک اقدام هماهنگ با یک سری از عوامل داخلی و روزنامه‌های زنجیره‌ای که در داخل کشور داشتند، در آتش فتنه می‌دمیدند. چند ماه این فتنه طول کشید تا ۹ دی شد و صبر مردم تمام شد و با حضور خودجوش خود در صحنه، آب سردی بر فتنه پاشیدند.

طی چند ماه با قشون‌کشی در خیابانها و انجام سناریوهایی مانند سناریوی ندا آقاسلطان و اینکه در زندان‌های ایران با زنان چه می‌کنند، دائماً علیه نظام کار می‌کردند و مشاهده می‌کردید که این سناریوها به ترتیب در حال اجرا بود و هم رسانه‌های بیگانه و هم رسانه‌های بی‌تدبیر در داخل که با آنها همراه بودند در آتش فتنه می‌دمیدند.

شما ببینید برای اینکه موضوع روشن شود مثالی می‌زنم. دو هفته در ترکیه به صورت محدودی علیه اردوغان و دولت تظاهراتی انجام شد که بعد از آن اردوغان عدد بزرگی را به عنوان خسارت‌های دو هفته‌ای تظاهرات محدود مردم اعلام کرد و آنها یک برآورد چند ده میلیارد دلاری را برای مدت کوتاهی که بی‌نظمی در شهرهای ترکیه ایجاد شده بود، داشتند.

بعد انتخابات سال ۸۸ در ایران هم مشاهده می‌کنید که قشون‌کشی در خیابانها و آتش زدن‌ها صورت می‌گرفت و تبلیغات چند صد برابری بیگانگان نیز در خارج از کشور، به گونه‌ای بود که اگر کسی در خارج از ایران بود فکر می‌کرد همه ایران یک دست آتش شده و همه مردم علیه نظام به خیابان ریختند و نظام خود را کارآمد نمی‌بینند و دنبال تغییر نظام هستند؛ رسانه‌های بیگانه اینگونه مطرح می‌کردند و نمی‌گفتند عده‌ای محدود هستند که با بیگانگان عهد بسته‌اند.

متأسفانه این مدت به گونه‌ای شده بود که بی‌ثباتی در داخل و خارج از کشور جلوه می‌کرد، این بی‌ثباتی بزرگترین ضرر اقتصادی را به کشور می‌رساند. در یک کشوری که احساس شود ثبات اقتصادی وجود ندارد، مطمئناً سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف صنعت، تجارت، مسکن، حمل‌ونقل و ... صورت نمی‌گیرد و بخش خصوصی سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. این عدم سرمایه‌گذاری نیز منجر به بیکاری می‌شود.

بخشی از تشدید بیکاری‌ها به دلیل همین فتنه ۸۸ بود، زیرا فتنه ۸۸ بی‌ثباتی اقتصادی را در کشور به وجود آورد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شد. از سوی دیگر نیز خارجی‌ها کمتر به ایران آمدند و مشاهده کردید که بعد از فتنه، کمترین هیئت‌ها به ایران سفر کردند.

برخی می‌گویند چون هولوکاست مطرح شده بود، ایران منزوی شد در صورتی که هولوکاست در ابتدای دولت نهم مطرح شد و در آن دوره نیز بیشترین سطح روابط اقتصادی و تجاری را داشتیم. شما اگر آمار تعداد کمیسیون‌های مشترک با سایر کشورها، تعداد هیئت‌های خارجی که به ایران آمدند و هیئت‌هایی که از ایران برای مذاکرات اقتصادی به خارج از کشور سفر کردند را ملاحظه کنید، با هیچ دولتی قابل مقایسه نیست ولی بعد از فتنه ۸۸ به شدت کاهش پیدا کرد و دیدیم تعداد هیئت‌هایی که به ایران می‌آمدند به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسید.

شما ببینید این‌ها چگونه در اوج مشارکت ۸۴ درصدی، کشور را به جایی رساندند که مذاکرات اقتصادی کمترین به حد ممکن رسید. این‌ها باعث می‌شد سرمایه‌گذاری‌ها در ایران کاهش پیدا کند و متأسفانه این اتفاق نیز در کشور افتاد.

نکته قابل توجهی که می‌توان در حوزه خسارت

صورت گرفته بود، آن عزت و اقتداری که به دست آمده بود را به یک ضعف بین‌المللی برای جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

متأسفانه جایی که می‌توانستیم بیشترین بهره‌برداری را از حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ۸۸ داشته باشیم، به نقطه ضعف تبدیل شد و پیامد آن را نیز در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی و بین‌المللی شاهد هستیم و هزینه‌هایی را چه در مسائل اقتصادی و چه سایر حوزه‌ها به مردم تحمیل کرد. این مسائل جای تبیین و موشکافی دارد تا اجازه ندهیم این اتفاقات دوباره برای کشور رخ دهد.

حضور ۸۵ درصدی مردم نشان از ایجاد اتحاد قومی، ملی و مذهبی بین مردم بود که می‌خواهند برای سرنوشت خودشان در انتخابات شرکت کنند. همچنین

آقای میرکاظمی با توجه به اینکه در دولت دهم و در جریان فتنه سال ۸۸ شما به عنوان وزیر نفت توانستید از نزدیک در جریان مشکلات اقتصادی و تحریم‌های نفتی ناشی از فتنه سال ۸۸ بودید. اگر اجازه بدهید گفت‌وگو را از همین جا شروع کنیم. فتنه سال ۸۸ چه خسارت‌هایی را در حوزه نفتی کشور وارد کرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. من ابتدا توضیح کلی بدهم و بعد به سوال شما پاسخ خواهم داد. فتنه‌ای که در سال ۸۸ اتفاق افتاد، در مقابل اقتدار ملی حاصل از حضور ۸۵ درصدی ملت ایران بود. انصافاً حضور مردم، ایران را به بالاترین نقطه مقبولیت در سطح بین‌المللی رسانده بود اما فتنه ۸۸ که با سرمایه‌گذاری و بی‌بصیرتی برخی از خواص و خیانت برخی از افراد

روایت امروز

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
شماره دهم

اقتصادی فتنه ۸۸ به آن اشاره کرد، بحث تشدید تحریم‌ها بود. اگر آمریکا یا اروپا در سال‌های قبل از فتنه ۸۸ می‌خواستند قطعنامه‌ای را علیه ایران اجرا کند و مصوبه آن را بگیرد، باید زحمات زیادی می‌کشید تا بتواند اجماع آن را بگیرد.

در فتنه ۸۸ زمینه‌های فراهم شد و آمریکا و اروپایی‌ها به گونه‌ای فضا سازی کردند که آمریکا با کمترین مشکل می‌توانست برای صدور قطعنامه‌ها علیه ما اقدام کند. شما می‌بینید تحریم‌ها را به حوزه نفت رساندند، در حالی که قبلاً جرئت نداشتند به حوزه‌های نفت و بانک مرکزی ورود کنند. متأسفانه این اتفاق افتاد و فتنه ۸۸ باعث شد هزینه‌های سنگینی را بر مردم ما تحمیل کنند.

در حوزه‌های هواپیمایی، بهداشت و درمان و ... ما شاهد تشدید تحریم‌ها بودیم و حتی توانستند افراد و شرکت‌های بیشتری را بدون هیچ ممانعت بین‌المللی در لیست تحریم قرار دهند، زیرا مقدماتی که فتنه برای آنها فراهم کرده بود، تحریم‌ها را برای آنها بسیار سهل و آسان کرد و یکی یکی قطعنامه‌های یک جانبه علیه ایران وضع و اجرا می‌کردند. البته اگر ۲ درجه اعلام می‌کردند، چهار درجه اجرا می‌کردند و هیچ‌گونه محدودیتی در مقابل خودشان نمی‌دیدند. در حوزه کاهش سرمایه‌گذاری می‌توان کاهش رشد تولید هم دید، زیرا وقتی سرمایه‌گذاری صورت نگیرد، افزایش تولید هم نخواهیم داشت. البته نمی‌گویم مشکل داخلی نداریم ولی بحث و اثر فتنه و اثری که تبلیغات سوء بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی داشت را نمی‌توان نادیده بگیریم، زیرا یک دعوی شخصی نبود و یک فتنه گسترده‌ای بود که حاصل ثروت‌های نامشروع داخلی و حضور بیگانگان و افراد بی بصیرت و احمق در داخل کشور بود که بازیچه غربی‌ها قرار گرفتند و توانستند بر نظام حمله ببرند و خسارتی را به کشور وارد کنند و این خسارات به اقشار مختلف مردم منتقل می‌شود. وقتی می‌گویم نظام هزینه فتنه را می‌دهد، یعنی مردم هزینه را می‌دهند.

در حوزه‌های دیگری مثل تجارت هم سطح روابط تجاری ما رو به نقصان رفت و آن رشدی که به خصوص در حوزه صادرات در دولت نهم با کندی شروع شده بود، تحت تأثیر فتنه قرار گرفت و کاهش پیدا کرد.

فضای کسب و کار برای داخل و خارج سیاه شد، زیرا چند ماه درگیری بود و در این درگیری‌ها کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کرد و بخش خصوصی هم حاضر نیست در دعوا و درگیری و بی‌امنی و بی‌ثباتی سرمایه‌گذاری کند و به سمت کارهای تجاری کوتاه مدت پرسود می‌رفت که این مسئله هم اوضاع نابسامان اقتصادی را تشدید می‌کرد.

همه این مسائل بر روی اقتصاد کلان کشور تأثیر می‌گذارد، یعنی بر روی تورم، رکود، رشد اقتصادی، بهره‌وری، میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و توسعه منابع انسانی تأثیر می‌گذارد. وقتی که سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، توسعه منابع انسانی اتفاق می‌افتد و نیروی تحصیل کرده به کارگیری می‌شود.

بعد از قضایای فتنه، همه مواردی که گفتم دچار مشکلات اساسی شدند و هر کسی که سرمایه در اختیار داشت منتظر بود ببیند چه اتفاقی می‌افتد. رسانه‌های بیگانه هم در شیپور بی‌ثباتی و ناامنی می‌دمیدند و به گونه‌ای جلوه می‌دادند که همه مردم ایران به دنبال تغییر نظام هستند. این نگاه باعث می‌شد اوضاع اقتصادی بی‌ثباتی بیشتری را جلوه بدهد و باعث می‌شود سرمایه‌گذاری کمتری صورت بگیرد، به همین دلیل عواقب ناشی از آن مانند بیکاری اتفاق می‌افتاد ولی بیشترین بهره‌وری را دشمنان انقلاب و نظام در تشدید تحریم‌ها داشتند؛ تشدید تحریم‌ها در حوزه‌های پولی و مالی، نفتی، حمل‌ونقل اتفاق افتاد.



تحریم بنزین مطرح شد من اعلام کردم هر کشوری که بنزین به ایران ندهد، ما نیز نفت خام به آن کشور نمی‌دهیم. بازار جهانی به گونه‌ای بود که امکان تحریم نفتی علیه ایران را نداشتند، وگرنه این‌ها بعد از فتنه مقدماتی را برای تحریم نفتی ایران انجام داده بودند و اذهان عمومی بین‌المللی را آماده کرده بودند ولی عرضه و تقاضای جهانی به آنها اجازه نمی‌داد که تحریم نفتی را انجام دهند.

آن‌ها محدودیتی را به نام قیمت جهانی دارند و برایشان مهم بود، یعنی می‌خواستند به گونه‌ای ایران را از لحاظ نفتی تحریم کنند که قیمت جهانی افزایش پیدا نکند. بنابراین شرایط اقتصادی بین‌المللی به آنها اجازه تحریم نفتی را نداد، وگرنه با فضا سازی‌های که بعد از فتنه ۸۸ انجام داده بودند، آمادگی را به آنها داده بود که بتوانند نفت ایران را تحریم کنند و شما دیدید وقتی عرضه بیشتر از تقاضا شد، شروع به تحریم نفت ایران کردند و فتنه این فضا را برایشان آماده کرد تا بتوانند فشارهای بیشتری بیاورند.

آمریکا و اروپا باید در صحنه‌های به گونه‌ای افکار عمومی آماده می‌کردند که فشار به مردم ایران می‌آید، زیرا آنها می‌دادند تحریم بنزین، نفتی و بانکی فشار به مردم است، حتی برخی از داروها را در حوزه‌های بهداشتی و بعضی از قطعات هواپیما را تحریم می‌کردند، زیرا فشار بر مردم بود و همه این کارها ناشی از فتنه بود که برای آنها مقدماتی را فراهم کرده بود.

در حوزه اقتصاد بین‌المللی در سال ۸۸ و ۸۹ امکان اینکه بتوانند نفت ایران را یک میلیون بشکه کاهش بدهند، نداشتند. به محض اینکه شرایط اقتصادی بین‌المللی عرضه و تقاضای نفت در سطح بین‌المللی به گونه‌ای شد که تحریم علیه ایران را انجام دهند، بلافاصله تحریم را انجام دادند.

یعنی بعد از دو سال با همان بهانه فتنه ۸۸ تحریم نفتی را انجام دادند؟

بله، زیرا اصلاً اجماع برای تحریم نفت لازم نبود. وقتی آمریکا می‌خواست علیه ما اقدامی کند و قطعنامه‌ای علیه ایران بگیرد به کشورهای مختلف سفر می‌کردند تا هماهنگی انجام دهند تا اقدام تحریم را عملی کنند ولی بعد از فتنه این‌ها زحمتی نمی‌کشیدند، زیرا فتنه شرایط را آماده کرده بود و آنها به راحتی تصمیم می‌گرفتند و اقدام می‌کردند.

اگر بلافاصله بعد از سال ۸۸ تحریم نفتی انجام نشد، چون شرایط اقتصادی جهانی به نفع آنها نبود و ممکن بود با کاهش عرضه نفت ایران به بازارهای جهانی قیمت نفت بالا برود ولی به محض اینکه شرایط اقتصادی هم فراهم شد، بلافاصله تحریم نفتی را هم اجرا کردند؛ یعنی جایی که عرضه بیشتر از تقاضا شد، اعلام رسمی کردند برای تحریم نفتی ایران هم اقدام می‌کنیم.

حتی تشدید تحریم‌های بانکی و پولی، به خصوص بانک مرکزی را هم انجام دادند و توانستند با جرئت بیشتری علیه مردم ایران در صحنه‌های بین‌المللی اقدام کنند. این به خاطر بازی‌هایی بود که بعد از فتنه به نفع استکبار صورت گرفت.

متأسفانه ما شاهد بودیم در داخل بعضی از رسانه‌ها و برخی از افراد کاملاً با آنها همراهی می‌کردند و هماهنگ بودند؛ حالا یا از بی‌بصیرتی آنها بود یا وابستگی.

تحریم‌های بانکی بعد از فتنه ۸۸ به چه صورت اعمال شد؟ نظام بانکی کشور چه خسارت‌هایی را از تحریم‌های بانکی متحمل شد؟

تحریم‌های بانک مرکزی بعد از همه این تحریم‌هایی بود که عرض کردم؛ یعنی بانک مرکزی اقدام می‌کرد و برخی از بانک‌های ما هنوز به طور جدی با تحریم‌ها

در حوزه اقتصاد بین‌المللی در سال ۸۸ و ۸۹ امکان اینکه بتوانند نفت ایران را یک میلیون بشکه کاهش بدهند، نداشتند. به محض اینکه شرایط اقتصادی بین‌المللی عرضه و تقاضای نفت در سطح بین‌المللی به گونه‌ای شد که تحریم علیه ایران را انجام دهند، بلافاصله تحریم را انجام دادند اگر بلافاصله بعد از سال ۸۸ تحریم نفتی انجام نشد، چون شرایط اقتصادی جهانی به نفع آنها نبود و ممکن بود با کاهش عرضه نفت ایران به بازارهای جهانی قیمت نفت بالا برود ولی به محض اینکه شرایط اقتصادی هم فراهم شد، بلافاصله تحریم نفتی را هم اجرا کردند

روایت امروز

بحث نفت را شما مطرح کردید؛ بحث تحریم بنزین بود. در ابتدای دولت دهم و بعد از فتنه ۸۸، غربی‌ها به شدت روی عدم ورود بنزین به ایران تمرکز کردند. در آن زمان باید ۲۲ میلیون لیتر بنزین وارد می‌شد تا بتوانیم ۴۴ میلیون لیتر کشور را که قابل استفاده نبود را قابل استفاده کند، زیرا در آن زمان تولید داخل ما استاندارد نبود و این ۲۲ میلیون لیتر باید به کشور وارد می‌شد تا با ۴۴ میلیون لیتر داخل مخلوط شود تا بتواند بنزین کشور را قابل مصرف کند.

حالا شما فرض کنید این ۲۲ میلیون لیتر بنزین قطع شود، چه اتفاقی برای مردم می‌افتد، آیا مردم می‌توانستند به ادامه امور روزمره خود بپردازند. اینکه آمریکا و صهیونیست‌ها و انگلیس خبیث مشارکت مستقیمی در فتنه ۸۸ داشتند و توانستند فضای بین‌المللی را آماده کنند تا تحریم بنزین را انجام دهند، همان فتنه است. یعنی می‌دانستند به مردم فشار می‌آید ولی به راحتی اجرا کردند.

تلاشی که دوستان و جوانان انقلابی و با استعداد در حوزه نفت انجام دادند و پتروشیمی را فعال کردند تو دهنی محکمی به آمریکا و سرسپردگان آنها در داخل زدند. این مسائل ناشی از بی‌تدبیری‌های بعد از فتنه سال ۸۸ اتفاق افتاد و دستاویزی شد که دشمن بتواند اهداف خبیث خود را در کشور ما دنبال کند.

اوباما بعد از فتنه ۸۸، تحریمی را در مارس ۲۰۰۹ با عنوان «اعمال قدرت اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی» مطرح می‌کند و و پس از پیگیری‌هایی که انجام می‌دهد، این تحریم اجرا می‌شود. در این شرایط تحریم‌های نفتی و بانکی آنها به چه صورت بود؟ در دوران وزارت نفت چقدر تحریم‌های نفتی ناشی از فتنه ۸۸ روند کشور را با اخلال مواجه کرد؟

ابتدا بحث تحریم بنزین را شروع کردند و وقتی

آقای رضایی البته شکایتش را پس گرفت و به مسیر دیگری رفت ولی آقای موسوی و آقای کروی حاضر نشدند. در حالی که این منصفانه‌ترین تقاضایی بود که می‌شد کرد که آقا تشریف بیاورید و نماینده‌تان باشد، رسیدگی کنید. اگر آنها نماینده‌شان نمی‌آمد که دیگر رسیدگی معنایی نداشت. خوب می‌گفتند خودشان بریدند و خودشان دوختند؛ با وصف این شورای نگهبان آمد ۱۰ درصد صندوق‌ها را هم در سراسر کشور طبق یک قاعده آماری باز کرد و همان هیئت نظارت و هیئت اجرایی را دعوت کرد؛ البته نمایندگان آقایان مهندس موسوی و کروی نوعاً شرکت نکردند؛ یک چند جایی شرکت کردند و دیگر شرکت نکردند

مواجه نبودند و راه‌حلی برای دور زدن تحریم‌ها وجود داشت.

بعد از مدتی شما دیدید تحریم بانک‌ها و نفتی ایران انجام شد و هم تحریم بیمه حمل‌ونقل و سوخت‌رسان‌ها را که خیلی جدی‌تر دنبال کردند. حتی نمایندگانی را در برخی از کشورها و برخی از بانک‌ها و مؤسسات بیمه‌ای مستقر می‌کردند تا این بانک‌ها و مؤسسات به ایران کمک نکنند و تحت کنترل آنها باشد.

این شرایط تا قبل از فتنه ۸۸ برای آنها فراهم نبود و نمی‌توانستند به راحتی به بعضی از کشورها امرونی کنند. فتنه توانست کاری کند تا آنها به راحتی مسیری را که می‌خواستند علیه نظام جمهوری اسلامی در پیش بگیرند را طی کنند و هیچ‌گونه مقاومتی از طرف سایر کشورها با آنها صورت نگیرد. فضا سازی و زمینه‌سازی یکی از دستاوردهای فتنه برای آنها بود.

بعد از حوادث انتخابات سال ۸۸، دیدارهای شما با سایر کشورها به عنوان وزیر نفت تحت الشعاع فتنه قرار گرفته بود؟ آیا قراردادهایی که می‌خواستید در حوزه نفت با سایر کشورها ببندید، تحت تأثیر فتنه ۸۸ قرار گرفت؟

اجازه بدهید بعضی از خاطرات و مطالبی که سفرای ما می‌گفتند را توضیح بدهم شاید فضا بهتر روشن شود. وقتی با بعضی از سفرا، به خصوص سفرای که در کشورهای اسلامی صحبت می‌کردیم مطالب مهمی را می‌گفتند. زیرا در آن موقع بیداری اسلامی در حال شکل‌گیری بود و تحرکات ایران باعث تشنگی در کشورهای بیداری اسلامی می‌شد و باعث می‌شد آنها بر روی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران شک کنند ولی چون شما در موضوع اقتصادی سوال کردید من وارد این بحث نمی‌شوم.

تقریباً همه سفرا اجماعاً یک مطلب را می‌گفتند. سفرای ما در سایر کشورها می‌گفتند بعد از حضور ۸۴ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری دهم، همه کشورهای مسلمان با خانواده‌هایشان به سفارت جمهوری اسلامی ایران می‌آمدند و ضمن تبریک می‌گفتند شما روی اروپایی‌ها را کم کرده‌اید.

بعد از فضایی فتنه ۸۸ که بحث تقلب مطرح شد و موضوعاتی که تا دی‌ماه ۸۸ اتفاق افتاد، همان سفرای که به ما تبریک می‌گفتند، شروع به سؤال پرسیدن کردند و از سفرای ما می‌پرسیدند چه اتفاقاتی در کشور شما افتاده است و رسانه‌های بیگانه نیز برای آنها شک ایجاد می‌کردند. هر چقدر سفرای ما برای آنها توضیح می‌دادند قانع نمی‌شدند، زیرا احساس می‌کردند کسانی در ایران اپوزیسیون نظام شده بودند که قبلاً از مسئولین بودند.

وقتی دفتر آقای کروی بحث زندان‌ها را مطرح کرده بود، یکی از سفرا گفت این اظهارات تیر خلاصی به نظام بود و ما هر چقدر توضیح می‌دادیم این مسئله دروغ است، آن‌ها می‌گفتند رئیس اسبق مجلس شما این حرف را می‌زند. می‌گفتند چرا نظام شما با مردم خود اینگونه برخورد می‌کند؟ حتی سران داخلی فتنه توانسته بودند شک و شبهه‌ای را هم در کشورهای مسلمان ایجاد کنند.

ایران با مشارکت ۸۵ درصدی و اوج اقتدار، ظرف چند روز به دلیل فتنه ۸۸ به این مرحله می‌رسد که در سطح بین‌الملل آنقدر دلیل می‌شود که سفیر ما نتواند از حقانیت ما در بین کشورهای مسلمان دفاع کند، در کشورهای غیرمسلمان چه برداشتی از نظام شده است. چرا باید این شرایط را در کشور فراهم کنیم و عده‌ای خودباخته برای پست و مقام رأی مردم را ندید بگیرند و به آرای مردم بی‌احترامی کنند و اینگونه مردم را در معرض خسارات اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و ... قرار دهند.

چرا باید اعتماد مردم را دچار خدشه کنند و وحدت ملی را دچار خدشه کنند و به شعائر و ارزش‌های دینی



و آدم‌های نادان داخل بودند که بازیچه بیگانگان شدند و کشوری که در اوج اقتدار بود را به قهقرای رتبه جهانی بردند. البته این موضوع را کسانی که در خارج از کشور بودند بیشتر حس می‌کنند.

بعد از ۸ ماه فتنه‌ای که پشت سر گذاشتیم و کشور متوجه خسارت‌هایی شد که شما نیز به برخی از آنها اشاره کردید، مردم با حماسه ۹ دی آبی بر آتش فتنه ریختند و غائله فتنه ختم شد. بعد از حماسه حضور مردم وضعیت اقتصادی در بُعد بین‌المللی توانست آسیب‌های فتنه‌گران به کشور را

جبران کند؟

حضور مردم تو دهنی محکمی به دشمنانی بودند که به دنبال تغییر نظام بودند و برنامه بسیار سنگینی برای فتنه در نظر گرفته بودند، زیرا برخی حتی چندین ماه قبل از انتخابات، تقلب در انتخابات را مطرح کردند و مقام معظم رهبری هشدار دادند که سناریوی تقلب را مطرح می‌کنند.

این نشان می‌دهد متأسفانه عده‌ای آمرانه و آگاهانه در فتنه حضور داشتند و فتنه را با بیگانگان و سرویس‌های جاسوسی رهبری می‌کردند.

این مسئله نشان می‌دهد فتنه یک سناریوی براندازی نظام بود که توسط بیگانگان تنظیم شده بود و آدم‌های بی‌بصیرت و احمق داخل نیز نقش‌آفرینی کردند؛ آن‌هایی که فکر می‌کنند با کمک صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها می‌توانند در ایران به قدرت برسند.

اولین مسئله‌ای که در رابطه با ۹ دی می‌توان گفت، حماسه ۹ دی آبی بر آتش حرص ولع آمریکا، صهیونیست و انگلیس ریخت که تغییر رژیم در ایران محال است و مردم ایران پشت نظام ایستادند و حاضرند هر هزینه‌ای را بپذیرند تا نظام خود را از دست ندهند.

نکته اصلی این است که غربی‌ها از تغییر نظام جمهوری اسلامی دلسرد شدند، وگرنه موضوع تحریم‌ها و ... در ادامه بحث آنها است و این‌ها اصلاً دست بردار نیستند و می‌خواهند با فشارهای اقتصادی مردم ما را به زانو در بیاورند.

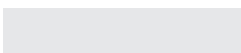
اینکه آیا بعد از حماسه ۹ دی تحریم‌ها کاهش پیدا کرد، خیر. آن‌ها ادامه دادند و نشان داد که تغییر نظام به راحتی در ایران امکان‌پذیر نیست. یکی از دلایلی که غربی‌ها پای میز مذاکره آمدند، همان نتیجه نگرفتن از تحریم‌ها است. زیرا اگر در تحریم‌ها نتیجه گرفته بودند، پای میز مذاکره نمی‌آمدند.

انواع و اقسام تحریم‌ها را به کار بردند ولی نتیجه‌ای نگرفتند و دیدند هر روز مردم مقام‌تر در صحنه حاضر شدند.

۹ دی به معنای حضور همه مردم به جز عده‌ای قلیل بود و نشان داد که مردم بیش از گذشته نظام و انقلاب خودشان و کشورشان را دوست دارند و اجازه نمی‌دهند بیگانگان در کشور نقش‌آفرینی کنند و آب سردی بر روی افراد وابسته به غرب ریختند و بزرگترین دستاورد حماسه ۹ دی بود.

روابط دیپلماتیک شما در وزارت نفت، بعد از حماسه ۹ دی چه تغییری کرد؟

فضا یک مقداری بهتر شد ولی تا پایان دولت دهم تحرکات بین‌المللی کم شد و هنوز آثار فتنه را در کشور می‌بینیم. شما فکر می‌کنید در دولت یازدهم که نزدیک یک سال و نیم از این دولت می‌گذرد چند هیئت خارجی به ایران آمدند یا کمیسیون مشترک اقتصادی برگزار شده است؟ این‌ها هنوز ناشی از پیامدهای سنگین فتنه است و به راحتی قابل زدودن نیست و خسارات فتنه متوجه مردم ضعیف هم می‌شود و مردم ضعیف این خسارات را پرداخت می‌کنند.



۹ دی به معنای حضور همه مردم به جز عده‌ای قلیل بود و نشان داد که مردم بیش از گذشته نظام و انقلاب خودشان و کشورشان را دوست دارند و اجازه نمی‌دهند بیگانگان در کشور نقش‌آفرینی کنند و آب سردی بر روی افراد وابسته به غرب ریختند و بزرگترین دستاورد حماسه ۹ دی بود

ما بی‌احترامی شود و وحدت نیروهای انقلاب را دچار خدشه کنند و بتوانند زمینه‌سازی کنند که شبکه‌های اجتماعی یورش و هجمه سنگینی به ارزش‌های انقلاب کنند، این‌ها همه خسارت است و ما نمی‌توانیم به راحتی از کنار آنها بگذریم.

اینکه به گونه‌ای زمینه‌سازی کنند تا انقلاب رنگی در ایران رخ دهد و عده‌ای هم احساس کنند برای نجات کشور باید صهیونیست‌ها، انگلیس‌ها، آمریکایی‌ها و ... کمک کنند تا حزب این‌ها در ایران به قدرت برسد. این‌ها جای تأسف دارد که ما بعد از سی و چند سال و حفظ ارزش‌ها و این همه ایثارهایی که در کشور برای حفظ ارزش‌های اسلامی شده به یک باره به تاراج می‌رود و عده‌ای از خدا بی‌خبر اینطور با ارزش‌ها بازی کنند.

در زمینه‌های بین‌المللی هم همین‌طور بود؛ فتنه ۸۸ رتبه جهانی ما را خیلی کاهش داد، کشوری که در اوج دموکراسی بود، کشوری نشان داده شد که مردم نظام خود را نمی‌خواهند و می‌خواهند نظام را تغییر بدهند. همچنین بعد از فتنه ۸۸ غربی‌ها بحث اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را تشدید کردند و همه مطالبی که می‌گفتند را به اسلام شیعه‌ای که در ایران است متصل می‌کردند تا بتوانند بیداری اسلامی را هم کند و دچار خدشه کنند که تا حدودی هم موفق بودند و توانستند این کار را انجام بدهند.

همچنین در شرایط فتنه ۸۸ غربی‌ها کمک‌های جدی به گروهک‌های تروریستی و ضدانقلاب انجام دادند تا بتوانند حضور بیشتری برای مقابله با اسلامی‌گرایی در منطقه داشته باشند.

آنچه که به عنوان فتنه ۸۸ اتفاق افتاد، اجماعی از ثروت‌های نامشروع داخل کشور بود که عده‌ای به دست آورده بودند، سرویس‌های بیگانه خارجی